

## ۶- احکام خمس

خداوند متان خطاب به بندگان مؤمن می‌فرماید: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ أَمَنْتُمْ بِاللَّهِ» (الأنفال: ۴۱).

در نگاه خمس در شریعت

خمس، سومین فرع از فروع، و اصل وجوب خمس از ضروریات دین مبین اسلام است که انکار و تشکیک در آن موجب کفر می‌باشد، و دادن خمس، یعنی یک پنجم از چیزهایی که خمس به آن تعلق می‌گیرد طبق نص صریح قرآن کریم از علائم ایمان است. خمس دارای احکامی است که اجمالاً بیان می‌شود:

### ۱ / ۲۵۰ - قصد قربت در اداء خمس

عبادت بودن خمس و قصد قربت در آن

(مسئله ۲۴۸۰) خمس از عبادات است که در پرداخت آن باید به قصد قربت باشد، و کسی که بدون قصد قربت، خمس می‌دهد مجزی بودن آن خالی از اشکال نیست، و کسی که به اختیار خود، خمس مالش را نمی‌دهد، بلکه با ترس و تهدید، مجبور به پرداخت می‌شود، ذمه او بری نمی‌شود، مگر آنکه به امر مجتهد جامع شرایط به اجبار از او بگیرند، که مجزی است، اگر چه قصد قربت هم نداشته باشد.

وکالت در اداء خمس:

(مسئله ۲۴۸۱) صاحب مال می‌تواند کسی را وکیل کند تا خمس مالش را بپردازد، و احتیاط آن است که هم وکیل و هم صاحب مال، هر دو در پرداخت خمس، قصد قربت نمایند.

(مسئله ۲۴۸۲) پدر و فرزند یا دو برادری که با هم زندگی می کنند، و هر چه کسب کرده اند با هم خرج می کنند لازم نیست هر کدام حساب سالیانه جداگانه داشته باشند، ولی در ادای خمس اگر یکی از آن دو با وکالت از دیگری به قصد ما فی الذمه هر کدام بپردازد کفایت می کند.

(مسئله ۲۴۸۳) کسی که اصلاً خمس نمی دهد و یا بدهکار است و از پرداخت آن امتناع می کند، متصدی امور یا شریک او می تواند به اذن مجتهد جامع الشرائط، محرمانه از درآمد او یا شرکت بردارد، و به مجتهد جامع الشرائط بپردازد، و یا با اجازه مجتهد جامع الشرائط به محل مصرف برساند، و همچنین است حکم درباره فرزندى که پدرش اصلاً خمس نمی دهد یا بدهکار است امتناع می کند، و نیز زن می تواند با اجازه مجتهد جامع الشرائط از مال شوهرش که اصلاً خمس نمی دهد، یا بدهکار است و از پرداخت آن امتناع می ورزد، بگیرد و به مجتهد جامع الشرائط برساند در صورتی که سوء ظن و اتهامی در کار پیش نیاید.

(مسئله ۲۴۸۴) کسی که خمس مالش مثلاً ده هزار تومان را به قصد قربت جدا می کند و قبل از پرداخت آن، به دیگری بگوید: «تو مبلغ ده هزار تومان از مال خود را برای من خمس بده بعداً به تو می دهم» و او قبول کند و بپردازد، آن گاه ده هزار تومان کنار گذاشته را به او بدهد اشکال ندارد، لازم نیست دوباره قصد قربت نماید.

## ۲ / ۲۵۱ - چیزهایی که خمس به آن تعلق می گیرد

(مسئله ۲۴۸۵) در هفت چیز خمس واجب می شود:

اول: منافع کسب، و بعضی از منافعی که از غیر کسب حاصل می شود. دوم: معادن. سوم: گنج. چهارم: مال حلال مخلوط به حرام. پنجم: جواهری که به واسطه غواصی یعنی فرو رفتن در دریا بدست می آید. ششم: غنیمت جنگ. هفتم: زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد، و احکام اینها بطور تفصیل بیان می شود:

**۲۵۲ / الف - منافع کسب و بعضی از غیر کسب**

خمس درآمد: ۱- کسب

(مسئله ۲۴۸۶) هر گاه انسان از راه تجارت یا صنعت یا زراعت و یا کسبه‌های دیگر مالی را بدست آورد، اگر چه مثلاً با نماز و روزه استیجاری، مالی را تهیه کند، آنچه از مخارج سال خود و عیالاتش زیاد بیاید، باید خمس، یعنی پنج یک (یک پنجم) آن را به دستوری که بعداً بیان می‌شود بدهد.

۲- غیر کسب

(مسئله ۲۴۸۷) اگر از غیر راه کسب، مالی را بدست آورد، مثلاً چیزی طبق وصیت یا نذر یا وقف به او بدهند یا ببخشند یا هدیه کنند و یا جایزه و کادو دهند در صورتی که عین، مثل فرش و یخچال و کتاب و مانند اینها باشد و آن را نگهدارد واجب نیست خمس آن را بدهد ولی اگر آن را بفروشد و یا پول و خوراکی و مانند اینها باشد که مصرف می‌شود، چنانچه از مخارج سالش زیاد بیاید باید خمس آن را بدهد.

مهریه

(مسئله ۲۴۸۸) مهری را که زن می‌گیرد، و مالی را که مرد، عوض طلاق خلع، اخذ می‌نماید خمس ندارد، ولی مهری که مرد به زنش می‌دهد اگر از منافی باشد که سال بر آن گذشته باید خمس آن را بدهد، و چنانچه نگذشته باشد، خمس ندارد و مهریه جزء مؤونه سالی است که در آن سال پرداخت می‌شود.

(مسئله ۲۴۸۹) زنی که تمام مهریه یا قسمتی از آن را نقداً از عین، مثل زمین یا مغازه و مانند اینها گرفته چنانچه بعداً آن را بفروشد و قیمت آن ترقی کرده باید زیادی قیمت آن را از زمان ازدواج حساب کند و خمس زیادی را بدهد، و اگر بعداً تبدیل به عین کرده و فروخت باید خمس زیادی قیمت آن را از زمان تبدیل بدهد، و در هر دو صورت تا نفروخت، زیادی قیمت خمس ندارد، و اگر منفعتی از آن بدست آورد، و سال بر آن بگذرد، خمس دارد.

**۲۵۳ - خمس إرث و اموال میت**

۳- ارث

(مسئله ۲۴۹۰) ارثی را که انسان می‌برد اگر بداند مورث خمس آن را داده است، خمس ندارد، ولی اگر بداند که خمس را نداده یا شک داشته باشد، چنانچه بداند که

خمس به عین تعلق گرفته باید قیمت فعلی را حساب کند، و اگر نداند، خمس قیمت خرید را بدهد کافی است، و چنانچه در خود آن مال، خمس نباشد، ولی بداند، مورث خمس، بدهکار بوده است، مستحب است خمس مالی را که ارث برده بدهد، ولی اگر در خود مال، مال مخلوط به حرام باشد، احتیاط واجب آن است که خمس آن را بدهد.

(مسئله ۲۴۹۱) انسان اگر با کسی، خویشاوندی دوری داشته باشد، و نداند چنین خویشی دارد، و انتظار ارث بردن از او را نداشته باشد، ارثی برسد، احتیاط واجب آن است که خمس ارثی را که از او برده، چنانچه از مخارج سالش زیاد بیاید بدهد.

(مسئله ۲۴۹۲) اموالی که به ارث و بعداً ارتفاع قیمت پیدا کرد، اگر مثل زمین و آب و مستغلات باشد که مورث آنها را برای فروش نخریده، وارث تا آنها را نفروخته، زیادی قیمت آنها، خمس ندارد، و پس از فروش، زیادی قیمت، ربع سال محسوب می شود که اگر صرف مؤونه سال نشود، خمس دارد، و اگر مورث آن اموال را برای فروش خریده، و وارث هم برای فروش و ارتفاع قیمت، آنها را نگه داشته از قبیل اجناس دکان و مانند اینها، زیادی قیمت، خمس دارد که اگر صرف مؤونه سال نشود باید اداء نماید.

(مسئله ۲۴۹۳) کسی که در زمان حیاتش ملکی را خریده، و بعد از فوتش، ورثه ندانند که مورث، خمس آن ملک را داده یا نه، چنانچه بدانند که ملک، متعلق خمس بوده مثلاً در بین سال، از عوائد سال، آن را خریداری کرده و شک در ادای خمس آن دارند، واجب است خمس آن را بدهند.

(مسئله ۲۴۹۴) اگر از متوفی، مدرکی که دال بر دادن خمس اموال، و حساب سال داشتن باشد، نباشد، چنانچه ورثه یقین داشته باشند که خمس بر ذمه متوفی بوده ولی شک دارند که پرداخته یا نه، واجب است از اصل ترکه او اداء کنند، و چنانچه شک داشته باشند که خمس بر ذمه داشته یا نه، واجب نیست.

(مسئله ۲۴۹۵) وصی یا ولی میت، اگر بداند که بر مورد ثلث، خمس تعلق گرفته، و میت آن را نداده باید بدهد، و بعد بقیه را صرف میت نماید.

ارث غیر منتظره

ارتفاع قیمت در اموال مورثه

ملک ارثی که تخمیس آن مشکوک باشد

اداء خمس از اصل ترکه

خمس در مورد ثلث ترکه



وصیت به خمس

(مسئله ۲۴۹۶) کسی که فوت نموده و در وصیت نامه نوشته که خمس مال را ندادم، و وصی و ناظر خمس اموال را بپردازند، و ثلث مال مرا به کفن و دفن و نماز و روزه و حج و مانند اینها اختصاص دهند، باید خمس را از اصل مال خارج کنند، و پس از اخراج خمس، ثلث باقی مانده را طبق وصیت او عمل کنند.

خمس مبلغی که کارفرما به ورثه می‌دهد

(مسئله ۲۴۹۷) کسی که در شرکت یا مؤسسه و یا کارخانه و مانند اینها چه دولتی و چه غیر دولتی کار می‌کند چنانچه بعد از فوتش، مبلغی از طرف شرکت و مانند آن به ورثه اش می‌دهند اگر شرکت از اول، بناء داشته که از حقوق کارمند یا کارگر کم کند، و در زمان فوت به ورثه اش بپردازد، داخل در ترکه می‌باشد، ولی اگر به عنوان ارفاق باشد باید صرف کفن و دفن و مانند اینها شود، داخل در ترکه نیست و خمس ندارد.

خمس درآمد سال فوت

(مسئله ۲۴۹۸) کسی که حساب سال داشته، و خمس آن را داده اگر در وسط سال فوت کند، ورثه باید خمس آنچه از سود سال فوت را که در مؤونه مصرف نشده بدهند، و از مال خمس داده شده به مصرف تجهیز و خیرات و مبرات برای او برسانند.

خمس منفعت سال فوت

(مسئله ۲۴۹۹) کسی که مانند تاجر و کاسب و زارع باید برای دادن خمس، سال قرار دهد اگر منفعتی بدست آورد و در بین سال بمیرد، باید مخارج تا موقع مرگش را از آن منفعت کسر نمایند، و خمس باقی مانده را بدهند، پس مثلاً اگر زارع در بین سال بمیرد، و مقداری گندم یا آرد مانده که اگر نمرده بود تا آخر سال می‌خورد باید خمس آن را ورثه بدهند و گرنه نمی‌توانند در آن تصرف کنند.

تقدم خمس و دیون بر وصیت

(مسئله ۲۵۰۰) اگر وصی بداند، میت وصیت کرده که از ثلث مالش، خمس واجب او را اداء کند، باید انجام دهد، ولی اگر میت، وصیت به خمس نکرده باید اول قرضهای مالی او را که خمس هم یکی از آنها است از اصل مال، خارج کند، و ثلث بقیه را به مصارفی که وصیت کرده برساند.

## ۲۵۴ - میزان وقت حساب سال

لزوم حساب سال خمس بر هر مسلمان

سزاوار است هر مسلمان مکلف از زمانی که مالی را مالک می‌شود، وقتی از سال را برای حساب خمس مالش قرار دهد.

(مسئله ۲۵۰۱) بهتر است تاجر و مانند آن که منفعت کسب آنها تدریجاً بدست می‌آید، ابتداء سال خمس را از هنگام شروع در کسب قرار دهد، و بهتر است زارع و مانند آن که فایده زراعت دفعی حاصل می‌شود، مبدء سال را موقع حصول فائده قرار بدهد.

(مسئله ۲۵۰۲) تاجر و کاسب و صنعتگر و مانند اینها از وقتی که شروع به کاسبی می‌کنند یک سال که بگذرد، باید خمس آن چه را از خرج سالشان زیاد می‌آید بدهند، و کسی که شغلش کاسبی نیست، اگر اتفاقاً معامله ای کند و منفعتی ببرد، بعد از آن که یک سال از موقعی که فائده را برده بگذرد باید خمس مقداری را که از خرج سالش زیاد آمده بدهد.

(مسئله ۲۵۰۳) انسان می‌تواند در بین سال هر وقت منفعتی بدستش آمده، در صورتی که بداند از مخارج سالش زیاده‌تر است خمس آن را بدهد، و جایز است دادن خمس را تا آخر سال تأخیر بیاورد، اگر برای دادن خمس، سال شمسی را ملاک قرار دهد، مثل زراعت و مانند آن که موافق سال شمسی است بهتر است.

(مسئله ۲۵۰۴) اگر کسی بخواهد وقت حساب سال خود را تغییر بدهد اشکال ندارد در صورتی که خمس موجودی را فعلاً بدهد.

(مسئله ۲۵۰۵) کسی که چند رشته کسب و کار دارد مثلاً تجارت و زراعت می‌کند، و حقوق و اجاره ملک می‌گیرد می‌تواند برای همه درآمدهای خود یک روز از سال را معین کند، و آن روز را سال خمسی خود قرار دهد و باید آنچه را در آخر سال از مخارج او زیاد آمده، خمس بدهد، و چنانچه از یک رشته نفع ببرد و از رشته دیگر ضرر کند بنابر احتیاط مستحب، خمس نفعی را که برده بدهد، ولی اگر دو تجارت یا دو زراعت مختلف داشته باشد می‌تواند ضرر یکی را با نفع دیگری جبران کند.

(مسئله ۲۵۰۶) کسی که حساب سال ندارد، اگر منافعی بدست آورد، اول سال خمس او موقع حصول فائده است، و تا یک سال اگر صرف در مؤونه نشده باید خمس آن را بدهد.

(مسئله ۲۵۰۷) اگر کسی عین را که برای انتفاع، نگهداری شده، برای هر منفعتی از آن، اول حصول آن را سال قرار بدهد مثلاً برای بچه گوسفند وقت زاییدن و برای

مبدء سال مالی خمس:  
۱- در کسب تدریجی  
۲- کسب دفعی

۳- در معامله اتفاقی

خمس تا آخر سال  
جواز تأخیر آداء

حساب سال  
تغییر وقت

۴- تعدد کسب (جبران ضرر  
بعضی از کسبها را با بعضی دیگر

کسی که حساب  
سال ندارد

تعدد مبدء سال  
به تعدد منافع

پشم آن وقت پشم چیدن، و جهت شیرش وقت دوشیدن را سال قرار بدهد اشکال ندارد، ولی ضرر هر یک را به نفع دیگری نمی‌تواند جبران نماید.

### ۲۵۵- نحوه رسیدگی به حساب سال

بدون تردید، کسانی که حساب سال دارند، هم خود و هم زن و فرزندان، و حتی بستگان و دوستان آنها تعهد اعتقادی و تقید اجتماعی بیشتری در تمام ابعاد زندگی انسانی از عبادات و معاملات و اخلاقیات گرفته تا آداب و سنن بر کسانی دارند که حساب سال ندارند، از این رو دین مبین اسلام، دست فقیه، خبیر، مجتهد جامع الشرائط را برای جذب صاحبان ثروت به تعهدات اسلامی باز گذاشته است تا با نگرش عمیق و دور اندیشی خود بتواند با تخفیف قابل ملاحظه، و تسهیل در امر حساب سال، ثروتمندان بیشتری را به عمل به فرامین اسلامی، تشویق نماید.

و گام مؤثرتری در دو بعد اعتقادی: (جذب افراد به تعهدات اسلامی) و اقتصادی (باز کردن حساب سال برای افراد بیشتر، و أخذ خمس از آنها) و صرف نصف آن را در اداره حوزه‌های علوم دینی و تبیین اصول و فروع دین مبین اسلام با قلم و زبان با دو منطق عقل و دین، و تبلیغ حقایق، و نشر معارف آسمانی:

«فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ» و صرف نصف دیگر آن در جهت زدودن بخشی از فقر و تهی دستی از چهره جامعه اسلامی:

«وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ» که بعداً بیان می‌شود بردارد.

(مسئله ۲۵۰۸) کسی که پس از شروع به کسب و بدست آوردن اموال، مدتها (به واسطه ندانستن مسئله یا علل دیگری) حساب سال خمسی نداشته است، چنانچه بخواهد، حساب سال باز کند، باید مجموع زندگی خود را نزد مجتهد جامع الشرائط، یا وکیل او حساب نماید، ولی مجتهد جامع الشرائط یا وکیل او با اذن از مجتهد جامع الشرائط، می‌تواند، جهت تسهیل و تشویق، مقدار قابل ملاحظه یا تمام آنچه را که فعلاً به حساب آمده که اگر حساب سال می‌داشته، جزء مؤونه به حساب می‌آمد و خمس نداشته تخفیف دهد، تا بتواند پس از تعیین سال، طبق دستور عادی عمل کند.

آثار و خواص حساب سال خمسی در ابعاد زندگی دارندگان حساب سال

اختیار مجتهد در تخفیف و تسهیل محاسبه خمس

تسهیل در تخمیس اموال



تعیین حدسی و تخمینی  
منافع سال

(مسئله ۲۵۰۹) کسی که نمی‌تواند در آخر سال، منافع سال را دقیقاً تعیین نماید، و یا به واسطه زیادی اجناس دکان و تجارت و مستغلات، رسیدگی کند، می‌تواند بطور حدس و تخمین، تعیین کند، و خمس آن راپردازد، و بعد از آن، رسیدگی نماید، که اگر منافع، بیش از مقدار حدس بوده بقیه راپردازد، و اگر کمتر بوده، به نسبت، از بدهی خود، کسر نماید.

خمس آذوقه زائد

(مسئله ۲۵۱۰) اگر در منزل کسی، مقداری آذوقه در آخر سال خمس اضافه بماند، باید خمس آن را بدهد، و چنانچه بخواهد قیمت آن را بدهد، باید از پولی بدهد که خمس آن داده شده باشد، یا باید از ربح سال جدید پردازد.

محاسبه در موارد تعدد  
سرمایه گذاری

(مسئله ۲۵۱۱) کسی که چند نوع جنس، خرید و فروش می‌کند، و برای هر یک مبلغی را سرمایه گذاری کرده، چنانچه تا آخر سال، بعضی را نقدی، و بعضی را نسیه فروخته، و بعضی هم موجود باشد و نتواند تمام اجناس از نقد و نسیه و موجود را به دقت حساب کند تا سود حاصل سال را تعیین نماید، می‌تواند آنچه را که نقدی فروخته، به عنوان اصل سرمایه بردارد، و آنچه را نسیه فروخته، پس از وصول، خمس آن را بدهد، و آنچه که موجود است اگر بتواند فعلاً و اگر نتواند پس از فروش باید تخمیس نماید.

ملک فروخته شده در  
وسط سال خمس

(مسئله ۲۵۱۲) کسی که حساب سال دارد، و در بین سال، مثلاً از فروش یک قطعه زمین منفعتی به دست آورد، چنانچه خمس اصل زمین را داده باشد، نسبت به منفعت آن، می‌تواند تا آخر سالش تأخیر بپردازد ولی اگر خمس زمین را نپرداخته باید فوراً خمس آن را بپذیرد و تأخیر آن تا آخر سال جایز نیست.

معامله و شرکت با  
تارک خمس

(مسئله ۲۵۱۳) کسی که حساب دقیق سال نداشته ولی گاهی به عنوان خمس، پولی پرداخته، شرکت و معامله با او اشکال ندارد، و اما اگر عین معینی که متعلق خمس بوده، و خمس آن را نداده معلوم باشد، تصرف در آن، خالی از اشکال نیست.



(مسئله ۲۵۱۴) کسی که برای خود، سال خمس تعیین نکرده، ولی هر وقت بدهکار شده با اجازه مجتهد جامع الشرائط، خمس را پرداخته است، ذمه او بری می شود.

(مسئله ۲۵۱۵) کسی که حساب سال نداشته، و خمس، بدهکار بوده است و فقیر شد، چه این که مجموع ثروت از دست رفته معلوم باشد و چه نباشد، باید نزد مجتهد جامع الشرائط حساب کند، و مجتهد جامع الشرائط می تواند با او مصالحه و ابراء ذمه اش نماید و او نیز از این کار استغفار کند.

### ۲۵۶- مؤونه زندگی خمس ندارد

(مسئله ۲۵۱۶) مؤونه زندگی از خانه و اثاثیه منزل، و جهیزیه عروسی و مانند اینها را می توان از هفت طریق کلی فراهم نمود:

**اول:** از اموالی که به مجرد تملک آنها، خمس تعلق می گیرد، مانند معادن، گنجها، غنائم جنگی، و مانند اینها که باید قبل از هر چیز، خمس آنها داده شود، پس کسی که مثلاً خانه ندارد اگر گنجی را بدست آورد باید اول خمس آن را بدهد، پس از آن خانه بخرد.

**دوم:** از منافع کسب، و بعضی از غیر کسب در وسط سال خمس، و از چیزهایی که خمس به آنها تعلق نمی گیرد، مانند ارثی که خمس آن داده شده یک دفعه، خانه و مؤونه زندگی تهیه نماید.

**سوم:** کسی که حساب سال دارد، و احتیاج به خانه و مانند آن از مؤونه زندگی دارد، و از درآمد سال، مقداری را برای خانه، یا زمین، یا ساختن و بنایی و تعمیر یا تکمیل آن، پس انداز یا بتدریج مصرف می کند.

**چهارم:** کسی که حساب سال ندارد، ولی مقداری از درآمد سال را تدریجاً صرف مؤونه می کند، مثلاً سال اول، زمین خانه را می خرد، و سال دوم، آهن و آجر را تهیه می نماید، و سال سوم، بنایی می کند، و سال چهارم کار تعمیر را انجام می دهد، و همچنین تا خانه تکمیل شود.

**پنجم :** بدون حساب سال، مقداری از درآمد سال را به قصد خریدن خانه و تهیه زندگی در حد شأن خود، پس انداز می کند، تا پس از جمع شدن پول، یک دفعه اقدام می کند .

**ششم :** کسی که بدون حساب یا با داشتن حساب سال، با قرض، یک دفعه، یا با وام قسطی، منزل تهیه کند .

**هفتم :** کسی که بدون حساب سال، و بدون توجه به آن، اموالی را بدست می آورد و خرج زندگی می کند و مدتها بر او می گذرد، و لاینحل باقی مانده است. حکم صورت اول، به طور واضح بیان شده است و صورت دوم تا ششم، خمس ندارد، و اما مشکل صورت هفتم، مجتهد جامع الشرایط می تواند با توجه به مسائل اعتقادی و اقتصادی و جهانی دین مبین اسلام با دید وسیع، و نظری بلند، و نگرشی عمیق، آن را به این صورت حل کند، مثلاً اگر به یک ثروتمند میلیاردی بگوید : « تو باید از یک میلیارد ثروت که غالباً دویست میلیون تومان آن خانه و اثاثیه و لوازم خانگی یک میلیارد است، خمس آن را بدهی » کمتر به آن تن می دهد و بسط ید هم ندارد تا به اجبار از او بگیرد، و او نیز به حال سابق خود باقی می ماند و هشتصد میلیون سرمایه دیگر را نیز حساب نمی کند و پولها را در راههای نامشروع و مسافرتها کذایی به جیب اجانب می ریزد، ولی اگر به او بگوید : « دین مبین اسلام دین سمحه و سهله است، و هیچ مشکل اعتقادی و اقتصادی در نظام آفرینش نیست مگر آنکه با منطق عقل و دین مبین اسلام حل می گردد، تو از دویست میلیون تومان مؤننه بی حساب، دویست هزار تومان را بده، و یا براساس مصالح اجتماعی اسلام، اصلاً نده، ولی سرمایه را تخمیس و حساب سال خمسی داشته باش، و پس از آن طبق دستور عادی اسلام عمل کن ».

تا با این عمل، هم او و هم کسانی که متعلق به او هستند را از یکسو متعهد به مبانی دین مبین اسلام، و مقید به احکام الهی نماید و از سوی دیگر سالهای بعد، حداقل ده میلیون تومان، خمس بدهکار می شود، و با تمام وجود و اعتقاد، آن را می پردازد، و با جذب

هزاران نفر از این گونه افراد، بسیاری از مسائل اعتقادی، و نابسامانیهای اقتصادی رفع، و با ایجاد شغل‌های مختلف، بخشی از فقر و بیکاری حل می‌گردد، و غبار تهیدستی و بیچارگی از چهره جامعه اسلامی زدوده می‌شود. این بیان بدان معنی نیست - چنانچه شاید أحياناً ساده لوحان سطحی و تنگ نظر، توهم کنند - که : ممکن است افرادی از این بیان سوء استفاده کرده، و سالها بدون حساب و کتاب، ثروت اندوزی کنند و در آخر با مجتهد جامع الشرايط مصالحه نمایند، ما راه حل را بیان کردیم، و حل مشکل غير از ایجاد و يا استمرار آن است و حل مشکل، خود، حلال مشکلات است نه پديد آورنده مشکلات، که با نگرشی عمیق، و دور اندیشی و جهان بینی اسلام، ان شاء الله تعالی توهم برطرف می‌شود و چنانچه برطرف نشود مشکل خود متوهم است نه مشکل دين مبين اسلام .

(مسئله ۲۵۱۷) منزل مسکونی و اثاثیه خانه و لوازم مورد احتیاج زندگی، خمس ندارد، ولی زمین زراعتی و وسایل زراعت از چاه نیمه عمیق، و تراکتور و موتور و هر چه که از سرمایه به حساب آید، خمس دارد، و سرمایه و مستغلات و وسایل کسب، حکم سایر ربحها را دارد، چنانچه یک سال بر آن بگذرد، خمس دارد .

(مسئله ۲۵۱۸) مرکب از قبیل ماشین و موتور و دوچرخه و مانند اینها که برای سواری باشد، جزء مؤونه است، و خمس ندارد، ولی اگر برای کسب باشد، جزء سرمایه است و خمس دارد، چنانچه تلفن و صندوق و مانند اینها در منزل خمس ندارد ولی برای استفاده در مغازه خمس دارد .

(مسئله ۲۵۱۹) کسی که زمین موات را با مخارج آباد کرده اگر آن را به صورت باغ درآورده تا خود و خانواده او از محصولات آن، استفاده کنند خمس ندارد، ولی اگر زائد آن را بفروشد، و صرف مؤونه نشود خمس دارد ، و اگر زمین را به منظور زراعت کردن آباد کرده چه آن را بفروشد یا بفروشد، خمس آن واجب است، و مخارجی را که برای آباد کردن زمین نموده اگر از مال خمس داده بوده می‌تواند آن مبلغ را کسر نماید، و خمس قیمت بعد از احیاء زمین را باید بدهد، و همچنین زمین زراعت را اگر بخرد، جزء سرمایه است باید خمس آن را بدهد .



(مسئله ۲۵۲۰) کسی که حساب سال دارد، دَخل وسط سال به هر مقدار که خرج مؤونه شود خمس ندارد، و هر مقدار که خرج غیر مؤونه شود، و یا بر اصل سرمایه اضافه شود، خمس دارد.

خرج غیر مؤونه:  
افزایش قیمت

(مسئله ۲۵۲۱) زمینهایی که دولت در اختیار مردم می‌گذارد و به آنها می‌فروشد، و به اقساط قیمت آنها را می‌گیرد، اگر غصبیت آن معلوم باشد، تصرف در آنها جایز نیست، و معامله باطل است، و با دادن خمس، حلال نمی‌شود.

خریداری شده  
مال مقصوب

(مسئله ۲۵۲۲) اگر گوسفند فقط برای مصرف خانواده باشد، خمس ندارد و آغلی هم که برای آن ساخته می‌شود جزء مؤونه به حساب می‌آید، ولی اگر برای فروش باشد جزء سرمایه است خمس دارد، و آغلی هم که برای گوسفند ساخته می‌شود خمس دارد. (مسئله ۲۵۲۳) کسی که قسمتی از منزل مسکونی خود را اجاره می‌دهد اگر این قسمت، زائد بر احتیاجش باشد خمس دارد و ایلا ندارد.

گوسفند و آغل

قسمتی از منزلی که  
اجاره داده می‌شود

(مسئله ۲۵۲۴) کسی که حساب سال دارد می‌تواند از دَخل وسط سال، خانه مورد نیاز خود را بخرد و یا خانه بزرگتر بخرد، و یا برای فرزندش چنانچه در خرج او باشد بخرد خمس ندارد، و همچنین کسی که خانه مسکونی خود را فروخته و با پولش کسب کرده و قبل از سال، با سودش خانه بزرگتری را خریده، خمس ندارد.

خرید خانه جدید

(مسئله ۲۵۲۵) اگر کسی در چند شهر، خانه داشته باشد که مورد نیاز و در شأن او است خمس ندارد، و چنانچه قسمتی از آن را خودش استفاده کند و قسمت دیگر را اجاره دهد، باید خمس مورد اجاره را بدهد.

خانه‌های متعدد در  
شهرهای مختلف

(مسئله ۲۵۲۶) کسی که موافق شأن خود خانه ای خریده، اگر پس از سکونت در آن به واسطه احتیاج، آن را بفروشد، و خانه کوچکتری بخرد تا بقیه پول را سرمایه خود قرار دهد، خمس ندارد، ولی اگر منزل سابق را بیش از خریدش بفروشد، زائد بر قیمت خرید از عوائد سال فروش است که اگر در آن سال صرف مؤونه نشود، خمس دارد.

تبدیل قسمتی از مسکن  
به سرمایه کسب



تهیه خانه کارمندان و طلاب و دانشجویان

(مسئله ۲۵۲۷) کارمند یا کارگری که در مؤسسه یا شرکتی مشغول کار است، و در خلال مدت اشتغال از طرف مؤسسه، خانه ای را به عنوان اجاره یا مجانی در اختیارش بگذارند، اگر از درآمد خود، خانه ای تهیه کند تا پس از بازنشستگی به خانه خود بنشینند، خمس ندارد، و همچنین طلاب علوم دینی و دانشجویان که مدتی در شهرکها یا آپارتمانها زندگی می کنند، چنانچه در خلال آن، خانه تهیه کنند، خمس ندارد و ارفاق، رفع حاجت فعلی نمی کند.

تأخیر در تأویل خانه

(مسئله ۲۵۲۸) کسی که حساب سال دارد، اگر از درآمد وسط سال، خانه مورد نیازش را بخرد، چنانچه فروشنده، تحویل خانه را بعد از یک سال قرار دهد که از حساب سال خمس خریدار بگذرد، و یا عدواناً خانه را تحویل مشتری ندهد، خمس ندارد.

مالی که بر اثر قناعت مانده

(مسئله ۲۵۲۹) اگر به واسطه قناعت کردن، چیزی از مخارج سال انسان زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد، و همچنین کسی که دیگری مخارج او را می دهد باید خمس تمام مالی را که به دست می آورد بدهد، ولی اگر مقداری از آن را خرج زیارت واجب یا مستحب و مانند آن کرد باید فقط خمس باقیمانده را بدهد.

مالیات دولتی

(مسئله ۲۵۳۰) مالیاتی را که دولت از مردم می گیرد جزء حساب شرعی، منظور نمی شود، ولی خمس آن، بر ذمه آنها نیست.

تلویزیون و مانند آن از مؤونه سال شمار نمی آید

(مسئله ۲۵۳۱) تلویزیون و رادیو و مانند اینها از مؤونه به حساب نمی آید، قیمت آنها خمس دارد، ولی ضبط صوت که تنها با نوار مذهبی از آن استفاده می شود و همچنین بلندگو برای مجالس دینی از مؤونه سال حساب می شود.

### ۲۵۷- تصرف در اموالی که خمس آنها داده نشده یا مشکوک است

معامله با پول یا مالی که خمس آن داده نشده

(مسئله ۲۵۳۲) اگر کسی با عین پول خمس نداده جنسی را بخرد، و به فروشنده هم بگوید: «این جنس را با این پول می خرم» چنانچه مجتهد جامع الشرائط، معامله پنج یک آن را اجازه بدهد، معامله آن مقدار، نسبت به خریدار و فروشنده هر دو صحیح است و خریدار باید پنج یک جنس یا قیمت آن را که خریده به مجتهد جامع الشرائط

بدهد و اگر اجازه ندهد، معامله آن مقدار باطل است، پس اگر پولی را که فروشنده گرفته از بین نرفته، مجتهد جامع الشرائط، خمس همان پول را می‌گیرد، و اگر از بین رفته عوض خمس را از فروشنده یا خریدار مطالبه می‌کند، ولی اگر در وقت معامله به فروشنده نگوید، معامله نسبت به فروشنده صحیح، و نسبت به خریدار به مقدار خمس باطل است، مگر آنکه از مجتهد جامع الشرائط اجازه بگیرد.

(مسئله ۲۵۳۳) کسی که می‌داند مالی را که خمس آن داده نشده بخرد، چنانچه مجتهد جامع الشرائط، معامله پنج یک آن را اجازه ندهد معامله آن مقدار، باطل است، و اگر اجازه بدهد معامله صحیح است، و خریدار باید مقدار پنج یک پول آن را به مجتهد جامع الشرائط بدهد، و اگر فروشنده داده می‌تواند از او پس بگیرد.

(مسئله ۲۵۳۴) اگر چیزی را که خمس آن داده نشده به کسی ببخشد، پنج یک آن چیز مال او نمی‌شود.

(مسئله ۲۵۳۵) اگر کسی اجمالاً بداند، شخصی عقیده به خمس دارد ولی خمس نمی‌دهد، و مالی را به او بدهد، چنانچه نداند، خصوص مالی را که به او داده خمس به آن تعلق گرفته یا نه، مثلاً احتمال دهد که این مال از اموالی باشد که از راه ارث به او رسیده، یا وام بدون ربا گرفته، تصرف در چنین مالی اشکال ندارد، و همچنین قبول دعوت اینگونه اشخاص و یا نماز خواندن در خانه آنها جایز است مگر اینکه بداند غذایی را که تهیه کرده و یا خانه و فرش و مانند اینها از پولهایی است که خمس آن را نداده است که استفاده از آنها بدون اذن مجتهد جامع الشرائط جایز نیست.

(مسئله ۲۵۳۶) اگر از کافر یا از کسی که به دادن خمس عقیده ندارد، مالی به دست انسان آید، واجب نیست خمس آن را بدهد، ولی زمینی را که از کافر ذمی بخرد که او از مسلمان خریده و خمسش را نداده باشد، باید خمس آن را بدهد.

(مسئله ۲۵۳۷) شرکت در تجارت یا کسب با کسی که اعتقاد به وجود خمس ندارد مانند کافر و یا مسلمانی که خمس را واجب نمی‌داند، اشکال ندارد اگر چه احوط ترک آن است.

بخش چیزی که  
خمس داده نشده

تصرف در اموال مشکوک از جهت  
آداء خمس ۱- با عقیده به خمس

۲- بدون عقیده  
به خمس

تصرف در پول  
غیر مخمس

پول غیر مخمس در  
امور خیریه

مواردی که در داد و ستد،  
اجازه مجتهد لازم است

گرفتن نفقه از کسی  
که خمس نمی‌دهد

اجاره مسکونی که  
خمس آن داده نشده

عدم لزوم فحش

(مسئله ۲۵۳۸) اگر کسی پولی را از شخصی قرض بگیرد، چنانچه بداند قرض دهنده، خمس آن پول را نداده، قبل از ادای خمس آن، تصرف در آن جایز نیست.

(مسئله ۲۵۳۹) کسی که خمس بدهکار است و ربا هم می‌خورد، اگر برای بنای مسجد یا حمام، یا تعمیر آنها، و خرید فرش مسجد و ساختن وضوء خانه و مانند اینها کمک کند، چنانچه معلوم نباشد، به عین مالی که در چنین جاها صرف کرده، خمس تعلق گرفته یا از ربا بوده اشکال ندارد، ولی اگر معلوم باشد بدون اجازه مجتهد جامع الشرائط جایز نیست.

(مسئله ۲۵۴۰) تاجر و کاسب و مغازه دار و مانند اینها که با طبقات مختلف مردم داد و ستد دارند، و می‌دانند پولی را که از افراد می‌گیرند، و یا اجناسی را که آنان می‌خرند بسیاری از آنها خمس نمی‌دهند و یا مخلوط به حرام است، چون اینگونه موارد، جزء شبهه غیر محصوره و یا خارج از محل ابتلاء است اشکال ندارد، ولی چنانچه یقین داشته باشند پولی را که از مشتری می‌گیرند یا جنسی که می‌خرند، عیناً خمس به آن تعلق گرفته، و مشتری یا فروشنده آن را نداده باید در تصرف آن از مجتهد جامع الشرائط، اجازه بگیرند.

(مسئله ۲۵۴۱) کسی که خمس نمی‌دهد، اگر زن و فرزندان و هر کسی که در نفقه او است و یا از او حقوق کارگری یا کارمندی می‌گیرند بدانند که به عین مال مورد ابتلاء آنها خمس تعلق گرفته، و صاحب آن، خمس آن را نمی‌دهد، خوردن و تصرف در آن مال قبل از ادای خمس، جایز نیست، ولی اگر از مجتهد جامع الشرائط اجازه، بگیرند اشکال ندارد.

(مسئله ۲۵۴۲) کسی که زائد بر خانه مسکونی، خانه دیگری خریده، و خمس آن را نداده و به اجاره می‌دهد، اگر مستأجر بداند که عین آن خانه، متعلق خمس بوده و موجر خمس نداده، تصرف در آن جایز نیست ولی اگر ندانداشکال ندارد.

(مسئله ۲۵۴۳) انسان نمی‌تواند در مالی که یقین دارد خمسش را نداده اند تصرف کند، ولی در مالی که شک دارد خمس آن را داده اند یا نه، می‌تواند تصرف نماید، و جستجو لازم نیست، ولی با علم به تعلق خمس، و شک در دادن خمس، تصرف، خالی از اشکال نیست.



(مسئله ۲۵۴۴) کسی که با دیگری شریک است، اگر خمس منافع خود را بدهد، ولی شریک او ندهد، و در سال بعد، از مالی که خمسش را نداده برای سرمایه شرکت بگذارد، هیچ کدام نمی‌توانند در آن تصرف کنند، و همچنین است نسبت به شرکتهای دولتی و سهام.

شرکت با مالی که  
خمسش داده نشده

(مسئله ۲۵۴۵) کسی که از منافع کسب و غیر کسب، وسایل حرام مانند انگشتر طلا برای مرد و یا وسایل لهو و لعب و قمار و شطرنج و مانند اینها بخرد، جزء مؤونه محسوب نمی‌شود، باید خمس آنها را بدهد.

وسایل حرام جزء  
مؤونه نیست

### ۲۵۸ - خمس عائدات زاید بر مؤونه و خمس مازاد بر مؤونه

(مسئله ۲۵۴۶) چیزهایی که زکوة به آنها تعلق می‌گیرد، اگر بعد از دادن زکوة آنها، از مخارج سال زیاد بیاید، باید خمس آنها را بدهد.

خمس مازاد بعد  
از دادن زکوة

(مسئله ۲۵۴۷) مالی را که فقیر به عنوان خمس یا زکوة گرفته، خمس ندارد، ولی احتیاط واجب آن است که خمس مالی را که از صدقه مستحبی گرفته، چنانچه از مخارج سالش زیاد بیاید، و شخص با گرفتن این مال، دیگر فقیر نباشد، باید خمس زیادی را بدهد، ولی اگر از مالی که به عنوان خمس و زکوة و صدقه گرفته، منفعتی ببرد، مثلاً از گوسفندی که از بابت خمس به او داده اند منفعتی بدست آورد که از مخارج سالش زیاد بیاید باید خمس آن را بدهد.

مالی که به عنوان خمس و  
زکوة و صدقه گرفته

(مسئله ۲۵۴۸) اگر کسی با پول تخمیس شده یا پولی که خمس ندارد مثل ارث و مانند آن، باغی را احداث کند یا گوسفندی را بخرد برای آنکه بعد از بالا رفتن قیمتش بفروشد، باید بعد از باغ شدن، خمس درختها و میوه و نمو درختها و زیادی قیمت باغ، و خمس شیر و پشم و چاقی گوسفند و زیادی قیمت آن را بدهد، ولی اگر قصدش این باشد که از میوه درختها و شیر و پشم گوسفند استفاده کند، و زائد بر مقدار حاجتش نباشد، فقط باید خمس میوه درختها و شیر و پشم را اگر از مؤونه سال اضافه شود بدهد.

خمس مالی که بعد از  
تخمیس بدست آمد



خمس درختان

(مسئله ۲۵۴۹) اگر درخت بید و چنار و مانند اینها را بکارد، و خمس نهال را داده باشد، سالی که موقع فروش آنها است اگرچه آنها را نفروشد، باید خمس آنها را بدهد، ولی اگر مثلاً از شاخه‌های آن که معمولاً هر سال می‌برند، استفاده ای ببرد و به تنهایی یا با منفعت‌های دیگر کسبش از مخارج سال او زیاد بیاید، در آخر هر سال باید خمس آن را بدهد، پس درختهایی را که انسان قطع می‌کند، چنانچه به موقعه یا زودتر قطع کند از درآمد سال قطع محسوب می‌شود که هر چه در آن سال به صرف مؤونه سال برسد، خمس ندارد و آنچه تا آخر سال باقی بماند، خمس دارد.

تقسیم اراضی زمینهای

(مسئله ۲۵۵۰) کسانی که زمینی را به عنوان تقسیم اراضی می‌گیرند، و مبلغی را هر سال به عنوان قسط ملک می‌پردازند، آن پول از عوائد سال، محسوب می‌شود، و زائد بر مؤونه است، و خمس دارد.

فحص و عدم لزوم فحص

(مسئله ۲۵۵۱) اگر کسی شک کند که آیا سرمایه او عائدی زائد دارد یا نه باید تفحص و حساب کند، ولی اگر شک کند که آیا این مال معین، یک سال بر آن گذشته و خمس به آن تعلق گرفته یا نه، و یا مالهایی را که در سالهای سابق مصرف کرده، خمس به آنها تعلق گرفته بود یا نه، اصل، عدم تعلق خمس و برائت ذمه است.

خمس در تبدیل مسکن برای سایر مؤونه‌ها

(مسئله ۲۵۵۲) کسی که به واسطه دین، یا تهیه جهیزیه یا عروسی و مانند اینها، خانه مسکونی خود را بفروشد، و از پول آن خانه کوچکتر به قیمت کمتری بخرد، و از باقیمانده آن، در همان سال فروش، دین خود را بدهد و یا جهیزیه تهیه کند و یا عروسی کند و پس از اینها، باز مقداری از پول خانه، زیاد بیاید، چنانچه خانه اول را بیشتر از قیمتی که خریده بفروشد باید برای این زیادی خمس بدهد، و اگر به قیمت خرید بفروشد، خمس ندارد، و چنانچه سال بر این زیادی بگذرد خمس دارد.

پول بورسیه تحصیلی

(مسئله ۲۵۵۳) اگر دولت به دانشجوی مقیم خارج، ماهانه مبلغی را بپردازد و شرط کند پس از پایان تحصیل به کشور خود برگردد و کار کند، چنانچه پول را تملیک دانشجو کند، و او در هنگام تحصیل، در مؤونه زندگی خود مصرف کند، خمس ندارد، ولی اگر مقداری از پول پس از پایان تحصیل، باقی بماند خمس دارد.

(مسئله ۲۵۵۴) پولی را که اعضای هیأتها جمع می‌کنند، مثلاً ده نفر، هر کدام ماهی هزار تومان در صندوق هیأت می‌سپارند، و در آخر سال، مجموع پول را با قرعه، به یکی از اعضا می‌دهند، و در سال دیگر با قرعه به یکی دیگر از اعضا می‌دهند تا تمام اعضا از طریق قرعه در مدت ده سال از پول جمع شده بهره‌مند می‌شوند، پولی را که ماهانه در صندوق می‌ریزند زائد بر مؤونه است، خمس دارد، و پول جمع شده یک سال را که هر فردی از آنها می‌گیرد، خمس ندارد، چون همین پولی را که به یک دفعه گرفته، به تدریج پول تخمیس شده را در صندوق ریخته است، و چیزی که خمس آن داده شده دوباره خمس ندارد.

پول صندوق وام

(مسئله ۲۵۵۵) کسی که پولی را جهت خریدن ماشین یا یخچال و مانند اینها در بانک می‌سپارد تا پس از یک یا دو سال با قرعه تحویل بگیرد، اگر پول را در مقابل خرید ماشین بدهد یعنی می‌خرد، ولی بعداً تحویل می‌گیرد، چنانچه این ماشین و مانند آن برای استفاده خودش باشد، و پول آن از حساب وسط سال باشد خمس ندارد، ولی اگر پول را فعلاً می‌دهد تا پس از قرعه کشی که اگر به نام او افتاده بخرد، و یک سال یا بیشتر گذشته، چه ماشین و مانند آن برای استفاده شخصی خود باشد یا برای حمل مسافر یا بار و یا فروش، باید خمس آن را به قیمت روز تحویل ماشین بدهد.

پول سپرده بان که به خود می‌دهد

(مسئله ۲۵۵۶) کسی که با پول قرضی، خانه‌ای را رهن کرده، و چند سال به تدریج قرضش را داده تا زمانی که فک رهن نکرده، پولی که در اختیار رهن است خمس ندارد، و بعد از فک رهن، هر مقدار از آن پول اگر در همان سال، صرف مؤونه شود، مثلاً با آن پول خانه بخرد و یا منزل دیگری را رهن کند، خمس ندارد و هر مقدار از آن زیاد بیايد خمس دارد، و همچنین اگر از ابتداء آن پول از درآمد سال بوده نه قرضی، ولی قصد خریدن منزل با آن پول را داشته، پس از فک رهن، آن پول به منزله پس انداز برای خرید منزل است که به نظر اینجانب، خمس ندارد.

پول قرضی که به رهن داده می‌شود

(مسئله ۲۵۵۷) میزان مؤونه، نسبت به افراد بسیار متفاوت است و تشخیص آن به نظر عرف مردم واگذار شده است، یعنی اگر عرف بگوید: «فلانی به اندازه دخل، خرج، و مطابق شأن خود عمل می‌کند و اسراف و زیاده روی نمی‌کند و پا را از گلیم

ضابطه عرف در مؤونه

خود بیرون نمی‌کشد .

(مسئله ۲۵۵۸) آنچه از منافع کسب، و بعضی از غیر کسب در بین سال به مصرف خوراک و پوشاک و خرید منزل و اثاثیه و لوازم خانه، و جهیزیه دختر و عروسی و مانند اینها، اگر در وقتی تهیه شود که معمولاً به تهیه آن حاجت است، و همچنین زیارت واجب و مستحب و بذل و بخشش و مهمانی و مانند اینها می‌رساند در صورتی که از شأن او زیادتر نباشد، خمس ندارد .

### ۲۵۹ - خمس جهیزیه و زینت آلات و مانند آنها

(مسئله ۲۵۵۹) اگر انسان نتواند یک دفعه، جهیزیه دخترش را تهیه کند، و مجبور باشد که هر سال، مقداری از آن را تهیه نماید، و یا در شهری باشد که معمولاً هر سال مقداری از جهیزیه را تهیه می‌کنند، و تهیه آن مورد حاجت باشد، چنانچه در بین سال از منافع آن سال، جهیزیه بخرد، خمس ندارد ولی اگر از منافع آن سال در سال بعد جهیزیه تهیه کند، مستحب است خمس آن را بدهد، و اما اگر دختر در معرض ازدواج باشد، پولی که از آن جهیزیه تهیه می‌شود، خمس ندارد، اگرچه سال بر آن بگذرد .

(مسئله ۲۵۶۰) جهیزیه ای که برای دختر در حد شأن، تهیه شده و به خانه شوهرش برده، و قیمت آن چند برابر شده، چنانچه بخواهد آن را بفروشد و به مکه برود، چنانچه جهیزیه از اول مورد حاجت بوده اگرچه از آن هم استفاده نشده باشد و فعلاً مورد حاجت نیست، خمس ندارد، ولی اگر از اول مورد حاجت نبوده، خمس دارد، و در صورت اول، چنانچه پس از فروش یکسال بر آن بگذرد، خمس دارد .

(مسئله ۲۵۶۱) دختری که نمی‌داند، پدرش جهیزیه او را از پولی تهیه کرده که خمس آن را داده است یا نه، چیزی بر او واجب نیست .

(مسئله ۲۵۶۲) اگر دختری با کسب خود مانند قالی بافی و خیاطی و مانند اینها، تدریجاً چند سال از عوائد وسط سال، جهیزیه برای خود تهیه کند، خمس ندارد،



ولی اگر پول را چند سال پس انداز کند، و یک دفعه جهیزیه تهیه، و از اول، قصد تهیه جهیزیه را داشته، مستحب است خمس آن را بدهد، و چنانچه از اول قصد تهیه جهیزیه از آن پول را نداشته، باید خمس آن را بدهد.

(مسئله ۲۵۶۳) اگر چیزی به عنوان جهیزیه دختر اول، تهیه شود، و در منزل بماند، و به دختر دوم داده شود، خمس دارد.

(مسئله ۲۵۶۴) کسی که چند سال قبل از ازدواج دخترش، پولی را برای تهیه جهیزیه در بانک پس انداز می کند، چنانچه پول را به دختر ببخشد، بر بخشنده خمس واجب نیست، و چون به دختر هبه شده اگرچه سال بر او بگذرد، خمس ندارد، ولی اگر پول را نبخشد، باید خمس آن را بدهد.

(مسئله ۲۵۶۵) اگر پسر، قبل از ازدواج، از درآمد وسط سال، لوازم زندگی و عروسی تهیه کند، و یا پدر از منافع کسب وسط سال، مخارج عروسی را بعهده گیرد، در هر دو صورت، چنانچه در همان سال ازدواج باشد، جزء مؤونه محسوب می شود، و خمس ندارد.

(مسئله ۲۵۶۶) اگر از منفعت کسب پیش از دادن خمس، اثاثیه ای برای منزل بخرد، و در بین همان سال احتیاجش از آن برطرف شود، چنانچه زائد بر مخارج سال باشد، مستحب است خمس آن را بدهد، و همچنین است زیورآلات زنانه، ولی اگر از سالهای بعد رفع احتیاجش از آنها بشود، یعنی وقت زینت کردن زن به واسطه کهنولت سن با آنها گذشته باشد، خمس دارد.

(مسئله ۲۵۶۷) سکه طلا اگر از منافع کسب، و برای زینت باشد خمس ندارد اگرچه زنجیر هم نداشته باشد، و حکم زکوة آن در مسئله (۲۸۶۳) بیان می شود.

(مسئله ۲۵۶۸) کسیکه چند دست لباس برای خود دوخته در صورتی که احتیاج به آن داشته باشد، خمس ندارد، اگرچه آن را نپوشیده باشد.

(مسئله ۲۵۶۹) جهیزیه دختر یا لباسها یا انگشتر یا گوشواره طلا که بستگان به عنوان کادو می دهند یا شوهر از باب اینکه زن، واجب النفقة اوست برای او می خرد،

دادن  
اول به دختر دوم  
جهیزیه

پس  
انداز برای  
جهیزیه

تهیه لوازم عروسی

رفع حاجت از اثاثیه  
منزل و زیورآلات

سکه طلا  
برای زینت

لباسهای  
متعدد

کادو



چنانچه در معرض حاجت باشد خمس ندارد اگر چه اتفاقاً بیش از یکسال مورد استفاده قرار نگیرد، ولی اگر زائد بر حاجت باشد و سال بر آن بگذرد، خمس دارد.

(مسئله ۲۵۷۰) کتابهایی که طلاب علوم دینی و محققین و محصلین در علوم و فنون دیگر از درآمد سال تهیه می کنند اگر مورد احتیاجشان باشد خمس ندارد، و مقصود از احتیاج آن نیست که هر روز یا هر ماه یا حتی در طول سال از آن استفاده کنند، بلکه وجود آن کتاب برای مواقع ضروری در کتابخانه آنها لازم است، احتیاج محسوب می شود، ولی اگر چنین نباشد بلکه هدف پر کردن کتابخانه یا سرمایه باشد، خمس دارد، و همچنین است وسائلی که گاهی ضروری می شود مانند دستگاه آشنشانی در جایی که خوف آتش سوزی است یا داروهای ضروری و مانند اینها اگر چه اتفاقاً در تمام سال از آنها استفاده نشود.

کتابهای علمی و وسائلی که گاهی لازم می شود

## ۲۶۰ - خمس در موارد وقف و نذر و زیارت و قبر

(مسئله ۲۵۷۱) اگر کسی ملکی را بر افراد معینی مثلاً اولاد خود وقف نماید، چنانچه در آن ملک زراعت و درختکاری کنند، و از آن چیزی بدست آورند، و از مخارج سال آنان زیاد بیاید باید خمس آن را بدهند، بلکه اگر طور دیگری هم از ملک وقفی نفع ببرند مثلاً اجاره آن را بگیرند، بنابر احتیاط واجب باید خمس مقداری را که از مخارج سالشان زیاد می آید بدهند.

۱ - منافع وقف : وقف خاص

(مسئله ۲۵۷۲) درآمد ملک یا مستغلات موقوفه ای که باید پس از وضع مخارج، خرج شعائر مذهبی، و اقامه مجالس عزاداری شود، چنانچه پس از انجام آنها مقداری زیاد بیاید، و سال بر آن بگذرد، خمس ندارد.

۲ - شعائر مذهبی وقف

(مسئله ۲۵۷۳) مالی را که انسان به مصرف نذر و کفاره و مانند اینها می رساند، جزء مخارج سالیانه است، و نیز مالی را که به کسی می بخشد یا جایزه یا کادو می دهد، در صورتی که از شأن او زیاد نباشد از مخارج سالیانه محسوب می شود، و خمس ندارد، ولی در خیرات و مبرات و اعمال صالحه لازم نیست موافق شأن باشد.

کفاره و خیریه مصارف نذر و

(مسئله ۲۵۷۴) کسی که نذر کرده یک دهم از سود حاصل از کسب یکسال خود را در ایام عاشوراء حسینی علیه السلام خرج کند، مقدار نذر جزء مؤونه سال حساب می‌شود، خمس ندارد ولی باید خمس بقیه سود را بدهد، و همچنین کسی که مثلاً نذر کند امسال به زیارت حضرت امام رضا علیه السلام برود، مخارج آن، جزء مؤونه و خمس ندارد، ولی چنانچه امسال موفق نشود و بعد از حساب سال برود باید خمس آن را بدهد.

(مسئله ۲۵۷۵) کسی که قبل از آخر سال خمسی به مشاهد مشرفه و یا به کشورهای دیگر مسافرت کرده و اجناسی برای خود و افراد خانواده و سوغاتی برای بستگان و دوستان خود خریده است، و دوستان و بستگان نیز برای او کادوهایی آورده اند، ولی او پس از پایان سال خمسی، سوغات را به صاحبانش رسانده، و آنچه برای خود و عیالاتش خرید، و همچنین پس از سال خمسی استفاده کرده، چنانچه در وقت متعارف خریده و رسانده و استفاده کرده باشد خمس ندارد اگرچه از سال خمسی او گذشته باشد.

(مسئله ۲۵۷۶) پولهایی را که مؤمنین در هیأتها برای زیارت مشاهد مشرفه جمع می‌کنند، جزء مؤونه سال حساب می‌شود، و خمس ندارد، ولی گاهی پس از زیارت و گذشتن سال خمسی، مقداری از آن پولها می‌ماند، چنانچه برگرداندن آنها را به صاحبانشان، عیب باشد، جزء مخارج سال گذشته محسوب می‌شود و خمس ندارد، و می‌توانند آن را در زیارت سال آینده مصرف کنند، و اگر عیب نباشد، و به صاحبانشان برگردد، باید خمس آنها را بدهند.

(مسئله ۲۵۷۷) کسی گوسفند یا گاو یا شتر معینی را نذر کند که در وقت معینی آن را در راه خیری مصرف نماید، و قبل از زمان مصرف آن، سال خمسی او فرا برسد، خمس به آن گوسفند و مانند آن تعلق نمی‌گیرد.

(مسئله ۲۵۷۸) کسی که دارای ملکی است در حد استطاعت برای حج، ولی نمی‌تواند فعلاً آن را بفروشد، چنانچه قرض کند، و عمل حج انجام دهد، و پس از مراجعت، آن ملک را بفروشد و قرضش را بدهد، خمس ندارد.

زیارت و تهیه سوغات

پولهای جمع شده و ذخیره برای زیارت

نذر معین

ملک موجب استطاعت حج

مخارج حج و زیارت و کفن و دفن

(مسئله ۲۵۷۹) مالی را که انسان، خرج سفر حج و یا زیارتهای دیگر می‌کند، از مخارج سالی حساب می‌شود که در آن سال شروع به مسافرت کرده، اگرچه سفر او تا مقداری از سال بعد طول بکشد، ولی کسانی که کفن یا قبر از قبل برای خود تهیه می‌کنند، چنانچه سال بر آن بگذرد، خمس دارد، و اگر وسط سال تهیه بمیرد، خمس ندارد.

### ۲۶۱ - خمس خمس و سهم امام علیه السلام و زکوة و صدقه و هدیه و ردّ مظالم

خمس و منافع

(مسئله ۲۵۸۰) در خمس و سهم مبارک امام علیه السلام خمس واجب نیست، پس کسی که خمس یا سهم مبارک امام علیه السلام را می‌گیرد چنانچه مقداری در آخر سال خمسی زیاد بیاید، خمس ندارد، ولی بر منافع خمس و سهم امام علیه السلام خمس تعلق می‌گیرد، مثلاً اگر زمینی را از بابت خمس به سید، یا به عنوان سهم امام علیه السلام به فقیر بدهند، چنانچه آن را زراعت کند یا اجاره دهد یا باغ احداث نماید، که منفعت آن از مؤونه سال، زیاد بیاید باید، خمس زائد را بدهد.

تصرفات خیریه در مال خمسی

(مسئله ۲۵۸۱) کسی که خمس یا سهم مبارک امام علیه السلام می‌گیرد، می‌تواند از آن صدقه و هدیه بدهد، و برای اموات خود خیرات کند، و اعمال صالحه انجام دهد.

زکوة و ردّ مظالم

(مسئله ۲۵۸۲) در زکوة اگر گندم یا جو یا کشمش یا خرما به عنوان زکوة به فقیر داده شود، و سال بر آن بگذرد، خمس ندارد، و همچنین اگر به مقدار نصاب طلا یا نقره یا گاو یا گوسفند یا شتر به عنوان خمس یا مظالم عباد یا صدقه واجب دیگر به فقیر داده شود، خمس به آنها تعلق نمی‌گیرد، ولی چنانچه یک سال پیش او بماند، باید خمس آن را بدهد.

هدیه و صدقه

(مسئله ۲۵۸۳) کسی که هدیه گرفته اگر بر مؤونه سال، زیاد بیاید، باید خمس زیادی را بدهد، و کسی که صدقه مستحبی را صرف در مؤونه نکند، و سال بر آن بگذرد باید خمس آن را بدهد.



دادن مجهول  
المالك و رد مظالم  
عباد به سید

رد مظالم و  
اجازة مجتهد

مال مردود بین مأخوذ  
خمس و غیر آن

(مسئله ۲۵۸۴) احتیاط واجب آن است که مجهول المالك و مظالم عباد به سید

داده نشود .

(مسئله ۲۵۸۵) مظالم عباد، همان اعیان و دیونی است که بر ذمه اشخاص باشد، و صاحبان آنها معلوم نباشند، احتیاط واجب آن است که رد مظالم از مجتهد جامع الشرائط اجازه گرفته شود.

(مسئله ۲۵۸۶) کسی که رد مظالم گرفته، چنانچه از مؤونه سال زیاد بیاید،

خمس دارد .

(مسئله ۲۵۸۷) کسی که شغل او روضه خوانی است، و گاهی از سهم مبارک

امام علیه السلام یا خمس استفاده می کند، چنانچه در آخر سال، مقداری از مؤونه زیاد بیاید، و نداند که از پول روضه خوانی است یا سهم امام یا خمس، چنانچه آنها را با هم مخلوط کرده حکم شرکت را دارد که باید از آنچه باقی مانده بالنسبه از مقدار روضه خوانی، خمس بدهد، و اگر مخلوط نکرده و نمی داند باقی مانده از کدام است خمس ندارد .

## ۲۶۲- در تعلق خمس و زکوة کدام یک مقدم است و تعلق

### آن دو به نحو إشاعه

(مسئله ۲۵۸۸) کسی که از منفعت کسب یا غیر کسب، پیش از تمام شدن سال

خمس، تعدادی از گاو یا گوسفند یا شتر که به حد نصاب است بخرد، باید در آخر سال خمس، اول خمس آنها را بپردازد و پس از ادای خمس، چنانچه به مقدار نصاب باقی مانده، باید بعد از حلول سال زکوة، زکوة جنس زکوی باقی مانده را - چه عین سرمایه باشد یا منفعت - بدهد .

(مسئله ۲۵۸۹) کسی که حساب سال ندارد، و ذمه او هم به زکوة و هم به خمس

مشغول است، باید اول زکوة را حساب کند و بدهد، و پس از آن، هر اندازه، منفعت باقی مانده، خمس آن را بپردازد.

اجتماع تکلیف  
خمس و زکوة

قدم زکوة بر  
خمس

(مسئله ۲۵۹۰) کسی که چند سال، مالی را مانند طلا و نقره که متعلق خمس و زکوة است در اختیار داشته و خمس و زکوة آن را نداده است، چنانچه آن را در یک روز بدست آورده، و سال خمس هم نداشته به طوری که همان روز بدست آوردن آن، مبدأ سال خمس بوده، چون استقرار زکوة قبل از استقرار خمس است باید اول زکوة را بدهد، و بعد، خمس باقی را بپردازد، و اگر سال خمس داشته، و آخر سال خمس او قبل از استقرار زکوة باشد باید اول خمس آن را بدهد، و چنانچه بقیه به مقدار نصاب بوده زکوة آن را بپردازد و اما نسبت به سالهای آینده، اگر بر نقدین چیزی اضافه نشده، و با کسر خمس از آن، و کسر بدهی زکوة سال، و سالهای قبل، باز هم به مقدار نصاب باقی است، فقط باید زکوة آن را بدهد.

(مسئله ۲۵۹۱) کسی که چندین سال با سرمایه ای که متعلق خمس بوده و با ربح خمس نداده، و همچنین با چیزی که متعلق زکوة بوده و زکاتش را نداده و از نماء آن کسب کرده و استفاده نموده است، چون خمس و زکوة به نظر اینجانب به نحو إشاعه است، معاملاتی که واقع شده اگر به عین مال زکوی یا متعلق خمس، واقع شده باشد، آن معامله نسبت به مقدار خمس و زکوة آن، فضولی است، و چنانچه مجتهد جامع الشرایط، آن را إمضا کند، ملک صاحبان خمس و زکوة می شود و احکام شرکت، بر آن جاری است، ولی اگر زکوة عین زکوی، و خمس عین مال متعلق خمس را بدهد کفایت می کند.

و چنانچه معامله، به نحو کلی واقع شده باشد که معمولاً همین طور است، معامله برای خود شخص، واقع می شود، و با فرض اینکه پول آن را از مال خمس و زکوة نداده، پرداخته است، باید خمس و زکوة آن را پول بدهد.

(مسئله ۲۵۹۲) کسی که حساب سال خمسی ندارد، و استطاعت پیدا کرده، و قصد انجام حج را دارد، اگر مبلغی را برای رفتن و برگشتن در نظر بگیرد، و فقط خمس همین مبلغ را بدهد، چنانچه اموال او وجه نقد باشد، و خمس آن را نداده باشد، دادن خمس مقدار مصرف حج، موجب جواز تصرف در بقیه وجوه نمی شود و تا خمس تمام آن را ندهد، نمی تواند در آن وجوه تصرف کند، و حش خالی از اشکال نیست.

اما اگر متعلق خمس، اعیان، مثل مغازه و زمین و باغ و مانند اینها باشد، و یکی از آنها را بفروشد و خمسش را بدهد، و صرف حج نماید، اشکال ندارد، ولی آنچه که بر

او واجب است آن است که : تمام اموالش را چه وجه نقد و چه عین باشد که متعلق خمس است حساب کند تا سبکبار شود که سبکباران زودتر به منزل می‌رسند و حضرت مولی الموحدين امام المتقين امير المؤمنين علي مرتضى علیه السلام فرمود : « تَخَفُّوا تَلْحَقُوا » یعنی سبکبار شوید تا زودتر به مقصد برسید .

(مسئله ۲۵۹۳) کسی که خمس یا زکوة گوسفند و مانند آن را نداده و آن را برای فروش، خودش ذبح کند، و یا به قصاب بفروشد، اگر خریدار گوشت بداند که خمس و زکوة به آن تعلق گرفته و اداء نشده نمی‌تواند آن را بخرد، و چنانچه خمس مقداری را که خریده بدهد کفایت نمی‌کند، ولی اگر خریدار پس از اتلاف مقدار گوشتی که خریده، خمس آن را بدهد، ذمه اش بری می‌شود .

خرید مالی که خمس آن داده نشده

### ۲۶۳ - خمس أحشام

(مسئله ۲۵۹۴) گاو و گوسفند به مقدار مصرف زندگی، جزء مؤونه، محسوب می‌شود، و برای مازاد از آن، باید خمس بدهد، مثلاً کسی که که دو رأس گاو یا پنج گوسفند، شیر لازم او را تأمین می‌کند، و همچنین پشم و بچه‌های آنها، جزء مؤونه می‌باشد و خمس ندارد، و برای بیشتر از آن و منافع آنها باید خمس بدهد.

شمول مؤونه بر گاو و گوسفند

(مسئله ۲۵۹۵) کسی که می‌خواهد برای خود، حساب سال خمسی قرار دهد می‌تواند گوسفند و بره را با هم حساب کند، و برای مجموع، سال قرار دهد، و می‌تواند گوسفندان را حساب کند و بره‌ها را پس از گذشت یکسال، حساب نماید، و خمس آنها را بدهد، و جو و کاه و مانند اینها که به مصرف گوسفندان می‌رسد از پولی تهیه شود که خمس آن داده شده باید از نمو آنها کسر کند، ولی اگر از سود خمس نداده وسط سال مصرف شود نباید کسر نماید .

نحوه محاسبه سال خمسی

(مسئله ۲۵۹۶) کسی که أحشام خود را قیمت کرده و خمس آنها را داده، پس از آن، اگر قیمت آنها زیاده‌تر شده تا موقعی که نفروخته لازم نیست، خمس آنچه را که ترقی کرده بدهد، ولی باید خمس نماء متصل و منفصل آن را بدهد در صورتی که مورد احتیاج نباشد، نماء متصل، مثلاً گوسفند چاق شود، ولی شیر آن مورد احتیاج شخصی

نماءات مختلف حیوانات



باشد و نماء منفصل، مثلاً برّه گوسفند باشد که برای مصرف شخصی باشد، در این صورت، خمس ندارد.

## ۲۶۴ - خمس اجناسی که قیمت آنها ترقی یا تنزل کرد

(مسئله ۲۵۹۷) کسی که از اول تکلیف خمس نداده اگر ملکی را بخرد و قیمت آن بالا رود، چنانچه آن ملک را برای آن خریده که قیمتش بالا رود و بفروشد مثلاً زمینی را برای زراعت خریده است در صورتی که آن را به ذمه خریده و از پول خمس نداده قیمت آن را داده، باید خمس قیمتی را که خریده بدهد، ولی اگر به عین خریده مثلاً پول خمس نداده را به فروشنده داده و به او گفته : « این ملک را با این پول می خرم » در صورتی که مجتهد جامع الشرائط، معامله پنج یک آن را اجازه بدهد، خریدار باید خمس مقداری را که آن ملک ارزش دارد بدهد، و همچنین است اگر چیزی را که خریده از اول قصد داشته که پول خمس نداده را عوض آن بدهد .

(مسئله ۲۵۹۸) اگر قیمت جنسی که برای تجارت خریده بالا رود و آن را نفروشد، و در بین سال قیمتش پایین آید، خمس مقداری را که بالا رفته بر او واجب نیست .  
(مسئله ۲۵۹۹) هر گاه قیمت جنسی که برای تجارت خریده بالا رود و به امید اینکه قیمت آن بالاتر رود، تا بعد از تمام شدن سال آن را نفروشد، و قیمتش پایین آید، خمس مقداری که بالا رفته بر او واجب نیست .

(مسئله ۲۶۰۰) اگر کسی غیر از مال التجارة، مالی داشته باشد که خمس آن را داده، یا خمس ندارد، مثلاً به او بخشیده اند یا چیزی را برای مؤونه اش خریده باشد، چنانچه قیمتش بالا رود، اگر آن را بفروشد، مقداری را که بر قیمتش اضافه شده ربح سال فروش می شود که اگر از مخارج سالش زیادتیر بیاید باید خمس آن را بدهد، ولی اگر زیادتی قیمت از جهت کم ارزشی پول باشد، مثلاً بیست سال قبل جنسی را به صد تومان خریده در این زمان به پنج هزار تومان فروخته، ولیکن این پنج هزار تومان فعلی، بیشتر از صد تومان قبل ارزش ندارد، و قیمت جمیع اجناس بیست سال قبل تا به حال یک بر صد بلکه احیاناً بیشتر از یک بر هزار شده در این صورت بر زیادتی قیمت آن،

از تفاع قیمت مالی که با پول خمس نداده بخرند

بعد از تفاعل قیمت

از تفاعل ناشی از تورم

خمس تعلّق نمی‌گیرد .

(مسئله ۲۶۰۱) کسی که با پول مخمس، مثلاً دو قطعه زمین خریده، و هر دو ارتفاع قیمت پیدا کرده، و بخواهد یکی از دو قطعه زمین را ساختمان کند و دیگری را بفروشد، هر کدام از آن دو را که فروخته باید خمس ترقی آن را بدهد.

(مسئله ۲۶۰۲) کسی که زمین را با پول مخمس، جهت ساختن خانه، خریده و قبل از رسیدن سال خمس، منصرف شده بخواهد بفروشد، و در جای دیگر، زمین بخرد و بسازد، چنانچه ارتفاع قیمت پیدا کرده تا فروخته خمس ندارد .

(مسئله ۲۶۰۳) کسی که ملکی را با پول مخمس خریده و قیمت آن ترقی کرده و در همان سال، فروخته، چنانچه مازاد بر قیمت، صرف در مؤونه شود، خمس ندارد، و الا خمس دارد، و کسی که زمین را از پول مخمس به عنوان تجارت خرید و فروش می‌کند، و هر گاه قیمت آن ترقی کند، زیادی قیمت آن از عوائد سال ترقی محسوب می‌شود، و چنانچه برای نگه داری بخرد، زیادی قیمت آن از عوائد سال فروش محسوب می‌شود، و در هر دو صورت، چنانچه زیادی قیمت صرف مؤونه سال نشود، خمس دارد.

(مسئله ۲۶۰۴) کسی که با پول مخمس یا پولی که خمس ندارد مثل ارث و مانند آن خانه یا ملکی را به قصد نگه داری بخرد تا از درآمدش استفاده کند، ترقی قیمت آن خمس ندارد و چنانچه آن را تبدیل به ملک دیگری کند، نیز خمس ندارد، ولی اگر اتفاقاً آن را به قیمت بیشتر از آنچه خریده بفروشد، پول زائد، از درآمد سال فروش محسوب می‌شود چنانچه مصرف مؤونه سال نشود، خمس دارد.

قیمت اضافی

خرید ملک جهت بناء و تبدیل

فروش و تجارت خرید ملک جهت

تبدیل ملک به پول

### ۲۶۵ - خمس قیمت خرید یا وقت اداء و مخارج کسب

(مسئله ۲۶۰۵) کسی که بخواهد اموال خود را رسیدگی کند، و خمس آن را بدهد، چنانچه آنها را به ذمه و از پولی که خمس به آن تعلّق گرفته خریده باشد، قیمت روز خرید، کفایت می‌کند، و اگر به عین یا به ذمه خریده و از ربح سال، پول آن را داده باید قیمت روز اداء را حساب کند، و در صورت شک به اینکه به عین خریده یا به ذمه، می‌تواند کمترین قیمت روز خرید و روز اداء را حساب کند، و این در صورتی است که

قیمت روز خرید و روز اداء

تنزل قیمت

این اموال، مال التجاره نباشد، و الاً ترقی قیمت، در بسیاری از موارد، خمس دارد.  
(مسئله ۲۶۰۶) کسی که مالی را به قیمت گران خریده، بعداً قیمت آن تنزل کرده تا به نصف قیمت اول رسیده چنانچه آن مال را با پولی خریده باشد که سال بر آن گذشته، باید خمس آن پول را بدهد، و اگر سال بر آن نگذشته، خمس قیمت فعلی آن مال، کافی است.

خمس در خرید اقساطی

(مسئله ۲۶۰۷) اگر کشاورزی، مبلغی وام به مدت چند سال به طور قسطی از بانک گرفته و چاه نیمه عمیق حفر کرده و موتور و وسایل دیگر کشاورزی تهیه کرده است باید هر قسطی را که در این مدت پرداخت می‌کند، خمس آن را بدهد، و چنانچه خمس اقساط را نداده باشد تا اینکه تمام شود، باید قیمت فعلی چاه و مانند آن را حساب کند، و خمس آن را بپردازد.

تخمین اموال توسط وصی

(مسئله ۲۶۰۸) اگر وصی میت بخواهد اموال او را که در زمان حیاتش خمس آنها را نداده تخمین کند باید خمس قیمت فعلی آنها را حساب کند، و تفاوت قیمت زمان خرید با قیمت فعلی را با مجتهد جامع الشرائط مصالحه کند.

تخمین وسائل کار

(مسئله ۲۶۰۹) کسی که ماشین کار و مانند آن برای امرار معاش خریده و خمس آنها را نداده، و بخواهد خمس آنها را حساب کند، اگر قیمت آنها را از درآمد سال خریده و خمس نداده باید قیمت فعلی را حساب کند و چنانچه به واسطه استعمال آنها، قیمت آنها تنزل کرده باشد، می‌تواند کسری قیمت را از عوائد سال، جبران کند.

هزینه تحصیل فائده

(مسئله ۲۶۱۰) خرجهایی را که انسان برای بدست آوردن فایده ای می‌کند و مانند دلالی و باربری که عین یا عوض آن باقی نمی‌ماند، جزء مخارج سالانه کسب است که اگر به خود آن خرجه خمس تعلق نگرفته از فایده کسب می‌توان جای آن گذاشت و آن مقدار را جزء فائده، محسوب نکرد.

وسیله مشترک بین کار و انتفاع

(مسئله ۲۶۱۱) اگر تاجر یا کاسب، اتومبیل یا موتور یا مرکب دیگری را برای کارش و جمع آوری مطالبات و مانند اینها از درآمد سال بخرد، خمس دارد، و اگر برای رفت و آمد خانوادگی و احتیاجات زندگی شخصی خود بخرد، خمس ندارد، و چنانچه برای هر دو باشد، هر کدام که بیشتر است باید منظور گردد.



(مسئله ۲۶۱۲) کسی که از کسب و تجارت فائده ای برده اگر مال دیگری هم دارد که خمس آن واجب نیست، می تواند مخارج سال خود را فقط از فائده کسب حساب کند، و میتواند از هردو نیز حساب نماید.

(مسئله ۲۶۱۳) اگر کسی از منفعت کسب و غیر کسب آذوقه ای که برای مصرف سالش خریده، در آخر سال، زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد، و چنانچه بخواهد قیمت آن را بدهد، در صورتی که قیمت آن از وقتی که خریده زیاد شده باشد باید قیمت آخر سال را حساب کند، ولی اگر در کسب ضرر کرده و مقداری از آذوقه که برای مصرف زندگی خریده زیاد آمده در صورتی که آذوقه باقی مانده به مقدار ضرر یا کمتر باشد، خمس ندارد.

(مسئله ۲۶۱۴) اگر در یکسال منفعتی نبرد، نمیتواند مخارج آن سال را از منفعتی که در سال بعد می برد کسر نماید، و سرمایه خالص آخر هر سال، معیار برای سال آینده است.

(مسئله ۲۶۱۵) اگر کسی در اول سال، منفعتی نبرد، و از سرمایه خرج کند، و پیش از تمام شدن سال، منفعتی بدستش آید، میتواند مقداری را که از سرمایه برداشته از منافع خود کسر نماید.

(مسئله ۲۶۱۶) اگر مقداری از سرمایه یک رشته کسب به واسطه تلف شدن یا ضرر در معامله بدون تقصیر، کم شود یا از بین برود، و از باقی مانده آن رشته منافع ببرد که از خرج سالش زیاد بیاید می تواند مقداری را که از سرمایه کم شده از آن منافع بردارد، ولی اگر به واسطه حوادث مثل سرقت یا تصادف و مانند اینها از بین برود نمی تواند آن را از منافع کم کند مگر آنکه نتواند با سرمایه باقی مانده، کسبی که در شأن او است انجام دهد.

(مسئله ۲۶۱۷) اگر کسی غیر از سرمایه، چیز دیگری از مالهای او به خاطر شکستن یا سوختن یا سرقت و مانند اینها از بین برود، نمی تواند از منفعتی که بدستش می آید آن چیز را تهیه کند، ولی اگر در همان سال به آن چیز احتیاج داشته باشد، می تواند در بین سال از منافع کسب، آن را تهیه نماید.

(مسئله ۲۶۱۸) اگر در اول سال برای مخارج خود قرض کند، و پیش از تمام شدن سال، منفعتی ببرد می تواند مقدار قرض خود را از آن منفعت اداء نماید.

محل احتساب مخارج سال: ۱- وجود نفع ۲- آذوقه زاید

۳- ضرر در کسب

۴- عدم نفع در سال

۵- کسری اول سال با منفعت آخر سال

۶- احتساب ضرر سرمایه از منافع سال

۷- چیران ضرر در اموال دیگر با منافع کسب در اثناء سال

۸- پرداختن قرض با منفعت سال

(مسئله ۲۶۱۹) اگر کسی در تمام سال، منفعتی نبرد، و برای مخارج خود قرض کند، می تواند از منافع سال های بعد، قرض خود را اداء نماید.

(مسئله ۲۶۲۰) اگر برای زیاد کردن مال، یا خریدن ملکی که به آن احتیاجی ندارد قرض کند، نمی تواند از منافع کسب، آن قرض را بدهد، ولی اگر مالی را که قرض کرده و چیزی را که از قرض خریده از بین برود و ناچار شود که قرضش را بدهد می تواند از منافع کسب، قرض را اداء نماید، ولی قرضهایی را که به اقساط می پردازد، فقط قسطهایی را که در همان سال اداء می کند، چنانچه برای مخارج زندگی باشد نه برای سرمایه، جزء مخارج آن سال محسوب می شود.

۹- قرض برای غیر مخارج

## ۲۶۶- حکم خمس مالی که متعلق خمس است از غیر آن مال داده شود

(مسئله ۲۶۲۱) انسان می تواند خمس هر چیز را از همان چیز بدهد، یا به مقدار قیمت خمس که بدهکار است، پول یا جنس دیگر بدهد.

(مسئله ۲۶۲۲) کسی که در آخر سال، اموال خود را حساب کرده است می تواند از منافع سال بعد، خمس ربح سال قبل را بدهد، ولی باید خمس مبلغی را که از بابت خمس ربح سال قبل میدهد را نیز بدهد، مثلاً کسی که زمینی را به مبلغ یکصد هزار تومان خریده که بیست هزار تومان، خمس آنست، و این خمس را با یک مجتهد جامع الشرائط یا وکیل او دستگردان کرده تا بعداً بپردازد، چنانچه زمین را به صد هزار تومان فروخته، و بیست هزار تومان خمس آن را از پول زمین، داده اشکال ندارد، ولی اگر بخواهد از عوائد سال بعد بدهد، باید خمس آن بیست هزار تومان را هم بدهد که در واقع باید بیست و چهار هزار تومان بدهد که چهار هزار تومان، خمس آن بیست هزار تومان است که از عوائد سال جدید است، و بدهی خمس، جزء مؤننه سال محسوب نمی شود.

۱۰- اداء بدهی

بدهی خمس از مؤننه سال نیست

تصرف در مبلغ  
خمس یا تبدیل آن

(مسئله ۲۶۲۳) اگر کسی مبلغی را از بابت خمس بدست شخصی بدهد تا آن را به ارباب خمس برساند، احتیاط واجب آنستکه عین آن مبلغ را بپردازد، و از پول خودش بهمان اندازه نپردازد، و مبلغی را که گرفته تصرف نکند، و چنانچه تصرف نماید گناه کرده ولی ذمه اش بری می شود.

دادن خمس قبل از فرا  
رسیدن سال خمس

(مسئله ۲۶۲۴) اگر کسی ملکی را خریده و بخواهد قبل از پایان سال خمس، خمس آن را بدهد، چنانچه خمس آن را از مالی که خمس آن داده شده و یا از عوائد سال بپردازد اشکال ندارد، ولی اگر بخواهد از پول یا از فروش مالی که خمس آن داده نشده بدهد، باید خمس آن را بدهد، بعداً، قرض خمس را از پول تخمیس شده بپردازد.

مزد پیش گرفته یا معوقه

(مسئله ۲۶۲۵) اگر اجیر یا نوکری قبل از عمل، مزد یکسال یا چند سال خود را بگیرد از عوائد سال محسوب می شود، چنانچه در آخر هر سال از آن مبلغ چیزی زائد بر مؤونه بماند برای زیادی مقدار مزد یکسال، خمس بدهد، و اما اگر صرف در مؤونه همان سال یا در سالهای پیش آن را صرف مؤونه کرده باشد خمس ندارد، و اگر از سالهای پیش مزدی طلبکار بوده، و بعد از چند سال، وصول کرده از عوائد سالهای قبل، محسوب می شود باید خمس آن را بدهد.

مالی که عوض آن اداء نشده

(مسئله ۲۶۲۶) اگر کسی مبلغی را به عنوان قرض از شخصی گرفته تا برایش کار کند، و سالش فرا برسد، ولی قدری از آن مبلغ مانده و هنوز در مقابل آن، کار نکرده، خمس ندارد، و همچنین کسی که حساب سال خود را کرده و چیزی ندارد که خمسش را بدهد، ولی مبلغی را نقداً از بابت نماز و روزه استیجاری گرفته تا بعداً انجام دهد، این مبلغ، خمس ندارد، مگر اینکه همه یا مقداری از آن را تا سال دیگر نگهدارد و نماز و روزه را تا آن وقت بجا آورد، که باید برای باقی مانده خمس بدهد.

## ۲۶۷- خمس مطالبات و معاملات نسبه

مطالبات  
وصولی

(مسئله ۲۶۲۷) کسی که در آخر سال خمس، مقداری طلبکار است، اگر مدت دار باشد، جزء در آمد سال وصول، محسوب می شود، ولی چنانچه طوری باشد که اگر



سپرده برای حج و زیارت

مطالبه کند مدیون آن را می‌پردازد باید خمس آن را بدهد.  
(مسئله ۲۶۲۸) کسی که پول را از در آمد وسط سال به عنوان ثبت نام حج یا عتبات عالیات یا سوریه به سازمان حج و اوقاف می‌دهد، و پس از چند سالی، پول را به او برمیگردانند باید آن را جزء درآمد وصول، حساب کند، چنانچه آن را صرف مؤونه آن سال نکرده در وقت حساب سال باید خمس آن را بدهد.

احتساب بدهی از نقدینه

(مسئله ۲۶۲۹) صاحب مغازه ای که در موقع حساب سال، هم دارای مطالبات از مردم، هم بدهی به آنها و هم مقداری نقدینه دارد، باید بدهی از نقدینه کسر شود، و اما مطالبات اگر مدت آن در سال آینده باشد از در آمد سال آینده محسوب می‌شود، و چنانچه مدت دار نباشد و فعلاً حق مطالبه دارد ولی جهت إرفاق حال مشتری مطالبه نمی‌کند باید حساب کند و خمسش را بپردازد، و اگر مطالبه کند و مدیون نمی‌دهد، در حساب نیاورد، و هر وقت نقد شد، خمس آن را بدهد.

طلب غیر قابل وصول

(مسئله ۲۶۳۰) کسی که مبلغی را به عنوان قرض الحسنه به افرادی داده چنانچه مطالبه کند، و نتواند بگیرد، در حکم تلف است، خمس ندارد، و هر وقت پس گرفته باید خمس آن را بدهد.

مدیون تقاض طلبکار از مال

(مسئله ۲۶۳۱) کسی که از دیگری طلب دارد، و مدیون قصد پرداخت آن را ندارد، و طلبکار به هیچ وجه نتواند آن را وصول کند، می‌تواند با اجازه مجتهد جامع الشرائط از مال مدیون تقاض کند، و بعد از تقاض، اگر در مؤونه سال، صرف نشود باید خمس آن را بدهد، و تقاض منحصر به عین و دین نیست بلکه حق منفعت را هم می‌تواند تقاض کند، ولی تقاض از مال مدیون که حق دیگری به آن متعلق است مثل عین مرهونه و عین منذوره جایز نیست.

امانت و سپرده خمس ندارد

(مسئله ۲۶۳۲) کسی که پولی را به عنوان امانت، نزد شخصی گذاشته، و چند سال بر آن بگذرد تا پول به صاحبش برنگردد، خمس ندارد، اگر چه شخصی که امانت پیش اوست از آن استفاده کند.

معاملات نسبه و غصب کیفیت محاسبه در

(مسئله ۲۶۳۳) معاملات نسبه که وقت ادای آن در غیر سال ربح است، و همچنین ربی که غصب شده جزء ربح سال وصول، محسوب می‌شود، ولی معاملات نقدی که مهلت می‌دهد برای سال بعد، جزء ربح سال قبل، محسوب می‌شود، پس اگر

با مطالبه، وصول شود باید آخر سال، خمس آن را بدهد، و اگر با مطالبه، وصول نشود هر وقت وصول شد باید خمس آن را بدهد.

(مسئله ۲۶۳۴) اجناسی که به عنوان نسیه به اقساط فروخته می‌شود، اگر مقداری از اقساط بعد از حساب سال، وصول می‌شود باید منافع اقساط بعدی، از درآمد سال بعد محسوب شود.

(مسئله ۲۶۳۵) کسی که مقدار برنج یا گندم و مانند اینها اضافه از مؤننه سال داشته و آن را به عنوان قرض به کسی داده، خودش هم بهمان مقدار از کسی دیگر قرض گرفته است، ولیکن طلب خود را سال بعد، وصول کرده، ولی قرض خود را هنوز نداده، چنانچه برنج یا گندم را نسیه خریده و پولش را نداده یا پول، قرض کرده و از پول قرضی گندم خریده، و قرض او هنوز باقی است، گندم یا برنج، خمس ندارد و الا باید خمس برنج یا گندم را بدهد.

(مسئله ۲۶۳۶) کسی که در بین سال با پول قرضی یا نسیه آذوقه تهیه کند، و هنوز قرض آن را نداده چنانچه مقداری از آن آذوقه، آخر سال خمسی، زیاد بیاید خمس ندارد.

(مسئله ۲۶۳۷) کسی که مالی را قرض کند و سرمایه خود قرار دهد، و یا اجناس و ابزار و اثاث مغازه جهت کسب خود نسیه تهیه کند، و قیمت آنها را بر ذمه بگیرد تا قرض آنها را اداء نکرده خمس ندارد، ولی چنانچه هر مقدار از قرض را از منافع سال، اداء کرده باید خمس آن سرمایه و اجناس و ابزار و اثاث مغازه را بدهد.

(مسئله ۲۶۳۸) کسی که برای ساخت خانه از بانک وام بگیرد و یکسال بر آن بگذرد و خانه نسازد، عین پول وام هر قدر بماند، خمس ندارد، ولی چنانچه مبلغی از وام را در بین سال اداء کرده و عین پول باقی است باید خمس مقدار اداء شده را بدهد، و باقی مانده از وام که موجود است خمس ندارد.

(مسئله ۲۶۳۹) کسی که به عنوان سلف، جنسی مانند برنج و گندم و جو و خرما و یا جنسهای دیگر را بخرد، و پول آن را قبلاً پرداخت کند، و پیش از تحویل گرفتن جنس، سال خمسی او تمام شود، باید خمس پولی را که با آن جنسی را سلف خریده بدهد.

بمع اقساطی

قرض در مقابل قرض

شده با قرض یا نسیه آذوقه زاید تهیه

تهیه سرمایه یا ابزار با قرض

وامی که عین مبلغ آن مانده

خرید سلف

وجه نقد معادل بدهی

(مسئله ۲۶۴۰) کسی که مبلغی بدهکار است، و مبلغی هم معادل یا کمتر از آن، وجه نقد دارد، و سال خمسی او به آخر رسیده باشد، چنانچه قرض او در مقابل مبلغ موجود باشد، معادل قرض، خمس ندارد، و اما اگر در مقابل آن نباشد، مثلاً قرض برای مصرف شخصی بوده و موجودی از عوائد کسب باشد، چنانچه بدهی خود را اداء نکرده و سال بر آن بگذرد باید خمس آن را بدهد.

قرض سرمایه و غیر آن

(مسئله ۲۶۴۱) کسی که مقداری قرض دارد، و خمس سرمایه اش را هم نداده است، و شک دارد قرض مربوط به سرمایه است یا آنکه بعد از تحصیل سرمایه، مقروض شده است در مقداری که شک دارد خمس ندارد.

قرض مؤونه برای

(مسئله ۲۶۴۲) کسی که برای مؤونه سال، قرض کند، و یا چیزی را که قرض کرده عین آن تلف شده باشد، در هر سال که اداء کند، جزء مؤونه همان سال محسوب می شود.

بقاء عین وام و اداء قسط آن از عوائد سال

(مسئله ۲۶۴۳) کسی که پولی را به اقساط طولانی قرض کند، و عمل حج انجام دهد، هر مقدار از اقساط را در هر سال می پردازد، جزء مخارج همان سال است، و خمس ندارد، ولی اگر پولی را که قرض کرده مصرف نکند، و سال بر آن بگذرد، و بدهی را از عوائد سال بدهد، خمس دارد.

## ۲۶۸ - خمس پس انداز و حقوق باز نشستگی و بیمه و جوايز

سپرده قرض الحسنه

(مسئله ۲۶۴۴) کسی که از در آمد وسط سال، پولی را به عنوان امانت در صندوق قرض الحسنه می ریزد که هر وقت لازم باشد بتواند آن را بردارد، چنانچه سال بر آن بگذرد، خمس دارد، و جایز نیست خمس آن را بخود صندوق واگذار کند، و یا صندوق دار را وکیل در اخراج خمس از پول پس انداز خود نماید باید خمس به دست مجتهد جامع الشرايط یا وکیل او برسد، و یا مجتهد جامع الشرايط به صاحب پول اجازه دهد تا خمس پولش را در مواردی که تعیین می کند مصرف کند، ولی اگر پول را بعد از تخمیس بگذارد خمس ندارد.



جوابز مؤسسات و بانکها

حقوق بازنشستگی

وام مدت دار به  
کارمندان یا کارگران

مبلغ باز خرید

مبلغ یکجا پرداخته شده  
به کارگران و کارمندان

(مسئله ۲۶۴۵) کسی که پول را در بانک‌های دولتی یا قرض الحسنه یا موسسه خیریه فقط به عنوان امانت یا امنیت می‌گذارد، در صورتیکه هیچ گونه قرار دادی و لو ضمنی در بین نباشد، جایزه ایکه جهت تشویق بصاحب پول داده می‌شود اشکال ندارد، و چنانچه پول پس انداز از در آمد وسط سال باشد، وسال بر آن بگذرد، خمس دارد، و اگر پولی باشد که خمس آن را داده بگذارد، هر چند سال در بانک یا موسسه بماند، خمس ندارد، و اما جایزه، پس از گرفتن آن چنانچه صرف در مؤونه نشود و سال بر آن بگذرد، خمس دارد.

(مسئله ۲۶۴۶) حقوق بازنشستگی که طبق قرار داده دولت از حقوق کارمندان و کارگران کسر می‌شود، و در زمان بازنشستگی به آنها پرداخت می‌شود، جزء مؤونه محسوب می‌شود، که اگر چیزی در آخر سال، زیاد بیاید، خمس دارد.

(مسئله ۲۶۴۷) در ادارات، مؤسسات، کارخانه‌ها و شرکت‌های دولتی یا خصوصی که به کارمندان یا کارگران مثلاً صد هزار تومان وام بی‌بهره که به مدت مثلاً بیست سال از حقوق آن کسر نمایند، چنانچه کارمندان یا کارگران این پول را یکدفعه بگیرند، و نسبت به مقدار هر سال، صرف در مؤونه نکنند و یا آن را برای خود سرمایه کسب قرار دهند، و سال بر آن بگذرد باید خمس آن را بدهند.

(مسئله ۲۶۴۸) کسانی که در کارخانه‌ها و شرکتها و مانند اینها مشغول کارند، و از حقوق آنها مثلاً صدی پنج به عنوان حق بیمه درمانی کسر می‌شود، و پس از مدتی اشتغال، مبلغی را به عنوان باز خرید به آنان می‌دهند، و از کار برکنارشان می‌کنند، چنانچه معلوم نباشد که این مبلغ، همان صدی پنج از حقوق آنها است که کسر شده یا بخشی است از طرف کارخانه‌ها که به آنان ارفاق شده است، این پول، جزء منافع همان سال محسوب می‌شود که به او پرداختند اگر چه در واقع از صدی پنج حقوق هم باشد، اگر در همان سال صرف مؤونه نشود باید خمس آن را بدهند، و احتیاط واجب آنستکه تمام کارمندان و کار گزاران دولت در تصرف حقوق خود در امور دولتی از مجتهد جامع الشرايط غیر وابسته به دولت اجازه بگیرند.

(مسئله ۲۶۴۹) کارمند یا کارگری که در ادارات یا مؤسسات یا مانند اینها مشغول کارند، و ماهانه مقداری از حقوق آنها را کسر می‌کنند، و بعداً یکدفعه به آنها می‌پردازند، جزء در آمد

سال محسوب می‌شود که اگر در مؤونه سال صرف نشود باید خمس آن را بدهند.  
(مسئله ۲۶۵۰) حقوقی که دولت یا بخشهای خصوصی به کارمندان یا کارگران می‌دهند، چنانچه در پرداخت آن تأخیر نماید به طوری که وقتی پرداخت می‌کند از حساب سال کارمند می‌گذرد، این حقوق، جزء عوائد سال پرداخت محسوب می‌شود که اگر صرف مؤونه همان سال پرداخت شود، خمس ندارد، ولی اگر حقوق را قبل از سال خمسی کارمند، بحسابش واریز کنند و او دسترسی به آن نداشته باشد، جزء عوائد سال قبل، محسوب می‌شود، باید خمس آن را بدهد.

(مسئله ۲۶۵۱) پولی را که به هر عنوان از عناوین: بیمه عمر، بیمه حوادث، بیمه ماشین و غیره و بیمه اجباری و غیر اجباری و مانند اینها به بیمه داده شود از مؤونه محسوب نمیشود، اول باید تخمیس شود، و بعد بپردازند زیرا اصل مشروعیت بیمه بر اثر مفاسد فراوان اعتقادی، اقتصادی، انسانی، اجتماعی و اخلاقی و... که در مسئله (۳۵۹۲) (ج ۲ همین توضیح المسائل) اجمالاً به آن اشاره می‌شود، خالی از اشکال نیست.

### ۲۶۹- خمس سرقفلی

(مسئله ۲۶۵۲) پولی که مستأجر-علاوه بر مال الاجاره- به عنوان سر قفلی می-دهد، چنانچه مالک آن را به ذمه بگیرد که زمان تخلیه مستأجر، پولی را که مستأجر به عنوان سر قفلی داده پس می‌دهد یا ملتزم شود که اجازه یا حق بدهد که مستأجر از دیگری بگیرد به نحوی که فعلاً خود را مالک بداند، آن پول در حکم سرمایه است و خمس دارد، و الا جزء مؤونه کسب است و خمس ندارد، ولی اگر بعداً سر قفلی را بنحو شرعی فروخت و پول را صرف مؤونه سال نمود خمس دارد، و در صورت اول تا نفروخته زیادی قیمت سر قفلی، خمس ندارد مگر آنکه شغل خود را خرید و فروش سر قفلی قرار دهد که در این صورت، قیمت سر سال، میزان است اگر چه نفروخته باشد.

(مسئله ۲۶۵۳) کسی که از پول خمس نداده سر قفلی ملکی را به نحو مشروع- با رضایت کامل مالک- بخرد، و در آخر سال آن را به قیمت بیشتری بفروشد، باید هم

خمس اصل پول، و هم خمس مازاد را که جزء منافع سال، محسوب می‌شود بدهد، و چنانچه نفروشد باید خمس اصل پول را بدهد، و تا نفروخته، زیادی قیمت آن خمس ندارد، و پس از فروش زائد بر قیمت خرید، ربح همان سال است که با رسیدن سال، باید خمس آن را بدهد.

(مسئله ۲۶۵۴) کسی که از منافع سال، سر قفلی مغازه ای را با رضایت مالک بخرد که با واگذار کردن آن به دیگری به ازاء وجه، شرعاً بر او جایز باشد، چنانچه سر قفلی را برای تجارت و منفعت خریده باشد، حکم ارباح تجارت را دارد که باید حق سر قفلی را قیمت کرده و خمس آن را بدهد، ولی اگر سر قفلی آن مغازه را خریده تا مغازه را محل کسب خود قرار دهد چون سر قفلی عین خارجی نیست و ترقی قیمت آن در صورتی که برای کسب در آن محل باشد عرفاً ربح، محسوب نمی‌شود تا نفروخته باید خمس پولی را که از بابت سر قفلی داده بدهد، و هر وقت آن را فروخت زیادی قیمت جزء منافع همان سال است، و چنانچه حق واگذاری بغیر را نداشته باشد در حکم تلف است، و خمس ندارد، مگر اینکه بدون رضایت مالک بنحو غیر مشروع گرفته باشد که در این صورت ضامن خمس پول می‌باشد که در حرام مصرف شده است.

فروش سر قفلی

### ۲۷۰- خمس اموال بچه نابالغ و دیوانه

(مسئله ۲۶۵۵) کسی که اموالی داشته و خمس آنها را نداده و فوت نموده و وارث غیر بالغ دارد، واجب است خمس اموالش را بپردازند، و قبل از ادای خمس، تصرف در آنها جایز نیست، چنانچه وصی دارد بر وصی واجب است، و اگر وصی ندارد، باید با اجازه مجتهد جامع الشرائط یا وکیل او، اموالش را تخمیس نمایند و خمس را بپردازند.

(مسئله ۲۶۵۶) بچه غیر ممیز اگر پولی را از جایزه یا کادو یا هبه و مانند اینها گرفته، چنانچه صرف در مؤونه سال نشود بر پدر واجب است خمس آن را بدهد.

(مسئله ۲۶۵۷) اگر بچه صغیر، سرمایه ای داشته باشد و از آن منافی بدست آید بر ولی او واجب است پیش از بلوغ، خمس مالش را بدهد، و اگر بعد از تمام شدن سال

غیر ممیز تخمیس اموال  
در آمد کسبی  
بچه صغیر  
سرمایه متعلق



خمس را ندهد نمی‌تواند در آن مال تصرف نماید، و در این صورت بر خود صغیر بعد از آنکه بالغ شد، خمس آن را بدهد.

(مسئله ۲۶۵۸) بچه‌هایی که هنوز به حد بلوغ نرسیده اند اولیای آنها، آنان را به کسب و کار و ادار می‌کنند، و از در آمد کسبشان یا پولی که پدر یا مادر یا دیگران به آنها می‌دهند در بانک یا قلمک پس انداز می‌کنند یا چیزی برای آنها می‌خرند اگر سال بر آن بگذرد چون فعلاً به آن احتیاج ندارند، احتیاط آنستکه اولیا آنها، خمس آنچه که سال بر آن گذشته بدهند، و همچنین جوانانی که هنوز در منزل پدر هستند و از کسبشان برای آتیۀ خود خانه و اثاثیه و مانند آنها، تهیه می‌کنند، و سال بر آن بگذرد، احتیاط آنستکه خودشان خمس آن را بدهند، و اگر پدر پولی را که خمس آن داده شده یا پولی که هنوز خمس به آن تعلق نگرفته است به اندازه خمسی که به واسطه مال بچه اش واجب شده ببخشد، بچه می‌تواند آن را از بابت خمس مال خود بپردازد.

(مسئله ۲۶۵۹) دیوانه اگر از راه ارث یا هبه و مانند اینها، یا خود از راه کسب، پیش از دیوانه شدن، اموالی را بدست آورد، حکم خمس اموال او، حکم خمس بچه نابالغ را دارد که بیان شده است.

## ۲۷۱- خمس دادن بواجب النفقه، و خمس

### اموال کسی که در نفقه دیگری است

(مسئله ۲۶۶۰) چون فرزند واجب النفقه پدر است، پدر نمی‌تواند نفقه فرزندش را از سهم مبارک امام علیه السلام اموال خودش بدهد، ولی با اذن مجتهد جامع الشرائط می‌تواند مخارج درسی و خرید کتاب و مانند اینها را که از نفقات واجبه نیست از سهم مبارک امام بدهد، و همچنین اگر فرزندش، جدای از او زندگی می‌کند و مستحق باشد با اذن مجتهد جامع الشرائط می‌تواند از سهم مبارک امام به او بدهد و چنانچه قرض داشته باشد اداء کند، ولی اگر سید باشد پدر می‌تواند به عنوان خمس به فرزندش بدهد یا قرضش را اداء کند، و احوط آنستکه با اذن مجتهد جامع الشرائط باشد.

فوائد کسب برای کسی که واجب النفقه دیگری است

فوائد کسب

خمس دادن مادر از مال فرزندش با اجازه مجتهد

بخشش زن به شوهر

پس انداز زن از هزینه منزل — بخشش مرد به زن

(مسئله ۲۶۶۱) پسر یا دختری که در خانه پدر و مادر، هم برای آنها هم برای خود کار می کنند، چنانچه منافع شخصی خود را صرف مؤونه نکنند، و سال بر آن بگذرد، باید خودشان خمس آن را بدهند، و چنانچه مصرف کنند خمس ندارد، و در منافع جمعی هم اگر از مخارج سال زیاد بیاید پدر یا مادر باید خمس آن را بدهند.

(مسئله ۲۶۶۲) زنی که در نفقه شوهر است اگر شغلی مثل قالیبافی، خیاطی، نساجی و مانند اینها داشته باشد، چنانچه به مصرف مؤونه سال نرساند — اگر چه واجب نیست برساند — باید خمس آن را بدهد ولی اگر منفعت کسب خود را در وسط سال به شوهرش ببخشد خمس ندارد، و چنانچه آن را به شوهر قرض دهد، یا به امانت نزد او بگذارد که سرمایه کند، خمس آن بر زن واجب است در صورتی که سال بر آن بگذرد، و زن می تواند، شوهرش را در پرداخت خمس وکیل نماید.

(مسئله ۲۶۶۳) مادری که در نفقه فرزندش باشد اگر بداند فرزندش خمس نمی دهد می تواند با اجازه مجتهد جامع الشرائط به قدر آنچه خودش از آن مصرف می کند خمس آن را بپردازد.

(مسئله ۲۶۶۴) زنی که در نفقه شوهرش است چنانچه از ملکی یا از ارث یا تبدیل مهریه به ملک در سال، منفعتی داشته باشد، و مخارج دیگری هم نداشته باشد، چنانچه منفعت را در حد متعارف بشوهرش ببخشد چه شوهرش محتاج باشد و چه نباشد، خمس ندارد، ولی اگر شوهر آنرا در مؤونه مصرف کرده و در آخر سال، زیاد بیاید، باید خمس زیادی را بپردازد.

(مسئله ۲۶۶۵) مردی که روزانه از بابت مخارج منزل، مبلغی را به عیالش می دهد تا به مصرف خانه برساند، ولی زن به واسطه قناعت، گاهی مبلغی در نزدش باقی می ماند، و آن را برای خود پس انداز میکند، و شوهر هم آن را بداند، و از او پس نگیرد، خواه آن مبلغ در ملک مرد باقی باشد یا به زن هبه کند، در آخر سال، زن باید خمس آن را بپردازد، ولی اگر بدون رضایت و اطلاع مرد از نفقه برای خود پس انداز کند حرام است و آنچه پس انداز کرده ملک شوهرش است که اگر شوهر بداند باید خمس آن را بدهد،

و اگر بدون رضایت شوهر خمس آن را بدهد کفایت نمی‌کند، و همچنین اگر مرد، زائد بر نفقه، مالی را به زن تملیک کند یا ببخشد بر زن واجب است خمس آنرا بدهد.

(مسئله ۲۶۶۶) مادری که مخارجش را فرزندش می‌دهد، چنانچه پولی را پس انداز کند تا به زیارت مشاهد مشرفه برود یا برای کفن و دفن خود جمع کند، و یا طلا بخرد که وقت استفاده از آن گذشته باشد، چنانچه سال بر آن بگذرد باید خمس آن را بدهد.

پس انداز مادر از مال فرزند

## ۲۷۲- خمس بذر و ديه

(مسئله ۲۶۶۷) کسی که هر سال مقدار معینی برنج یا گندم یا جو و مانند اینها را کشت می‌کند اگر خمس آنها را در اصل داده باشد، چنانچه یکسال بر اثر نیامدن باران، تمام یا مقداری از آن بذر را کشت نکند و سال بر آن بگذرد خمس ندارد.

(مسئله ۲۶۶۸) کسی که مثلاً صد من گندم خمس داده شده را کشت کند، و هزار من از آن محصول را بردارد، چنانچه بخواهد در سال آینده از این هزار من، مقدار صد من آن را کشت کند، بذر خمس داده شده حکم سرمایه خمس داده شده را دارد، و خمس ندارد، پس هر بذری که خمس آن را در یک سال داده اند، آن مقدار در سال‌های بعد، خمس ندارد.

(مسئله ۲۶۶۹) کشاورزی که هیچ حساب سال خمسی نداشته، و خمس بذر را نداده اگر بخواهد مثلاً در اوّل فروردین، مال خود را تخمیس کند، چنانچه خمس بذر را که در همین سال، کشت کرده بدهد، می‌تواند خمس گندم موجودی برای نان خود را تا وقت خرمن ندهد.

(مسئله ۲۶۷۰) کسی که خمس و زکوة بذری را که خمس به آن تعلق گرفته، کشت کرده نداده باید خمس و زکوة آن را بدهد و چنانچه ندهد، ارباب خمس و زکوة در محصول آن زراعت شریک هستند.

(مسئله ۲۶۷۱) کسی که در مقابل جنایت وارده از جانی ديه می‌گیرد، خمس ندارد، و چنانچه از مؤونه سال زیاد بیايد، خمس به آن تعلق نمی‌گیرد.

دادن خمس بذر به مرتبه

تاخیر خمس تا زمانی

شراکت ارباب خمس و زکوة در محصول بذر غیر

دیه ندارد



### ۲۷۳- فروش چیزی، جهت فرار از خمس، و خمس هبه

(مسئله ۲۶۷۲) کسی که مثلاً مقداری برنج یا گندم یا جو و مانند اینها داشته باشد، قبل از فرا رسیدن سال خمسی برای آنکه خمس بر آنها تعلق نگیرد بفروشد، و احتیاجی هم به پولش نداشته باشد، چنانچه آن پول بماند، تا سال برنج یا گندم یا جو و مانند اینها برسد باید خمس آن را بدهد.

(مسئله ۲۶۷۳) اگر کسی منفعت کسب یا غیر کسب خود را جهت فرار از خمس، در اواخر سال خمسی به زن یا فرزند یا کسی دیگر، هبه کند، و موهوب له، پس از سال خمسی، دو مرتبه آن را به صاحبش هبه کند، چون اینگونه هبه‌ها از مؤننه سال محسوب نمی‌شود باید خمس آن را بدهد.

(مسئله ۲۶۷۴) اگر کسی مال یا پولی را که خمس آن را داده است به کسی هبه کند، چنانچه آن مال یا پول، زائد بر مؤننه موهوب له باشد خمس دارد.

(مسئله ۲۶۷۵) کسی که زمین مزروعی خود را که خمسش را داده به فرزندش هبه کند، و فرزند هم در آن زراعت کند، بعد از گذشتن یک سال از زمان بخشش، فرزند باید خمس آن زمین را به قیمت روز بپردازد.

(مسئله ۲۶۷۶) کسی که حساب سال خمسی دارد، اگر از عوائد سال خود، خانه مسکونی برای فرزندش چه پسر یا دختر بخرد، چنانچه در سال خرید، مورد احتیاج فرزند برای سکونت بوده و به او هبه کرده و در همان سال، فرزند در آن ساکن شده خمس ندارد، ولی اگر در همان سال ساکن نشده فرزند باید خمس آن را بدهد، و چنانچه به فرزند نبخشد، پدر باید خمس آن را بدهد.

(مسئله ۲۶۷۷) کسی که حساب سال دارد چنانچه کمی پیش از فرا رسیدن به آخر سال خمسی، چیزی به او هبه شود، لازم نیست یکسال از تاریخ هبه بگذرد، بلکه هبه از ارباح همان سال محسوب می‌شود، چنانچه در مؤننه، صرف نشود باید خمس آن را بدهد.

فروش گندم و برنج قبل فرار از خمس: ۱-

۲- هبه موهوبه

هبه زائد بر مؤننه

هبه مزروعی

تهیه مسکن برای فرزند

گرفتن هبه در اثناء سال

**۲۷۴- جبران مال مخمس مصرف شده یا تلف شده از آرباح**

کم آوردن از اصل سرمایه

(مسئله ۲۶۷۸) کسی که حساب سال، و سرمایه معینی داشته است، چنانچه در کسب، ضرر کرده یا مالیات سنگینی از او گرفته، و یا جریمه شود، و از اصل سرمایه، کم آورد، چیزی بر او نیست، و آنچه تلف شده جزء سرمایه محسوب نمی‌شود، و در سال آینده سرمایه او مقدار باقی مانده بعد از تلف شدن است نه قبل آن، پس باید اضافه سرمایه بعد از تلف شدن را در نظر بگیرد که اگر اضافه آورد، خمس دارد، نه سرمایه قبل از تلف شدن را.

جبران مصارف قبل از ربح وسط سال

(مسئله ۲۶۷۹) کسی که اموالش را تخمیس نموده، و مبلغی مثلاً یکصد هزار تومان تخمیس شده باقی مانده است، چنانچه پول تخمیس شده را به اندازه نیاز در مؤونه صرف کند، می‌تواند از منافع وسط سال آن را جبران کند، مثلاً کسی که اول سال خمسی او پانزدهم شعبان المعظم است، و مبلغ یکصد هزار تومان پس از تخمیس باقی مانده است، و منافع کسب یا محصولات زراعت او پس از شش ماه دیگر است می‌تواند تا آن وقت از پول تخمیس شده برای مؤونه استفاده کند، و پس از تحصیل منافع آن را جبران کند، ولی نمی‌تواند با پولی که سال بر آن گذشته و خمسش را نداده آن را جبران کند.

جبران کسر سرمایه با قرض

(مسئله ۲۶۸۰) کسی که بعد از تخمیس اموال، مثلاً پانصد هزار تومان سرمایه مخمس شده دارد، چنانچه بر اثر احتیاج لازم، در منزل مسکونی خود بنایی کرده و یا خانه بزرگتری را با فروختن خانه مسکونی خود، و صرف سیصد هزار تومان از اصل سرمایه مخمس خریده است، و به واسطه کافی نبودن دویست هزار تومان باقی مانده سرمایه مخمس، سیصد هزار تومان وام شرعی گرفته تا به صورت اقساط بپردازد، تا وقتی قرض خود را نداده خمس ندارد، چه در همان سال که سرمایه، مصرف خانه شده، قرض کرده، و همان سال از منافع، قرض آن را اداء نموده باشد، و چه از منافع سالهای بعد، قرض آن را داده باشد، ولی اگر احتیاج لازم به تعمیر یا تعویض خانه نبوده باید خمس قرض را بپردازد.

(مسئله ۲۶۸۱) تاجر و کاسب و زارع و مانند اینها اگر حساب سال داشته باشند، چنانچه ضرر کنند می‌توانند ضرر هر سال را از منافع همان سال، جبران کنند، ولی نمی‌توانند ضرر سال قبل را از منافع سال بعد، جبران نمایند.

(مسئله ۲۶۸۲) کسی که حساب سال، و سرمایه مخمس دارد، اگر استطاعت حج پیدا کند، و مبلغی هم طلب داشته باشد می‌تواند مبلغی از سرمایه مخمس را در بین سال به مصرف حج برساند، و از ربح وسط همان سال سرمایه قبل از حج را متمیم نماید، و اما طلب، پس اگر از سرمایه مخمس بوده خمس ندارد، و اگر از ربح سالهای پیش بوده باید پس از وصول، خمس آن را بدهد، و مابقی را سرمایه خود قرار دهد.

(مسئله ۲۶۸۳) کسی که حساب سال خود را کرده، و پس از تخمیس مثلاً یکصد هزار تومان برای او باقی مانده است، چنانچه این مبلغ در مؤونه زندگی صرف یا تلف شود نمی‌تواند آن را با منافع سال بعد جبران کند، ولی اگر از سرمایه، صرف نموده می‌تواند در آخر سال، کسری سرمایه را از منفعت همان سال جبران کند، و اما اگر از سرمایه نبوده نمی‌تواند آن را استثناء نماید.

(مسئله ۲۶۸۴) کسی که سر سال خمسی، خمس یک خروار برنج یا گندم و مانند آنها را داده چنانچه در سال آینده با برنج یا گندم جدید خود معاوضه کند، گندم یا برنج جدید، خمس ندارد، ولی اگر بخواهد از مال خود، عوض آن را نگه دارد، و آن برنج یا گندم مخمس را مصرف نماید، بعد از گذشتن سال بر آن، باید خمس آن را بدهد.

(مسئله ۲۶۸۵) کسی که آذوقه خود را از سرمایه مخمس و ربح وسط سال، تهیه کرده باشد چنانچه مقداری از آن در آخر سال باقی بماند، ولی از سرمایه مقداری کسر آورده، اگر آذوقه باقی مانده به اندازه کسری سرمایه باشد خمس ندارد.

(مسئله ۲۶۸۶) کسی که مقداری پول مخمس در بانک یا قلک نزد کسی به عنوان امانت که هر وقت بخواهد می‌تواند بگیرد دارد و مقداری هم از منافع در آمد وسط سال داشته باشد میتواند به قصد مؤونه زندگی از بانک یا قلک یا از امین بگیرد تا بعداً با منافع وسط سال آن را متمیم نماید، و همچنین اگر در منزل خود دو جور پول مخمس

جبران ضرر هر سال از منافع آن سال

منافع سال - خمس سال جبران هزینه حج از طلب

جبران مؤونه سال از منافع سال بعد

معاوضه مال مخمس با مال دیگر جدید

سرمایه به آذوقه جبران کسر

جبران کسر ذخیره از منافع سال



و منفعت وسط سال با هم مخلوط داشته باشد که تمییز داده نمی‌شود، می‌تواند بقصد غیر مخمس، مصرف مؤونه کند تا مخمس به اندازه قبلی خود باقی بماند.

### ۲۷۵- مال تخمیس شده دوباره خمس ندارد

پول خمس داده شده دوباره خمس ندارد

(مسئله ۲۶۸۷) کسی که پول مخمس را در بانک پس انداز کند، یا در قلمک بریزد، و یا نزد کسی به امانت بسپارد که هر وقت بخواهد بگیرد، گر چه، چند سال بر آن بگذرد و پس بگیرد، خمس ندارد. «الْمُخَمَّسُ لَا يُخَمَّسُ»

فروش زیادی پیش از قیمت خرید

(مسئله ۲۶۸۸) کسی که خمس برنج یا گندم و مانند آنها را داده اگر بعداً آنها را بفروشد، چون خمس آنها داده شده، چنانچه پول آنها صرف مؤونه نشود، و زیاد بیاید در آخر سال خمسی، خمس ندارد، مگر آنکه زیاده از قیمتی که خمس آن را داده بفروشد، همچنین اگر با پول مخمس، برنج یا گندم و مانند اینها بخرد، و در پایان سال زیاد بیاورد، خمس ندارد.

### ۲۷۶- دستگردان خمس

تصرف در مالی که خمس بر آن واجب

(مسئله ۲۶۸۹) بعد از تمام شدن سال و مستقر شدن خمس، تصرف در مالی که خمس آن واجب شده بدون اذن مجتهد جامع الشرائط یا بدون دستگردان با او جایز نیست، و نیت دادن خمس به تنهایی کافی نیست.

(مسئله ۲۶۹۰) کسی که خمس، بدهکار است نمی‌تواند آن را به ذمه بگیرد یعنی خود را بدهکار اهل خمس بداند و در تمام مال، تصرف کند، و چنانچه تصرف نماید و آن مال، تلف شود، باید خمس آن را بدهد.

دستگردان خمس

(مسئله ۲۶۹۱) کسی که خمس، بدهکار است اگر با اذن مجتهد جامع الشرائط، خمس را دستگردان کند و به ذمه بگیرد و بعداً اداء نماید می‌تواند در تمام اموال تصرف کند، و منافعی که بعد از دستگردان از آن اموال بدست می‌آورد مال خود او است.

مسامحه در پرداخت  
خمس دستگردان شده

(مسئله ۲۶۹۲) کسی که با مجتهد جامع الشرائط یا وکیل او دستگردان می‌کند، هر وقت متمکن شد باید بپردازد، و نباید در پرداخت آن عرفاً مسامحه کند، و دستگردان با چک معتبر که مبلغ آن را در حساب خود داشته باشد و یا در بانک معتبر باشد اشکال ندارد، ولی با چک مدت دار یا بی اعتبار صحیح نیست.

فوت مجتهد یا  
وکیل او

(مسئله ۲۶۹۳) کسی که اموال خود را پیش مجتهد جامع الشرائط یا وکیل او تخمیس نموده و مبلغی را دستگردان کرده، چنانچه وکیل، فوت کند باید آن مبلغ را به مجتهد جامع الشرائط برساند، ولی اگر مجتهد جامع الشرائط فوت کند نمی‌تواند به وکیلش بدهد، باید به مجتهد جامع الشرائط زنده ای که از او تقلید می‌کند بپردازد.

(مسئله ۲۶۹۴) دستگردان با مجتهد جامع الشرائط یا وکیل او صحیح است، و در غیر این دو صورت، صحیح نیست.

ترک اداء خمس پس  
از دستگردان

(مسئله ۲۶۹۵) کسی که حساب سال می‌کند، و دستگردان می‌نماید، و بعداً وجه دستگردان شده را نمی‌دهد یا مقداری را می‌دهد، و بقیه را نمی‌دهد، چنانچه از اول قصد پرداخت را نداشته باشد، اموال او متعلق خمس است، و تصرف در آنها جایز نیست، و اما اگر در موقع دستگردان، قصد اداء داشته و بعداً مسامحه میکند، تصرف در آن اموال تا مدتی نه چندان طولانی اشکال ندارد و الا اشکال دارد.

دادن بدهی خمس  
از منافع سال بعد

(مسئله ۲۶۹۶) کسی که بدهی خود را دستگردان کرده و بنا دارد آن را تدریجاً بپردازد نمی‌تواند آن را از منافع سالهای بعد بدهد مگر اینکه، اول، خمس آن منافع را بدهد، و پول مخمس را از بابت بدهی خمس بپردازد. پس اگر مثلاً هزار تومان دست گردان کرده، و از منافع سال بعد، دو هزار تومان بیشتر از مخارجش داشته باشد، باید خمس دو هزار تومان را بدهد، و هزار تومانی را که بابت خمس، بدهکار است از بقیه بپردازد.

عدول از تقلید و  
بدهی دستگردان

(مسئله ۲۶۹۷) کسی که از یک مجتهدی تقلید می‌کرده و مبلغ بدهی را با او یا وکیلش دستگردان کرده بعداً با وجه شرعی از تقلید از آن مجتهد عدول کرده و از مجتهد جامع الشرائط تقلید می‌کند می‌تواند وجوهی را که دستگردان کرده و به ذمه گرفته به مجتهد جامع الشرائطی که تازه از او تقلید می‌کند یا به وکیلش بدهد، زیرا ملاک، اولویت است نه شخص، ولی اگر بدون وجه شرعی او عدول کند، بدون اجازه او نمی‌تواند به کسی که تازه از او تقلید می‌کند بپردازد.

(مسئله ۲۶۹۸) فرق بین اذن مجتهد جامع الشرائط در تصرف اموال با دستگردان آنستکه: با اذن مجتهد جامع الشرائط، در تصرف اموال، معاملاتی که با عین مال غیر مخمس انجام می‌گیرد برای مدیون خمس، واقع نمی‌شود، بلکه یا وكالة از جانب مجتهد جامع الشرائط، واقع می‌شود، و برای ولی خمس است، و یا اگر اذن، وکالت نباشد، فضولی است، و با اذن مجتهد جامع الشرائط باز هم برای ولی خمس واقع شده است، و در هر دو صورت آنچه معاملات نسبت به خمس، سود کند ملک اولیاء خمس خواهد بود، و اذن، اشتغال ذمه خاصی، غیر از آنچه قبلاً مدیون خمس داشت نمی‌آورد، و اما اثر دستگردان اینستکه: خمس که متعلق به عین بوده به ذمه دستگردان کننده تعلق می‌گیرد، و معاملات خمس دهنده، بی‌اشکال و برای خودش واقع می‌شود، و ربیحه که حاصل می‌شود، همه متعلق به خود او است، از این رو در بدهی خمس باید دستگردان کرد و اجازه، صحیح نیست.

### ۲۷۷- موارد مصالحه در خمس

(مسئله ۲۶۹۹) کسی که از اول تکلیف خمس نداده اگر از منافع کسب و غیر کسب، چیزی که به آن احتیاج ندارد خریده و یکسال از منافع بدست آمده، گذشته باید خمس آن را بدهد، و چنانچه ااث خانه و چیزهای دیگری که به آنها احتیاج دارد، مطابق شأن خود، خریده در صورتی که بداند در بین سالی که در آن سال فائده برده آنها را خریده، لازم نیست خمس آنها را بدهد، و اگر نداند که در بین سال خریده یا بعد از تمام شدن سال، بنابر احتیاط واجب باید با مجتهد جامع الشرائط مصالحه کند.

(مسئله ۲۷۰۰) اگر عینی از در آمد سال، زیاد بیاید که قیمت واقعی آن در بازار معلوم نباشد و به اختلاف روی آن قیمت بگذارند أحوط آن است که با مجتهد جامع الشرائط، مصالحه کند.

(مسئله ۲۷۰۱) مجتهد جامع الشرائط می‌تواند شخصاً در موارد لازم و اهمیّت موضوع و افراد و مصالح اسلام و مسلمین هر اندازه که مصلحت بداند با کسی که قصد تخمیس اموال را دارد مصالحه کند، ولی وکیل او نمی‌تواند با فرض اشتغال به ذمه، و



تمکن از اداء آن، به کمتر از آن، مصالحه نماید، مگر اینکه موارد خاصی را از مجتهد جامع الشرائط اجازه بگیرد.

(مسئله ۲۷۰۲) وکیل مجتهد جامع الشرائط می‌تواند در موارد شبهه یا مشکوک که مثلاً فلان مال خمس به آن تعلق گرفته است یا نه، إرفاق کند، و همچنین مکلف قادر بر ادای آن نباشد تخفیف دهد، و چنانچه مستحق خمس، راضی شود که به عنوان خمس بگیرد و دوباره ببخشد اشکال ندارد.

(مسئله ۲۷۰۳) انسان نمی‌تواند بدون اذن مجتهد جامع الشرائط از مال کسی که می‌داند خمس نمی‌دهد خمس بردارد، و یا با صاحب مال مصالحه کند، و به مجتهد جامع الشرائط برساند.

موارد إرفاق،  
تخفیف و بخشش

توقف أخذ خمس  
بر اذن مجتهد

### ۲۷۸ / ب - معادن

(مسئله ۲۷۰۴) اگر انسان از معدن طلا، نقره، سرب، مس، آهن، نفت، گاز، ذغال سنگ، گوگرد، فیروزه، عقیق، یاقوت، زاج، نمک و معدنهای دیگر و انواع فلزات چیزی بدست آورد، در صورتی که به مقدار نصاب برسد، باید خمس آن را بدهد.

(مسئله ۲۷۰۵) نصاب معدن (۱۵) مثقال معمولی طلای سکه دار یا (۱۰۵) مثقال معمولی نقره مسکوک است، یعنی اگر قیمت چیزی را که از معدن بیرون آورده، بعد از کم کردن مخارجی که برای بدست آوردن آن هزینه کرده به قیمت (۱۵) مثقال طلا یا (۱۰۵) مثقال نقره برسد، باید خمس آن را بدهد.

(مسئله ۲۷۰۶) استفاده ای که از معدن برده اگر قیمت آن به (۱۵) مثقال طلا یا (۱۰۵) مثقال نقره نرسد خمس آن در صورتی لازم است که به تنهایی یا با منافع دیگر کسب از مخارج سالش زیاد بیاید.

(مسئله ۲۷۰۷) احتیاط لازم در گِل سر شور و گچ و آهک و گِل سرخ، و هر چیزی که عرفاً به عنوان معدن بر آن صدق کند، چنانچه به حدّ نصاب برسد دادن خمس پیش از خارج کردن مؤونه سال، لازم است، و اگر کمتر از نصاب باشد حکم سایر منافع سال را دارد.

در معادن  
تعلق خمس؛  
دوین مورد در  
خمس

نصاب معادن

معدن کمتر از  
نصاب

ملحقات معادن

انواع معادن و شرایط استخراج کننده آن

(مسئله ۲۷۰۸) کسی که از معدن، چیزی بدست می‌آورد، باید خمس آن را بدهد، چه معدن روی زمین باشد، یا زیر آن، در زمینی باشد که ملک کسی است یا در جایی باشد که مالک ندارد، چنانچه آن را مسلمان استخراج کند بالغ باشد یا نابالغ، و قصد تملک نماید مالک می‌شود، ولی غیر مسلمان در ممالک اسلامی مالک نمی‌شود.

قیمت معدن  
فحص در

(مسئله ۲۷۰۹) اگر نداند قیمت چیزی را که از معدن، بیرون آورده به (۱۵) مثقال طلا یا (۱۰۵) مثقال نقره می‌رسد یا نه، باید با وزن کردن یا از راه دیگر، قیمت آن را معلوم کند.

استخراج معادن  
شرکت در

(مسئله ۲۷۱۰) اگر چند نفر چیزی را از معدن بیرون آورند، چنانچه بعد از کم کردن مخارجی که برای بدست آوردن آن هزینه کرده اند، قیمت آن به (۱۵) مثقال طلا یا (۱۰۵) مثقال نقره برسد، اگر چه سهم هر کدام آنها این مقدار نباشد، بنابر احتیاط مستحب باید خمس آن را بدهند.

استخراج معادن  
از ملک غیر

(مسئله ۲۷۱۱) اگر معدنی را که در ملک دیگریست بدون اجازه او بیرون آورد، آنچه از آن بدست می‌آید، مال صاحب ملک است، و چون صاحب ملک برای بیرون آوردن آن خرجی نکرده باید خمس تمام آنچه که بیرون آمده را بدهد.

معدن از ملک زمین:  
ضابطه در تبعیت

(مسئله ۲۷۱۲) اگر محل معدن، طوری در زیر زمین باشد که عرفاً در توابع زیر زمین شمرده شود، و یا استخراج آن بدون تصرف در آن زمین امکان پذیر نباشد، ملک صاحب زمین است، ولی معدنی که مثلاً از سه هزار متری زمین یا بیشتر استخراج می‌شود، و استخراج آن بدون تصرف در آن زمین، امکان پذیر باشد، مثلاً از زمین اطراف آن با نقم زدن به آن دست یابند، و عرفاً از توابع زمین شمرده نشود، ملک صاحب زمین نیست بلکه حکم آنفال را دارد یعنی مال امام معصوم علیه السلام است.

استخراج معادن  
أجیر در

(مسئله ۲۷۱۳) أجیر گرفتن برای استخراج معدن، اشکال ندارد، و اجازه کننده، مالک معدن می‌شود در صورتی که به عنوان استخراج معدن، کسی را أجیر کند، و اما اگر کسی را به صورت مطلق أجیر کند، در صورتی که أجیر، قصد تملک کند مالک می‌شود.

اجاره ملک برای  
استخراج معادن

(مسئله ۲۷۱۴) اگر کسی زمین خود را برای استخراج معدن، اجازه دهد به نحوی که به اجازه، معدن، ملک مستأجر شود، و یا صاحب زمین پولی بگیرد و به شخصی

اجاره دهد که برای خودش معدن را از زمین او استخراج و تملک کند اشکال ندارد، و در هر دو صورت باید مستخرج، خمس آن را اگر به حد نصاب برسد بپردازد.

(مسئله ۲۷۱۵) اگر کسی معدنی را استخراج کند، و پس از استخراج هزینه آن و رسیدن به حد نصاب، خمس آن را بدهد، و مقداری از پول مخمس معدن را صرف مؤونه نماید، و در آخر سال خمسی، مبلغی از آن باقی بماند، خمس ندارد، بلکه اگر چه سالها، پول مخمس معدن بماند و صرف مؤونه هم نشود خمس ندارد.

(مسئله ۲۷۱۶) اگر در ملک بچه نابالغ یا دیوانه، معدنی استخراج شود، ملک او است در صورتی که به حد نصاب برسد باید ولی آنها خمس آن را بدهد.

(مسئله ۲۷۱۷) در خمس معدن، لازم نیست یک مرتبه بیرون آورده شود، بلکه تدریجاً هم بیرون بیاورند و مجموعاً قیمت آن به حد نصاب برسد، خمس آن واجب است.

ملازاد از مؤونه در پول مخمس معدن

معدن از ملک بچه و دیوانه استخراج

تدریجی معدن استخراج

### ۲۷۹ / ج - گنج

(مسئله ۲۷۱۸) گنج، مالی است که در زمین یا درخت یا کوه یا دیوار یا مجسمه و مانند آنها پنهان باشد، و کسی آن را پیدا کند، و طوری باشد که عرفاً به آن، گنج بگویند.

(مسئله ۲۷۱۹) اگر انسان در زمین و مانند آن که ملک کسی نیست گنجی پیدا کند، و آن را حیازت نماید، مال خود او است، و باید خمس آن را بدهد.

(مسئله ۲۷۲۰) نصاب گنج در غیر طلا و نقره بنابر احتیاط (۱۵) مثقال طلای سکه دار یا (۱۰۵) مثقال نقره مسکوک است، یعنی اگر قیمت چیزی را که از گنج بدست می آورد، بعد از کم کردن مخارجی که برای آن هزینه کرده به یکی از این دو نصاب برسد، بنابر احتیاط واجب باید خمس آن را بدهد، و اما نصاب گنج طلا (۱۵) مثقال طلای سکه دار، و گنج نقره (۱۰۵) مثقال نقره سکه دار است.

(مسئله ۲۷۲۱) اگر کسی در زمینی که از دیگری خریده گنجی پیدا کند، و بداند مال کسانی که قبلاً مالک آن زمین بوده اند نیست، مال خود او می شود، و باید خمس آن را بدهد، ولی اگر احتمال دهد که مال یکی از آنان است، باید به او اطلاع دهد، و

تعریف گنج: تعلق خمس؛ سؤمین مورد

حیازت گنج

نصاب گنج

یافتن گنج در زمین خریداری شده



چنانچه معلوم شود مال او نیست، باید به کسی که پیش از او مالک زمین بوده اطلاع دهد و بهمین ترتیب بنابر احتیاط لازم بتمام کسانی که پیش از او مالک زمین بوده اند خبر دهد، و اگر معلوم شود مال هیچ یک از آنان نیست، مال خود او می‌شود و باید خمس آن را بدهد.

(مسئله ۲۷۲۲) اگر در ظرف‌های متعددی که در یکجا دفن شده مالی پیدا کند که قیمت مجموع آنها (۱۰۵) مثقال نقره سکه دار یا (۱۵) مثقال طلای سکه دار باشد باید خمس آن را بدهد، ولی چنانچه در چند جای مختلف گنج پیدا کند، هر کدام آنها که قیمتش به این مقدار برسد، خمس آن واجب است، و گنجی که قیمت آن به این مقدار نرسیده خمس ندارد.

(مسئله ۲۷۲۳) هر گاه دو نفر گنجی پیدا کنند که قیمت سهم هر یک از آنها به (۱۵) مثقال طلای مسکوک یا (۱۰۵) مثقال نقره مسکوک برسد باید هر کدام، خمس سهم خود را بدهد ولی اگر سهم یکی از آنان به این مقدار نباشد، احتاط مستحب آنستکه، خمس آن را بدهند.

(مسئله ۲۷۲۴) اگر کسی حیوانی را چه ماهی باشد و چه غیر ماهی، بخرد و در شکم آن مالی پیدا کند، در صورتی که آن حیوان در محل خاصی پرورش داده شده و کسی متکفل غذای او بوده، چنانچه خریده دار، احتمال دهد که آن مال، مال فروشنده است باید به او خبر دهد، و اگر معلوم شد مال او نیست، بنابر احتیاط لازم باید بترتیب، صاحبان قبلی آنان را خبر کند، و چنانچه معلوم شود مال هیچ یک از آنان نبوده اگر قیمت آن (۱۵) مثقال طلا یا (۱۰۵) مثقال نقره مسکوک نباشد، جزء منافع سال، محسوب می‌شود در صورتی که زائد بر مؤونه سال او باشد باید خمس زائد را بدهد و اما اگر آن حیوان را از صیاد خریده که ماهی را از دریا یا رود خانه گرفته یا آهو و گوزن و مانند اینها را در بیابان، صید کرده اطلاع دادن به کسی لازم نیست.

(مسئله ۲۷۲۵) کسی که برای بدست آوردن گنج مخارجی هزینه کرده، چنانچه پس از آنکه مقدار آن را کم کرده، باقی مانده آن به حد نصاب باشد، باید خمس آن را بدهد.

پیدا کردن گنج در جاهای متعدد

اشتراک در یافتن گنج

مال پیدا شده از حیوانات

### ۲۸۰/د- مال حلال مخلوط

(مسئله ۲۷۲۶) مال حلال مخلوط بحرام آنستکه: شخصی اموال را از دو راه حلال و حرام بدست آورد، مثلاً تجارت، صنعت، زراعت، و کسب و کار و مانند اینها داشته باشد، و اموالی را مالک شود، و اموال دیگری را هم از طریق غیر مشروع، خواه به صورت کسب یا غیر کسب، مثل شراب فروشی، خیانت، غصب، و غش در معاملات، ربا، سرقت و مانند اینها فراهم آورد، در صورتی که حساب سال خمسی داشته باشد، اول باید اموال صاحبان آنها را در صورتی که می شناسد، و مقدار آنها را می داند رد کند و آنها را راضی نماید، و در صورتی که مقدار آنها را نداند و صاحبان را نشناسد، باید اول، مقداری از اموال را به عنوان مظالم عباد، جدا کند، و از طرف صاحبان حقوق، به فقیر غیر سید، صدقه بدهد، پس از آن، بقیه اموال را تخمیس نماید.

(مسئله ۲۷۲۷) اگر کسی اصلاً حساب خمسی نداشته، و اموال غیر مشروع را نیز مخلوط بمالش کرده که نه صاحبان آنها را می شناسد، و نه مقدار آنها را می داند، باید دوبار اموالش را تخمیس کند: اول از جهت مخلوط به حرام بودن، و پس از آن، هرچه باقی مانده است از جهت ارباب مکاسب، خمس دارد.

(مسئله ۲۷۲۸) هرگاه مال حلال با مال حرام، مخلوط شود و انسان مقدار حرام را بداند، مثلاً بداند که نصف آن حرام است، ولی صاحب آن را نشناسد و یا نتواند پیدا کند، باید آن مقدار را به نیت صاحبش صدقه بدهد، و احتیاط واجب، آنستکه از مجتهد جامع شرایط هم اجازه بگیرد تا هم با مصرف خمس و هم با مصرف صدقه منطبق شود.

(مسئله ۲۷۲۹) اگر مال حلال با حرام، مخلوط شود، و انسان، مقدار حرام را نداند ولی صاحبش را بشناسد، باید او را راضی نماید، و چنانچه صاحب مال راضی نشود، در صورتی که انسان بداند چیز معینی مال او است و شک کند که بیشتر از آن مال او هست یا نه، باید چیزی را که یقین دارد مال او است به او بدهد و احتیاط مستحب آنستکه، مقدار بیشتری که احتمال می دهد مال او باشد به او بدهد.

چهارمین تعلق خمس: مال حلال مخلوط به حرام — ضابطه جهل به مقدار و مالک

تعدد سبب خمس دوبار تخمیس اموال

و جهل به مقدار حرام علم به مقدار حرام

جهل به مقدارش علم به صاحب مال و

مقدار حرام از خمس  
کشف از اکثر بودن

(مسئله ۲۷۳۰) هرگاه خمس مال حلال مخلوط به حرام را بدهد، و بعد بفهمد مقدار حرام، بیشتر از خمس بوده، چنانچه مقدار زیادی معلوم باشد، بنابر احتیاط واجب باید مقداری که می‌داند از خمس بیشتر بوده از طرف صاحب آن صدقه بدهد.

بعد از دادن خمس  
پیدا شدن مالک

(مسئله ۲۷۳۱) اگر خمس مال حلال مخلوط بحرام را بدهد، و بعد از آن صاحبش معلوم شود چیزی بر او نیست، ولی اگر مالی را که صاحبش را نمی‌شناسد به نیت او صدقه بدهد، و بعد از آن صاحبش پیدا شود، واجب است به مقدار مالش به او بدهد.

علم اجمالی به مالک

(مسئله ۲۷۳۲) هرگاه مال حلالی با حرام، مخلوط شود، و مقدار حرام، معلوم باشد، و انسان بداند که صاحب آن از چند نفر معین بیرون نیست، ولی نتواند بفهمد کیست، اگر ممکن است باید همه را راضی کند، و چنانچه ممکن نباشد باید آن مال را به طور مساوی بین آن چند نفر قسمت کند و اگر راضی نشدند با قرعه کشی بدهد هر که بنام او افتد.

عین مال  
اداء خمس از

(مسئله ۲۷۳۳) احتیاط واجب آنستکه خمس مال حلال مخلوط به حرام را از عین همان مال بدهد، ولی خمس‌های دیگر را می‌تواند از همان چیز یا به مقدار قیمت خمس که بدهکار است پول بدهد.

بابت رد مظالم  
اخراج قدر متقین از

(مسئله ۲۷۳۴) پولهای در گردش که در دست مردم است و پشتوانه دارد، نه از مال مخلوط به حرام، و نه مجهول المالک است، و تا انسان، علم بحرمت خصوص پولی که مورد ابتلاء او است پیدا نکند، تصرف در آنها اشکال ندارد، مثلاً تقلبی یا سرقت و مانند اینها نباشد، و چنانچه بعد از تصرف، بداند که مقداری از آنها حرام بوده ولی مقدار و صاحب آن را نشناسد، قدر یقینی از معلوم بالاجمال را باید از بابت مظالم عباد رد کند، ولی اگر بداند که در پولهای که خرج شده و یا در پولهایی که فعلاً مالک آنها است مقداری حرام است، ولی مقدار آن را نداند و صاحب آن را نشناسد، باید قدر متقین از معلوم بالاجمال پولهای خرج شده را به عنوان مظالم رد کند، و پولهای موجود را تخمیس نماید.



مزد ریش تراشی

(مسئله ۲۷۳۵) تراشیدن ریش، حرام، و مزد آن نیز حرام است، اجرتی که سلمانی ریش تراش می گیرد، چنانچه صاحبان آنها معلوم نباشند، و آن مال حرام، جدا باشد، و یا مخلوط به مال حلال شده، ولكن مقدار آن معلوم باشد باید با اجازه مجتهد جامع الشرائط یا وکیل او، صدقه به فقیر غیر سید بدهد، و اگر مقدار و صاحب آن معلوم نباشد، و یا به مال حلال مخلوط شده باشد خمس مجموع را بدهد که در این صورت، بقیه آن حلال است.

فرق رد مظالم و خمس مال مخلوط به حرام

(مسئله ۲۷۳۶) وارث اگر بداند تركه میت، از کسب حرام جمع شده مثلاً شراب فروش، قمار باز، رباخوار، سارق و مانند اینها بوده است، چنانچه صاحب مال حرام را بشناسد باید به او رد کند، و اگر شناسد باید با اجازه مجتهد جامع الشرائط یا وکیل او به عنوان مظالم، رد کند، و چنانچه نه صاحب را میشناسد و نه مقدار را می داند، باید خمس تمام مخلوط را بدهد.

صرف مال مخلوط به حرام در مصالح عامه

(مسئله ۲۷۳۷) کسی که مالش مخلوط بحرام است و خمس آن را نداده اگر مسجد یا وضوء خانه، یا حمام بناء کند و یا در بنایی آنها کمک نماید، چنانچه اعیان مصالح آنها را به ذمه خریده، و یا معلوم نباشد که بعین مال حرام یا خمس نداده خریده یا به ذمه، نماز و وضوء و غسل اشکال ندارد.

خمس امانت

(مسئله ۲۷۳۸) کسی که مال امانت در میان مالش باشد، اگر مجموع اموال را تخمیس کند، خمس امانت، اداء نشده است.

خمس اموال عامه که شیعه شده

(مسئله ۲۷۳۹) اگر سنی، شیعه شود، مالی را که قبل از شیعه شدن بدست آورده باید خمس آن را بدهد یا مجتهد جامع الشرائط با او مصالحه نماید.

پنجمین مورد تعلق به خمس: استخراج مال با غواصی

### ۲۸۱ / هـ - جواهری که بواسطه غواصی بدست می آید

(مسئله ۲۷۴۰) اگر کسی به واسطه غواصی، یعنی: فرو رفتن در دریا، لؤلؤ و مرجان و زبرجد و یاقوت یا جواهر دیگری که با فرو رفتن در دریا بیرون می آورند، بیرون آورد، چه روئیدنی باشد یا معدنی، چنانچه بعد از کم کردن مخارجی که برای بیرون آوردن آن

هزینه کرده است، قیمت آن به (۱۸) نخود طلای سکه دار که یک مثقال شرعی است برسد، چه در یک دفعه آن را از دریا بیرون آورده باشد یا در چند دفعه، آنچه بیرون آمده از یک جنس باشد یا از چند جنس، یک نفر آن را بیرون آورده باشد یا چند نفر، در صورتی که قیمت سهم هر کدام به (۱۸) نخود طلای سکه دار برسد باید خمس آن را بدهد.

گرفتن مال از روی آب یا ساحل

(مسئله ۲۷۴۱) هر گاه کسی بدون فرو رفتن در دریا بوسیلهٔ اُسبابی، جواهر را بیرون آورد، و بعد از کم کردن مخارجی که برای آن هزینه کرده قیمت آن به (۱۸) نخود طلا برسد باید خمس آن را بدهد، ولی اگر از روی آب دریا یا از کنار دریا، جواهری بدست آورد، در صورتی باید خمس آن را بدهد که آنچه را بدست آورده به تنهایی یا با منافع دیگر کسب او از مخارج سالش زیادتر باشد.

ماهگیری و شکار دریایی

(مسئله ۲۷۴۲) در ماهی و حیوانات دیگری که انسان با فرو رفتن و یا بدون فرو رفتن در دریا می‌گیرد، اگر به حد نصاب برسد احتیاط واجب آنستکه خمس آن را بدون کم کردن مخارج سال بدهد، و چنانچه به حد نصاب نرسد در صورتی که صرف در مؤونه سال نشود احتیاط واجب آنستکه خمس آن را بدهد.

فرو رفتن، بدون قصد و قصد

(مسئله ۲۷۴۳) اگر کسی بدون قصد اینکه چیزی از دریا بیرون آورد و در دریا فرو رود، و اتفاقاً جواهری بدست آورد، و قصد تملک آن را بنماید، چنانچه به حد نصاب برسد، باید بدون کم کردن مؤونه سال، خمس آن را بدهد.

جواهر در شکم حیوان دریایی

(مسئله ۲۷۴۴) هر گاه کسی در دریا فرو رود و حیوانی را بیرون آورد، و در شکم آن، جواهری را پیدا کند که قیمتش هجده نخود طلای مسکوک یا بیشتر باشد، چنانچه آن حیوان، مانند صدف باشد که غالباً در شکمش جواهر هست، باید خمس آن را بدهد، و اگر اتفاقاً جواهر را بلعیده باشد در صورتی خمس آن واجب است که به تنهایی یا با منافع دیگر کسب او از مخارج سالش زیادتر باشد.

فرو رفتن در رودخانه‌ها

(مسئله ۲۷۴۵) اگر کسی در رودخانه‌های بزرگ مانند دجله و فرات فرو رود، و جواهری را بیرون آورد، چنانچه در آن رودخانه عمل می‌آید، باید خمس آن را بدهد.

(مسئله ۲۷۴۶) هرگاه در آب فرو رود، و مقداری عنبر (ماده ئیست خوشبو که از دریا بیرون می‌آورند) بیرون آورد که قیمت آن (۱۸) نخود طلا یا بیشتر باشد باید خمس آن را بدهد، و چنانچه روی آب یا کنار دریا بدست آورد اگر قیمت آن مقدار (۱۸) نخود طلا هم نرسد، بنابر احتیاط واجب، خمس آن را بدهد.

(مسئله ۲۷۴۷) کسی که شغلش غواصی یا بیرون آوردن معدن است، اگر خمس آن را بدهد، و چیزی از مخارج سالش زیاد بیاید، لازم نیست، دوباره خمس آن را بدهد. (مسئله ۲۷۴۸) اگر بچه ای یا دیوانه ای معدنی را بیرون آورد، یا مال حلال مخلوط به حرام داشته باشد یا گنجی را پیدا کند، یا به واسطه فرو رفتن در دریا، جواهری را بیرون آورد، ولی آنها پیش از بلوغ و إفاقه خمس آنها را بدهد، و اگر ندهد باید خود بچه، بعد از بلوغ، و دیوانه، چنانچه عاقل شود، خمس آنها را بدهد.

### ۲۸۲ / و - غنائم جنگی

(مسئله ۲۷۴۹) اگر مسلمانان به فرمان حضرت امام معصوم علیه السلام با کفار، جنگ کنند، چیزهایی را که در جنگ بدست آوردند به آنها غنائم جنگی گفته می‌شود که احکام آن را خود امام علیه السلام بیان می‌فرماید.

(مسئله ۲۷۵۰) هرگاه در زمان غیبت حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف جنگهایی بین مسلمانان و کفار واقع شود، آنچه از کفار گرفته می‌شود، بنابر احتیاط، نیز حکم غنیمت زمان امام معصوم علیه السلام را دارد و مخارجی که برای غنائم می‌شود مانند مخارج نگهداری و حمل و نقل، از آنها کم می‌شود، و بقیه آن خمس دارد، پس برای غنیمت جنگی حد نصاب معینی نیست، بلکه آنچه بدست می‌آید، پس از کسر مخارج آن، باید خمس بقیه آن داده شود.

(مسئله ۲۷۵۱) سلاح‌های بزرگ و مهم مانند تانکها، توپها، طیاره، مهمات و مانند اینها که در جنگ‌های امروز در غنائم بدست می‌آیند، و مصرف شخصی ندارند باید با اجازه مجتهد جامع الشرائط در اختیار حکومت صالحه قرار گیرند.

بدست آوردن عنبر از دریا و روی آب و کنار دریا  
زیاد معدن از مؤنه سال  
مال بچه یا دیوانه موضوع تعلق خمس

شمشیر مورد تعلق خمس:

تخمین غنائم جنگی در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام

غنایمی که مصرف شخصی ندارند



مالکیت غنائم  
پس از تخمیس

(مسئله ۲۷۵۲) در غنائم جنگی که با دادن خمس آنها، ملک جنگجویان میشود، فرقی میان منقول و غیر منقول نیست، ولی زمینهایی که از کفار با جنگ بدست می‌آید از انفال، محسوب میشود و مال عموم مسلمین کشوری است که آن را بدست آورند، و خمس ندارد.

اموال کفار ذمی و  
ناصبی و حربی

(مسئله ۲۷۵۳) آنچه در دست کافر ذمی، و ناصبی است احکام غنیمت بر آن جاری نیست و همچنین گرفتن اموال کافر حربی چنانچه خیانت و نقص امان محسوب نشود جایز نیست ولی گرفتن و تصرف اموال آنها را در صورتی که توطئه علیه اسلام و مسلمین کنند اشکال ندارد، و کسی که تملک کرده باید خمس آن را بدهد.

غنائم در جنگ میان دو  
گروه متخاصم مسلمانان

(مسئله ۲۷۵۴) اگر گروهی از مسلمانان به تجاوز و جنگ، علیه گروه دیگری از مسلمانان برخیزند باید مسلمانان جلوی متجاوز را بگیرند تا به حکم خداوند متعال، گردن نهد و چنانچه مسلمانان از دو طرف غنائمی را بدست آورند نباید آن را ملک خود سازند، بلکه باید نگهداری کنند تا پس از صلح برگردانند، مگر چیزهایی که اگر در دست متجاوز باشد منشاء فساد و ادامه تجاوز میشود که باید با اجازه مجتهد جامع الشرائط نابود و در صورت امکان از آن استفاده صحیح شود.

### ۲۸۳ / ز - زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد

هفتمین مورد تعلق خمس:  
که کافر ذمی از مسلمان بخرد

(مسئله ۲۷۵۵) اگر کافر ذمی (یعنی یک اقلیت از اهل کتاب: یهودی یا مسیحی یا مجوسی که در کشور اسلامی به صورت مسالمت آمیز در کنار مسلمانان زندگی میکنند، و شرایط ذمه را پذیرفته و عمل مینمایند) زمینی را از مسلمان بخرد، باید خمس آن را از عوائد همان زمین یا از مال دیگرش بدهد، و همچنین اگر خانه و دکان و مانند اینها را از مسلمان بخرد باید خمس زمین آن را بدهد، و در دان این خمس قصد قربت لازم نیست، بلکه مجتهد جامع الشرائط یا وکیل او هم که خمس را از کافر ذمی می‌گیرد لازم نیست قصد قربت نماید.

خرید زمینی  
از ذمی

(مسئله ۲۷۵۶) اگر شخص مسلمان، زمینی را از کافر ذمی بخرد، و بداند که ذمی آن را از مسلمانی خریده که خمسش را نداده است، معامله نسبت به مقدار خمس

آن، فضولی است، و چنانچه مجتهد جامع الشرائط اجازه دهد، معامله صحیح است، و باید خمس آن را بپردازد.

(مسئله ۲۷۵۷) اگر کافر ذمی، زمینی را که از مسلمانی خریده، و خمسش را نداده به مسلمان دیگری بفروشد خمس از کافر ساقط نمی‌شود، باید خمس آن را بدهد، و نیز اگر بپذیرد، و مسلمانی، آن زمین را از او به ارث ببرد، مثلاً بچه کافر ذمی پس از بلوغ، مسلمان شود باید وارث او خمس آن زمین را بدهد.

(مسئله ۲۷۵۸) اگر کافر ذمی، زمینی را از مسلمانی بخرد، و خمسش را ندهد، چنانچه دو مرتبه، مسلمان همان زمین را از ذمی بخرد باید خمس آن را بدهد، ولی اگر معلوم نباشد که ذمی آن زمین را از مسلمان خریده یا از ذمی مانند خودش و یا به ارث، مالک آن شده است، خمس ندارد، و جستجو هم لازم نیست.

(مسئله ۲۷۵۹) اگر کافر ذمی، موقع خریدن زمین شرط کند که خمس ندهد یا شرط کند که فروشنده خمس آن را بدهد، شرط او باطل است، و باید خمس آن را بدهد، ولی اگر شرط کند که فروشنده مقدار خمس را از طرف او بصاحبان خمس بدهد اشکال ندارد، و بر فروشنده واجب است عمل بشرط نماید.

(مسئله ۲۷۶۰) اگر مسلمان زمینی را بدون خرید و فروش، ملک کافر کند، و عوض آن را بگیرد مثلاً با او صلح کند و یا به او ببخشد، کافر ذمی باید خمس آن را بدهد.

(مسئله ۲۷۶۱) اگر کافر ذمی، صغیر باشد، و ولی او زمینی را برای او بخرد یا به ارث به او برسد ولی، لازم است خمس آن را از همان زمین بدهد، و چنانچه ندهد، باید صغیر ذمی، پس از بلوغ، خمس آن را بدهد.

### ۲۸۴- مصرف خمس

(مسئله ۲۷۶۲) مستفاد از دو اصل کتاب و سنت آنکه: خمس به دو بخش تقسیم

می‌شود:

عدم سقوط خمس از کافر  
ذمی بعد از فروش یا موهب  
خرید زمین از ذمی  
شرط عدم خمس یا شرط  
تحمل بایع خمس را  
ذمی بدون بیع  
انتقال زمین به  
خرید ولی ذمی زمین  
را برای ذمی صغیر

قسمت اول: معروف به سهم مبارک امام معصوم علیه السلام : « فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ ».

قسم دوم: معروف به سهم سادات : « وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ ».

قسمت اول از خمس در زمان غیبت حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، باید به مجتهد جامع الشرائط زنده داده شود تا زیر نظر او در اداره حوزه‌های علوم دینی و نشر معارف قرآن کریم و ترویج ولایت اهل بیت وحی و ساختن مدارس، و مواردی که مصالح شیعه امامیه اثنی عشریه حقه ایجاب می‌کند صرف می‌شود، و بنابر احتیاط واجب، قسمت دوم از خمس نیز در این زمان به مجتهد جامع الشرائط مطلع بر جهات مصالح عامه داده شود تا خود یا به اذن او به سید یتیم، یا سید فقیر، یا به سیدی که در سفر درمانده شده بدهند، اگر چه در وطنش فقیر نباشد و جایز نیست هیچیک از این دو قسم خمس به غیر شیعه داده شود، زیرا خمس از مختصات شیعه می‌باشد که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: « أَجَبْنَا لِشِيعَتِنَا ».

(مسئله ۲۷۶۳) تصرفات مجتهد جامع الشرائط در زمان غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام در سهمین به عنوان ولایت (در مصارفی که مقتضای نظریه و فتوای اوست) می‌باشد.

(مسئله ۲۷۶۴) مجتهد جامع الشرائط اگر چه سید نباشد می‌تواند در سهم سادات، طبق نظریه و فتوایش، تصرف کند، زیرا ولایت، مقدم بر ولادت است.

(مسئله ۲۷۶۵) کسانی که با اجازه جامع الشرائط أخذ سهمین می‌کنند نحوه أخذ آنها دائر مدار اذن مجتهد جامع الشرائط است، پس اگر اذن در تملک دهد، مأذون می‌تواند تملک کند، بنابراین اگر مأذون سهمی را که دریافت کرده و تملک نموده به عنوان خمسی که مالش تعلق گرفته بدهد اشکال ندارد، و میری ذمه او می‌باشد، و در مقدار مصرف هم کمأ و کیفأ تابع اذن مجتهد جامع الشرائط است.

(مسئله ۲۷۶۶) مجتهد جامع الشرائطی که در تصرف در سهمین را نیابت در أخذ یا إباحه در تصرف می‌داند مأذون از طرف او، چنانچه مبلغی از ملک شخصی داشته باشد که سال خمسی بر آن گذشته، و خمس به آن تعلق گرفته، نمی‌تواند خمس آن را از سهمین اداء کند و دست به مال شخصی خود نزند.

تقسیم خمس به دو بخش: سهم سادات و سهم امام

در تصرفات فقیر شرط ففاهت ولایت است نه ولادت

أخذ سهمین به اجازه مجتهد

نیابت أخذ خمس کسی که به اداء خمس می‌کند



(مسئله ۲۷۶۷) اگر مجتهد جامع الشرائط به سید فقیر، اجازه دهد می‌تواند از سهم سادات قبول کند، و آن را در بنای مدارس علوم اسلامی و مساجد و حسینیه‌ها و بیمارستانها و در مانگاه‌ها و خانه‌ها و حمام و دکان و مانند اینها صرف کند و آنها را وقف خاص سادات یا عام نماید، و همچنین در نشر معارف قرآن کریم و ترویج ولایت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام صرف نماید.

(مسئله ۲۷۶۸) سیدی که خانه ندارد با اجازه مجتهد جامع الشرائط می‌توان به عنوان سهم سادات، خانه برای او خرید، و به سید فقیر می‌توان، خمس داد تا استطاعت پیدا کند و حج بجا آورد، و کفایت از حج واجب می‌کند.

(مسئله ۲۷۶۹) به سیدی که در سفر مانده اگر سفر او سفر معصیت باشد یا خودش در معصیت باشد بنا بر احتیاط واجب نباید خمس بدهند، مگر اینکه توبه کرده باشد.

(مسئله ۲۷۷۰) به سیدی که عادل نیست می‌شود خمس داد، ولی به سیدی که دوازده امامی نیست یا در امر امامت یا در امر ولایت و ولایت اهل بیت وحی معصومین علیهم صلوات الله کجروی دارد نباید خمس بدهند.

(مسئله ۲۷۷۱) به سیدی که معصیت کار و ظاهر الفسق است، اگر خمس دادن کمک بمعصیت و فسق او باشد نمی‌شود خمس داد، و به سیدی هم که نماز نمی‌خواند یا روزه نمی‌گیرد، یا شراب می‌خورد، و یا آشکارا معصیت می‌کند، اگر چه دادن خمس کمک به معصیت او نباشد، بنابر احتیاط واجب نباید خمس بدهند.

(مسئله ۲۷۷۲) اگر سیدی زنا کرده، و فرزندی از او بدنیا آمده، دادن خمس به این فرزند اگر معصیت کار نباشد اشکال ندارد.

(مسئله ۲۷۷۳) خمس دادن به سیدی که معتاد بتریاک یا سیگار و مانند اینها باشد که ترک آن برای او مشکل و قابل تحمل نباشد اشکال ندارد ولی چنانچه دادن خمس، باعث اعتیاد شود دادن خمس به او خالی از اشکال نیست.

قبول سهم سادات و صرف آنرا در مصالح عام و خاص

برای خرید خانه یا استطاعت حج

سیدی که در سفر معصیت مانده

دادن خمس به سید غیر دوازده امامی و کج اندیش

سید نمی‌توان خمس، داد مواردی که به

سید زنا زاده خمس به

خمس به سید معتاد

لزوم احراز  
سیادت مستحق

(مسئله ۲۷۷۴) اگر کسی بگوید: «سیدم» نمی‌شود به او خمس داد، مگر آنکه دونفر عادل، سید بودن او را تصدیق کنند، یا در بین مردم بطوری معروف باشد که انسان یقین یا اطمینان پیدا کند که سید است.

سید مشهور  
در شهر خود  
زوجه اش سیده است

(مسئله ۲۷۷۵) به کسی که در شهر خودش مشهور باشد، که سید است، اگرچه انسان به سید بودن او یقین نداشته باشد، می‌شود خمس داد.

دادن خمس به سیده  
ای که واجب النفقه و  
غیر زوجه

(مسئله ۲۷۷۶) کسی که زنش سیده است می‌تواند به او خمس بدهد که به مصرف مخارج خودش برساند، و همچنین اگر مخارج دیگران بر آن زن واجب باشد و نتواند مخارج آنها را بدهد، جایز است انسان خمس را به آن زن بدهد که به مصرف آنان برساند، و نیز دادن خمس به او که در نفقات غیر واجبه اش صرف نماید.

مشارکت غیر سید  
با سید در مصرف  
خانوادگی

(مسئله ۲۷۷۷) اگر مخارج سیده ای که زوجه انسان نیست بر انسان واجب باشد، می‌تواند از خمس، خوراک و پوشاک او را به دهد یا آنکه ملک او کند که به مصرف مخارج خودش برساند و همچنین اگر مقداری خمس، ملک او کند که به مصرف دیگری - غیر مخارج خودش که بر خمس دهنده واجب است - برساند اشکال ندارد.

(مسئله ۲۷۷۸) اگر به بچه‌های سید، خمس داده شود مادر آنها که غیر سیده و سرپرست آنها است می‌تواند در مصرف نمودن سهم سادات با فرزندان شرکت نماید، و بابت حق الزحمه خود، محسوب دارد.

استفاده زوج غیر  
سید از خمس زن  
سیده اش

(مسئله ۲۷۷۹) شوهر غیر سید اگر قادر به ادای نفقه زنش که سیده است نباشد می‌توان به زن سیده خمس داد که در نفقه، خرج کند، و شوهر هم می‌تواند از آنچه که زن سیده در نفقه خرج می‌کند استفاده کند، و همچنین مادر علویه می‌تواند از بابت خمس بگیرد، و به فرزندان که غیر سید هستند و محتاج می‌باشند به مقدار تکمیل معاش آنها بدهد.

تهیه جهیزه و عروسی  
سادات از خمس

(مسئله ۲۷۸۰) با اجازه مجتهد جامع الشرائط، جایز است از سهم سادات برای تهیه جهیزه و مخارج عروسی دختر و پسر سید داده شود اگرچه پدر آنها توان مالی داشته باشد، و مخارجشان به عهده او باشد.

(مسئله ۲۷۸۱) کسی که از سیدی، طلبکار باشد وسید فوت کند اگر ورثه سید، سید باشند، طلبکار می‌تواند با اجازه مجتهد جامع الشرايط با ورثه او حساب کند و یا به مقدار طلب خود از ترکه میت بگیرد، و بعد به عنوان خمس به وارث سید او بدهد.

(مسئله ۲۷۸۲) اگر کسی از بابت سهم سادات، چیزی به سیدی بدهد در صورتی که دهنده سهم سادات در وقت اداء واقعاً قصد قربت در ادای آن نموده باشد به طوری که در نظر ندارد که گیرنده سهم سادات به او رد کند، در این صورت ادای تکلیف نموده است، و گیرنده سهم سادات هم میتواند چیزی که گرفته است به مقدار شأن خود به دهنده آن ببخشد.

(مسئله ۲۷۸۳) به سید فقیری که مخارجش بر دیگری واجب است، و او نمی‌تواند به مخارج آن سید را بدهد، یا دارد و نمی‌دهد، می‌شود خمس داد.

(مسئله ۲۷۸۴) با بودن سادات فقیر، بهتر آنستکه سید فقیر، بیشتر از مخارج یکسال، خمس نگیرد و در غیر اینصورت اشکال ندارد.

(مسئله ۲۷۸۵) اگر در شهر انسان، سید مستحق نباشد و احتمال هم ندهد که پیدا شود، یا نگهداری خمس تا پیدا شدن مستحق، ممکن نباشد باید خمس را به شهر دیگر ببرد، و به مستحق برساند، و می‌تواند مخارج بردن آن را از خمس بردارد، و اگر خمس از بین برود، چنانچه در نگهداری آن کوتاهی کرده، باید عوض آن را بدهد و اگر بر او کوتاهی نکرده، چیزی بر او واجب نیست.

(مسئله ۲۷۸۶) هر گاه در شهر خودش مستحق نباشد ولی احتمال دهد که پیدا شود اگر چه نگهداری خمس تا پیدا شدن مستحق، ممکن باشد، می‌تواند خمس را به شهر دیگر ببرد، و چنانچه در نگهداری آن کوتاهی نکند و تلف شود، نباید چیزی بدهد ولی نمی‌تواند مخارج بردن آن را از خمس بردارد.

(مسئله ۲۷۸۷) اگر در شهر خودش مستحق پیدا شود، باز هم می‌تواند خمس را به شهر دیگر ببرد و به مستحق برساند، ولی مخارج بردن آن را باید از خودش بدهد و در صورتی که خمس از بین برود، اگر چه در نگهداری آن کوتاهی نکرده باشد ضامن است.

طلبی که از سید یا ترکه او دارند

حساب خمس از سهم سادات را به دهنده آن

بخشش گیرنده سیدی که واجب النفقه دیگری است دادن خمس به

مخارج بیش از گرفتن خمس

حمل خمس به شهر دیگر با وجود سید مستحق در شهر



(مسئله ۲۷۸۸) اگر با اذن مجتهد جامع الشرائط، خمس را به شهر دیگر ببرد و در حفظ آن کوتاهی نکرده باشد، و از بین برود لازم نیست دوباره خمس بدهد، و همچنین است که اگر به کسی بدهد که از طرف مجتهد جامع الشرائط وکیل بوده که خمس را بگیرد و از آن شهر به شهر دیگر ببرد.

(مسئله ۲۷۸۹) اگر خمس را از مال خود ندهد، و از جنس دیگر بدهد، باید به قیمت واقعی آن جنس حساب کند، و چنانچه گرانتز از آن قیمت حساب کند، اگر چه مستحق به آن قیمت راضی شده باشد، باید مقداری را که زیاد حساب کرده بدهد.

(مسئله ۲۷۹۰) کسی که از مستحق، طلبکار است و می‌خواهد طلب خود را بابت خمس، حساب کند بنابر احتیاط مستحب، خمس را به او بدهد، و بعد مستحق، بابت بدهی خود به او برگرداند، و می‌تواند با اجازه مجتهد جامع الشرائط، ذمه بدهکار را بدون این کار بابت خمس بری نماید.

(مسئله ۲۷۹۱) سید مستحق نمی‌تواند خمس را بگیرد و بمالک ببخشد، ولی کسی که به مقدار زیادی خمس بدهکار است و فقیر شده و می‌خواهد مدیون اهل خمس نباشد، اگر مستحق راضی شود که خمس را از او بگیرد و به او ببخشد اشکال ندارد.

جنس مال دیگر  
دادن خمس از

از بابت خمس  
برای ذمه سید مدیون

بخشیدن سید مستحق  
خمس را به مدیون آن

## ۷- احکام أنفال

خداوند منان می‌فرماید: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ» (أنفال: ۱)  
(مسئله ۲۷۹۲) أنفال یعنی اموال عمومی که در زمان غیبت حضرت ولی عصر  
عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرجه الشریف باید با إذن مجتهد جامع الشرايط به نفع عموم مؤمنین از  
آنها استفاده شود که عبارت است از:

- ۱- زمین‌های موات و زمین‌هایی که صاحبانش از آنها إعراض و آنها را رها کرده اند.
- ۲- کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، و نیزارهای طبیعی.
- ۳- دریاها، ساحل دریاها، و رودخانه‌های بزرگ.
- ۴- معادن
- ۵- اموال برجسته و پر ارزش از غنائم جنگی که متعلق به پادشاهان بوده است.
- ۶- غنائم جنگی در صورتی که جنگ بدون إذن امام معصوم علیه السلام انجام شود.
- ۷- زمینی که از کفار، بدون جنگ در اختیار مسلمین قرار گیرد
- ۸- مال کسی که می‌میرد و وارث ندارد، و تفصیل اینها در کتاب‌های فقهی بیان شده است.

## ۸- احکام زکوة

خداوند متعال می‌فرماید : «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (التوبة: ۶۰)

اهمیت زکوة

زکوة چهارمین فرع از فروع، و اصل و جوب زکوة از ضروریات دین مبین اسلام است که انکار آن موجب کفر می‌باشد، و مقدار زکوة نسبت به اموالی که زکوة به آنها تعلق می‌گیرد مختلف است که بیان می‌شود:

## ۲۸۵- چیزهایی که زکوة به آنها تعلق می‌گیرد

موارد و جوب و زکوة

(مسئله ۲۷۹۳) زکوة در نه چیز واجب است : اول : گندم دوم : جو سوم : خرما چهارم : کشمش پنجم : طلا ششم : نقره هفتم : شتر هشتم : گاو نهم : گوسفند

اگر کسی مالک یکی از این نه چیز باشد، با شرایطی که بعداً گفته می‌شود باید مقداری را که معین شده به یکی از مصرف‌هایی که دستور داده اند به قصد زکوة، قربۀ الی الله تعالی برساند.

سُلت و غَلَس از ملحقات جو و گندم

(مسئله ۲۷۹۴) سُلت که دانه است بنرمی گندم و خاصیت جو دارد، و غَلَس که مثل گندم است، و خوراک مردم صنعا می‌باشد در صورتی که به آنها گندم و جو بگویند، بنابر احتیاط واجب، باید زکوتشان داده شود.



### ۲۸۶- شرایط واجب شدن زکوة

(مسئله ۲۷۹۵) زکوة در نه چیزی که گفته شده در صورتی واجب می شود که مال به مقدار نصاب که بعداً گفته می شود برسد و مالک آن، بالغ و عاقل و آزاد باشد، و بتواند در آن مال، تصرف کند.

(مسئله ۲۷۹۶) اگر انسان یازده ماه مالک گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره باشد، اول ماه دوازدهم باید زکوة آن را بدهد، ولی اول سال بعد را باید بعد از تمام شدن ماه دوازدهم حساب کند، و از اول ماه دوازدهم نمی تواند طوری در مال تصرف کند که مال از بین برود، و اگر تصرف کند ضامن است.

(مسئله ۲۷۹۷) اگر مالک گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره در بین سال، بالغ شود، باید اول سال را اول بالغ شدن خود قرار دهد، مثلاً بچه ای که در اول ماه مبارک رمضان، مالک چهل گوسفند شود و بعد از گذشتن دو ماه بالغ گردد یازده ماه که از اول رمضان بگذرد، زکوة بر او واجب نیست، بلکه بعد از گذشتن یازده ماه از بلوغ، زکوة بر او واجب می شود.

(مسئله ۲۷۹۸) بنابر احتیاط واجب، وقت واجب شدن زکوة گندم و جو، وقت دانه بستن آنها است، و زکوة کشمش و مویز نیز بنابر احتیاط وقتی واجب می شود که غوره است، و موقعی هم که رنگ خرما زرد یا سرخ شود، بنابر احتیاط زکوة آن واجب می شود، ولی وقت دادن زکوة در گندم و جو، موقع خرمن و جدا کردن کاه آنها، و در خرما و کشمش موقعی است که انگور، کشمش و رطب، تمر شده باشد.

(مسئله ۲۷۹۹) اگر کسی انگور را به درخت قبل از کشمش و مویز شدن یا خرما را به درخت قبل از خشک شدن بخرد، و به حد نصاب باشد، بنابر احتیاط زکوة آن را بدهد.

(مسئله ۲۸۰۰) اگر موقع جدا شدن زکوة گندم و جو و کشمش و خرما که در

مسئله (۲۷۹۸) بیان شد، صاحب آنها بالغ باشد، باید زکوة آنها را بدهد.

شرایط وجوب زکوة

وقت اداء زکوة

وقت وجوب زکوة

عدم وجوب  
زکوة بر دیوانه

(مسئله ۲۸۰۱) اگر صاحب گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره در تمام سال دیوانه باشد، زکوة بر او واجب نیست، ولی اگر در مقداری از سال دیوانه باشد و در آخر سال عاقل گردد، بنابر احتیاط مستحب زکوة را بدهد.

وجوب زکوة بر  
مست و بیهوش

(مسئله ۲۸۰۲) اگر صاحب گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره در مقداری از سال مست یا بیهوش شود زکوة از او ساقط نمی شود، و همچنین است اگر موقع واجب شدن زکوة گندم و جو و خرما و کشمش مست یا بیهوش باشد.

زکوة مال  
مغضوب

(مسئله ۲۸۰۳) مالی را که از انسان غصب کرده اند و نمی تواند در آن تصرف کند زکوة ندارد، ولی اگر زراعتی را از او غصب کنند و موقعی که زکوة آن واجب می شود در دست غصب کننده باشد، هر وقت به صاحبش برگشت، احتیاط واجب آن است که زکوة آن را بدهد.

زکوة مال  
فرضی

(مسئله ۲۸۰۴) اگر طلا و نقره یا چیز دیگری را که زکوة آن واجب است قرض کند و یکسال نزد او بماند، باید زکوة آن را بدهد، و بر کسی که قرض داده چیزی واجب نیست.

### ۱ و ۴ / ۲۷۸ - حد نصاب گندم و جو و خرما و کشمش و زکوة آنها

نصاب گندم و جو  
خرما و کشمش

(مسئله ۲۸۰۵) زکوة گندم و جو و خرما و کشمش وقتی واجب می شود که به مقدار نصاب برسند، و نصاب آنها (۲۸۸) من تبریز (۴۵) مثقال کم است که تقریباً (۸۴۷/۲۰۷) کیلوگرم می شود.

اخلط جو و گندم

(مسئله ۲۸۰۶) میزان در نصاب گندم و جو آن است که: هر یک از آنها به حد نصاب برسد، پس اگر مجموع آن دو به مقدار نصاب باشد چه جداگانه کشت شوند یا مخلوط به هم، زکوة واجب نیست، چنانچه در بعضی از مناطق رسم است گندم و جو را درهم می کارند، و آن را خلطک می گویند که نه گندم بر آن صدق می کند و نه جو، بنابراین اگر پس از چیدن، از هم جدا شوند، و هیچ کدام به حد نصاب نرسد، زکوة واجب نیست، اگرچه مجموع آن دو به حد نصاب برسد یا بیشتر باشد.

غنی در وجوب  
عدم شرطیت  
زکوة:

(مسئله ۲۸۰۷) در وجوب زکوة غنی شرط نیست، پس کسی که مؤونة سالش را ندارد اگر یکی از غلات اربعه را که به حد نصاب رسیده داشته باشد باید زکوة آن را اداء کند، و اگر فقیر باشد، دیگری می تواند به او زکوة بدهد.

خود و حیوانات  
کاشت جو برای

(مسئله ۲۸۰۸) کسی که جو را به قصد استفاده حیوانات کاشته، پس از برداشت، مقداری از آن را برای خوراکی خود و عائله اش، و بقیه را برای حیوانات خود قرار دهد، چنانچه مجموع آنها به حد نصاب برسد باید زکوة بدهد.

استثناء مصرف

(مسئله ۲۸۰۹) اگر بعد از وجوب زکوة غلات اربعه تاپیش از دادن زکوة آنها از انگور و خرما غوره آنها و از جو و گندم بیشتر از مقدار متعارف، خود و عیالاتش مصرف کنند، و یا بیشتر از مقدار متعارف به فقیر بدهد باید زکوة مقداری را که اضافی مصرف کرده بدهد ولی در مقدار متعارف لازم نیست.

زراعت به مزارعه یا اجاره یا  
تبار:

(مسئله ۲۸۱۰) اگر املاک زن در دست شوهر، یا املاک مادر در دست فرزند باشد، و با املاک خود مخلوط و زراعت می کنند، و زن یا مادر دخالتی در املاک خود نداشته باشند، چنانچه زراعت به نحو مزارعه باشد، سهم هر یک از مالک و زارع باید جداگانه به حد نصاب برسد، ولی اگر املاک به نحو اجاره و یا مجاناً در اختیار شوهر یا فرزند باشد به طوری که زن یا مادر سهمی در زراعت نباشند، چون همه زراعت، ملک شوهر، و یا فرزند است که اگر مجموع به حد نصاب برسد زکوة آنها واجب است.

از مخارج آنها  
زکوة غلات پس

(مسئله ۲۸۱۱) هر کدام از غلات اربعه که به حد نصاب برسد بعد از مخارج، باید زکوة تمام آن را بدهد.

نصاب کم شدن از حد  
بر اثر بخشش

(مسئله ۲۸۱۲) کسی که زمین خود را به عنوان مزارعه به کسی داده، پس از کسر مخارج، سهم هر یک به حد نصاب رسیده است، چنانچه صاحب ملک، پیش از تعلق زکوة، نصف از سهم خود را مثلاً به پسرش بخشیده باشد که در نتیجه سهم هر یک از پدر و پسر کمتر از حد نصاب باشد زکوة ندارد.

زراعت در زمین  
غصبی

(مسئله ۲۸۱۳) کسی که زمینی را غصب کند و در آن زراعت کند، چنانچه مالک پس از آن به مزارعه راضی شود، زراعت مال مالک است و زکوة بر او واجب است و اگر راضی نشود، مال زارع است و زکوة بر او واجب است.



فوت مالک پس از وجوب زکوة	(مسئله ۲۸۱۴) اگر بعد از آن که زکوة گندم و جو و خرما و انگور واجب شد مالک آن بمیرد، باید مقدار زکوة را از مال او بدهند، ولی اگر پیش از واجب شدن زکوة بمیرد، هر یک از ورثه که سهم او به اندازه نصاب است، باید زکوة سهم خود را بدهد.
وقت مطالبه زکوة	(مسئله ۲۸۱۵) کسی که از طرف مجتهد جامع الشرائط مأمور جمع آوری زکوة است، موقع خرمن که گندم و جو را از کاه جدا می کنند و بعد از کشمش شدن انگور و تمر شدن رطب می تواند زکوة را مطالبه کند، و اگر مالک ندهد، و چیزی که زکوة آن واجب شده از بین برود باید عوض آن را بدهد.
وجوب زکوة در ملک جدید	(مسئله ۲۸۱۶) اگر بعد از مالک شدن درخت خرما و انگور یا زراعت گندم و جو زکوة آنها واجب شود، مثلاً خرما در ملک او زرد یا سرخ شود، باید زکوة آن را بدهد.
فروش زراعت و درخت بعد	(مسئله ۲۸۱۷) اگر بعد از آن که زکوة گندم و جو و خرما و انگور واجب شد، زراعت و درخت را بفروشد، باید زکوة آنها را بدهد.
فروش عالی که زکاتش داده نشده	(مسئله ۲۸۱۸) اگر انسان گندم یا جو یا خرما یا انگور را بخرد و بداند که فروشنده زکوة آن را داده یا شک کند که داده یا نه، چیزی براو واجب نیست، و اگر بداند که زکوة آن را نداده، چنانچه مجتهد جامع الشرائط معامله مقداری را که باید از بابت زکوة داده شود، اجازه ندهد، معامله آن مقدار باطل است، و مجتهد جامع الشرائط می تواند مقدار زکوة را از خریدار بگیرد و اگر معامله مقدار زکوة را اجازه دهد، معامله صحیح است، و خریدار باید قیمت آن مقدار را به مجتهد جامع الشرائط بدهد، و در صورتی که قیمت آن مقدار را به فروشنده داده باشد، می تواند از او پس بگیرد و همچنین صحیح است، اگر بعد از معامله خود فروشنده زکوة آن را بدهد.
کم شدن وزن از حد نصاب بعد از خشک	(مسئله ۲۸۱۹) اگر وزن گندم و جو و خرما و کشمش موقعی که تر است به حد نصاب برسد، و بعد از خشک شدن کمتر از آن شود، زکوة آن واجب نیست.
	(مسئله ۲۸۲۰) اگر گندم و جو و خرما و کشمش را پیش از خشک شدن مصرف کند، چنانچه خشک آنها به اندازه نصاب باشد، باید زکوة آنها را بدهد.
انواع خرما	(مسئله ۲۸۲۱) خرما بر سه قسم است : ۱- خرمایی که آن را خشک می کنند، چنانچه به حد نصاب برسد باید زکاتش را بدهند. ۲- خرمایی که در حال رطب بودن

و تازه آن را می‌خورند، و اگر بماند خیلی کم می‌شود یا بعد از خشک شدن به آن خرما نمی‌گویند، چنانچه مقداری باشد که خشک آن به حد نصاب برسد، احتیاط آن است که زکوة آن را بدهند. ۳- خرمايي که نارس (خلال) آن را می‌خورند، و آن زکوة ندارد. (مسئله ۲۸۲۲) گندم و جو و خرما و کشمشي که زکوة آنها را داده، اگر چند سال هم نزد او بماند زکوة ندارد، و هر نوع از انگور که خشک آن به حد نصاب برسد بنابر احتیاط، زکوة دارد اگر چه قابل کشمش شدن نباشد.

عدم زکوة مجدد

## ۲۸۸- احکام آبیاری غلات

(مسئله ۲۸۲۳) اگر گندم و جو و خرما و انگور از آب باران یا نهر یا قنات یا سد یا به واسطه فوران چاه عمیق بدون موتور و پمپ، آبیاری شود، یا مثل زراعت‌های مصر از رطوبت زمین استفاده کند، زکوة آن ده یک است، و اگر بادلو از چاه یا نهر، و یا به وسیله موتور و پمپ از چاه عمیق و نیمه عمیق و مانند اینها که در این زمان متداول است آبیاری شود زکوة آن بیست یک است، ولی چنانچه مقداری از باران، یا نهر یا رطوبت زمین استفاده کند، و به همان مقدار از آبیاری با دلو و مانند آن استفاده نماید، زکوة نصف آن ده یک و نصف دیگر آن بیست یک است یعنی از چهل قسمت، سه قسمت آن را باید بابت زکوة بدهند.

مقدار زکوة واجب به حسب نوع آبیاری

(مسئله ۲۸۲۴) اگر هر یک از این غلات اربعه، هم از آب باران یا نهر و مانند اینها آبیاری شود، و هم از دلو و مانند آن، چنانچه طوری باشد که عرفاً بگویند: «آبیاری با دلو و مانند آن شده»، زکوة آن بیست یک است، و اگر بگویند: «آبیاری با آب باران و مانند آن شده» زکوة آن ده یک است، و چنانچه آبیاری با دلو غلبه داشته، ولی چنان نباشد که عرفاً بگویند: «با دلو آبیاری شده» باید ملاحظه نسبت کنند، و احتیاط آن است که در نصف ده یک، و در نصف دیگر بیست یک زکوة بدهند.

اثر اختلاف در مقدار زکوة بر اختلاف در انواع آبیاری

(مسئله ۲۸۲۵) اگر در صدق عرفی شک کند که آبیاری با آب باران و مانند آن، و آب دلو و مانند آن به یک اندازه بوده یا یکی از آن دو بر دیگری غلبه داشته، می‌تواند از نصف آن ده یک و از نصف دیگر آن بیست یک بدهد.

شک در نوع آبیاری

اختلاف در انواع آبیاری

(مسئله ۲۸۲۶) اگر غلات اربعه با آب باران و مانند آن آبیاری شود و به آب دلو و مانند آن محتاج نباشد، ولی با آب دلو هم آبیاری شود و آب دلو، تأثیری در زیاد شدن محصول آن نداشته باشد، زکوة آن یک ده است، و اگر با دلو هم آبیاری شود و به آب باران و مانند آن محتاج نباشد ولی با آب باران و مانند آن هم آبیاری شود و آنها تأثیری در زیاد شدن محصول نداشته باشند زکوة آن بیست یک است .

آبیاری در مجاورت

(مسئله ۲۸۲۷) اگر زراعتی را با دلو و مانند آن آبیاری کنند، و در زمینی که کنار و هم مرز با آن است زراعتی کنند که از رطوبت آن زمین استفاده نماید و محتاج به آبیاری نشود، زکوة زراعتی که با دلو آبیاری شده بیست یک، و زکوة زراعتی که مجاور آن است ده یک می باشد.

### ۲۸۹- مخارج غلات و بذر

کسر مخارج زراعت

(مسئله ۲۸۲۸) مخارجی را که برای گندم و جو و خرما و انگور کرده و معمول است که آن مخارج را از خود زراعت می دهند حتی مقداری از قیمت اُساب و لباس را که به واسطه کار زراعت کم شده می توانند از حاصل کسر کنند، و چنانچه باقی مانده آن به حد نصاب برسد، باید زکوة آن را بدهند، و آنچه معمول نیست از خرمن بدهند بنابر احتیاط لازم جزء نصاب حساب نمایند لکن زکوة آن واجب نیست.

هزینه تأسیسات آب و بذر خریدن یا اجاره آب و بذر

(مسئله ۲۸۲۹) زدن چاه عمیق یا نیمه عمیق، یا خریدن خود چاه یا کندن چاه و ایجاد نهر یا قنات یا سد یا استخر یا نصب تلمبه، یا خریدن موتور و پمپ آب از مؤونه زراعت محسوب نمی شود، ولی اگر زارع آب چاه یا قنات را از مالش بخرد یا اجاره کند یا تلمبه یا موتور یا پمپ آب را اجاره نماید و در زمینهای خود زراعت کند، چنانچه زراعت به حد نصاب برسد باید بیست یک آن را زکوة بدهد، ولی پول آب و همچنین استهلاک موتور و تلمبه و پمپ جزء مؤونه محسوب می شود و باید کسر شود .



(مسئله ۲۸۳۰) أجرة ميراب و أجرة درو کردن و کوبیدن و پاک نمودن و همچنین کود و مانند اینها و مخارجی که در عرض سال هزینه می‌شود، چه از عین غلات اریعه بدهند یا پول، بعد از کسر آنها اگر به حد نصاب رسید، زکوة تعلق می‌گیرد، و اگر به حد نصاب نرسد زکوة ندارد، و مخارج باید نسبت به مال زکوی و کاه و زراعات دیگر تقسیم شود.

(مسئله ۲۸۳۱) کسی که ملکی را برای کشت غلات اجاره کرده و بذر و مخارج دیگر را خودش می‌دهد باید مال الاجاره را کسر کند و زکوة مابقی را اگر به حد نصاب رسیده بدهد، ولی اگر چند نوع زراعت در این ملک داشته باشد باید مال الاجاره را بر تمام آنها حتی نسبت به کاه تقسیم نماید.

(مسئله ۲۸۳۲) کسی که عوض اجرت کارش به قدری گندم یا جو یا خرما یا کشمش بدست آورد که به حد نصاب بود زکوة به آن تعلق نمی‌گیرد.

(مسئله ۲۸۳۳) بذری که به مصرف زراعت رسانده اگر از خودش باشد به مقدار وزن آن می‌تواند از حاصل کسر کند، و چنانچه خریده باشد می‌تواند قیمتی را که برای خرید آن داده، جزء مخارج حساب کند، و می‌تواند قیمت زمان کاشت را حساب کند.

(مسئله ۲۸۳۴) بذری که سال قبل، زکوة آن داده شده اگر بخواهند آن را در سالهای بعد، کشت کنند از مخارج زراعت محسوب می‌شود و دوباره زکوة ندارد، ولی اگر بذر از گندمی که به حد نصاب رسیده و زکوة آن را نداده اند تهیه شود، و یا خمس به آن تعلق گرفته و اداء نشده است فقراء در گندم آن بذر شریک هستند، ولی اگر خمس و زکوة بذر را بپردازند بعید نیست کافی باشد.

(مسئله ۲۸۳۵) خراجی که دولت حصه ای از حاصل زمین خراجیه می‌گیرد که آن را مقاسمه می‌گویند می‌تواند از حاصل کسر نماید، و نیز آنچه را ظالم از عین مال بگیرد که مالک نمی‌تواند او را منع نماید زکوة آن مقدار واجب نیست.

(مسئله ۲۸۳۶) اگر زمین و وسایل زراعت یا یکی از این دو ملک خود زارع باشد نباید کرایه آن را جزء مخارج، حساب کند، و نیز برای کارهایی که خودش کرده یا دیگری بی‌اجرت انجام داده، چیزی از حاصل کسر نمی‌شود.

هزینه‌های کارهای زراعی

کسر مال الاجاره

اجرت کار گرفته شود غلاتی که به عنوان

بذر یا قیمت آن جزء مخارج

بذر زکوة و خمس داده شده و داده نشده

کسر خراج و مظلمه

کرایه زمین و کارها

## ۲۹۰ - حکم زراعت شرکت زراعی و ملک ثلث و وقف

معامله بر عین مال زکوی

(مسئله ۲۸۳۷) گندم و آردی که شرکت زراعی در معرض فروش قرار می دهد، اگر انسان علم به تعلق زکوة به عین گندم مورد ابتلاء داشته باشد، معامله نسبت به مقدار زکوة فضولی است و خریدار، مالک آن مقدار، و فروشنده هم، مالک پول آن نمی شود، و اگر فروشنده، زکوة آن را ندهد واجب است خریدار با اذن مجتهد جامع الشرائط زکوة آن را بدهد، و همچنین اگر دولت، شریک در سهام باشد باید از مجتهد جامع الشرائط اجازه در تصرف آن را گرفت.

زراعت در ملک ثلثی یا وقفی

(مسئله ۲۸۳۸) کسی که در ملک ثلث یا وقفی، زراعت کند، و محصول غلات اربعه آن به حد نصاب برسد اگر ملک ثلث یا وقف برای جهتی از جهات عامه باشد، و برای همان جهت که در ثلث یا وقف معین شده کشت شود زکوة به آن تعلق نمی گیرد، ولی اگر وقف خاص باشد مثل وقف بر اولاد، چنانچه سهم هر یک به حد نصاب برسد زکوة آن واجب است، و همچنین اگر کسی آن ملک را اجاره کند و محصولات آن به حد نصاب برسد، مستأجر باید زکوة آن را بدهد.

مخارج شخم زدن

(مسئله ۲۸۳۹) اگر برای شخم زدن یا کار دیگری که تا چند سال برای زراعت فائده دارد خرجی کند، اگر زراعت سال اول به آن محتاج باشد می تواند آن را جزء مخارج سال اول حساب نماید یا بین چند سال تقسیم نماید.

## ۲۹۱ - چیزهایی که جزء مخارج محسوب نمی شود و

### چیزهایی که می شود

قیمت درخت خرما و انگور  
قیمت خرید خرما و انگور

(مسئله ۲۸۴۰) اگر کسی درخت انگور یا خرما را بخرد، قیمت آن جزء مخارج نیست، ولی اگر خرما یا انگور را پیش از چیدن و قبل از تعلق زکوة در مواردی که خریدن آن صحیح است بخرد، پولی را که برای آن داده، جزء مخارج حساب می شود.

(مسئله ۲۸۴۱) اگر زمینی را بخرد، و در آن زمین، گندم یا جو بکارد، پولی را که برای خرید زمین داده جزء مخارج حساب نمی‌شود، ولی اگر زراعت را پیش از تعلق زکوة بخرد پولی را که برای خرید آن داده می‌تواند جزء مخارج حساب نماید و از حاصل کم کند، ولی باید قیمت کاهی را که از آن بدست آورده، از پولی که برای خرید زراعت داده کسر نماید، یعنی باید مخارج را تقسیم کند، آنچه سهم گندم باشد از گندم کم کند، چنان که در مخارج زراعت همیشه باید این جهت ملاحظه شود، مثلاً اگر زراعتی را هزار تومان بخرد، و سهم کاه آن وقت خرید، صد تومان باشد، فقط نهصد تومان آن را می‌تواند، جزء مخارج حساب نماید.

(مسئله ۲۸۴۲) کسی که بدون گاو و سایل کشاورزی، و چیزهای دیگری که برای زراعت لازم است می‌تواند زراعت کند، اگر اینها را بخرد، نباید پولی را که برای خرید اینها داده جزء مخارج حساب نماید.

(مسئله ۲۴۴۳) کسی که بدون گاو و وسایل کشاورزی که برای زراعت لازم است نمی‌تواند زراعت کند، اگر آنها را بخرد، و به واسطه زراعت به کلی از بین برود، می‌تواند تمام قیمت آنها را جزء مخارج حساب نماید، و اگر مقداری از قیمت آنها کم شود، می‌تواند آن مقدار را جزء مخارج حساب کند، ولی اگر بعد از زراعت چیزی از قیمتشان کم نشود نباید چیزی از قیمت آنها را جزء مخارج حساب نماید، و اگر وسایل و اسبابی را خریده و کار کرده و مقداری مستهلك شده ولی به جهت تورم قیمت امروز، دست دوم امروز از قیمت دست اول آن روز بیشتر شده می‌تواند مقدار استهلاك را حساب کند.

## ۲۹۲- اختلاف محصولات زکوی و غیر زکوی و اوقات محصول

(مسئله ۲۸۴۴) اگر در یک زمین، جو و گندم و چیزی مثل برنج و لوبیا و مانند آنها که زکوة آن واجب نیست بکارد، چنانچه بر حسب معمول، استفاده از هر دو جنس در موقع کشت، منظور باشد مخارج به نسبت مداخل تقسیم می‌شود، و اگر فایده یکی از آنها به قدری کم باشد که در موقع کشت، منظور نباشد مخارج از چیزی محسوب



می‌شود که منظور باشد، ولی اگر برای یکی از آنها خرج کرده فقط پای همان حساب می‌شود.

(مسئله ۲۸۴۵) اگر انسان در چند شهر که فصل آنها با یکدیگر فرق دارد و زراعت و میوه آنها در یک وقت بدست نمی‌آید گندم یا جو یا خرما یا انگور داشته باشد، و همه آنها محصول یک سال حساب شود، چنانچه چیزی که اول می‌رسد به اندازه نصاب باشد باید زکوة آن را موقعی که می‌رسد بدهد و زکوة بقیه را هر وقت بدست می‌آید اداء نماید، و اگر آنچه اول می‌رسد به اندازه نصاب نباشد، در صورتی که یقین دارد با آنچه بعداً بدست می‌آید به اندازه نصاب می‌شود، باز هم بعد از تعلق زکوة به بقیه واجب است زکوة آنچه را که رسیده همان وقت و زکوة بقیه را موقعی که می‌رسد بدهد، و اگر یقین ندارد که همه آنها به اندازه نصاب شود، صبر می‌کند تا بقیه آن برسد، پس اگر روی هم به مقدار نصاب شود زکوة آن واجب است، و اگر به مقدار نصاب نشود زکوة آن واجب نیست.

(مسئله ۲۸۴۶) اگر درخت خرما یا انگور در یکسال دو مرتبه میوه دهد اگر در هر دو مرتبه به مقدار نصاب نباشد زکوة آن واجب نیست زیرا زراعت دو فصل مثل زراعت دو سال است.

### ۲۹۳- دادن زکوة به عین یا به مثل یا به قیمت

(مسئله ۲۸۴۷) کسی که مثلاً زکوة گندم بر او واجب است باید عین همان را که زکوة به آن تعلق گرفته بدهد و یا قیمت آن را بدهد، و نمی‌تواند عوض آن به همان مقدار از جو یا خرما یا کشمش بدهد، و چنانچه بخواهد به مقدار قیمت گندم از جو یا خرما یا کشمش بدهد باید با إذن مجتهد جامع الشرايط یا وکیل او باشد.

(مسئله ۲۸۴۸) اگر گندم و جو و خرما و کشمش که زکوة آنها واجب شده خوب و بد دارد، احتیاط واجب آن است که زکوة جنس خوب را از جنس خوب، و زکوة جنس بد را از جنس بد یا از جنس خوب بدهد، و نباید زکوة جنس خوب و بد همه را از جنس بد بدهد.

تبدیل در اداء  
به خشک و تر

(مسئله ۲۸۴۹) اگر مقداری خرما یا انگور تازه دارد که خشک آن به اندازه نصاب می‌شود، چنانچه به قصد زکوة از تازه آن به قدری به مستحق بدهد که اگر خشک شود به اندازه زکاتی باشد که بر او واجب است اشکال ندارد.

اداء به قیمت

(مسئله ۲۸۵۰) اگر زکوة خرما یا کشمش بر او واجب باشد نمی‌تواند زکوة آن را خرما یا انگور بدهد مگر خرما یا انگوری که از جمله همان خرما و کشمش باشد که زکوة به آن تعلق گرفته و نیز اگر زکوة خرما یا انگور بر او واجب باشد، نمی‌تواند زکوة آن را خرما یا کشمش بدهد مگر آن که خرما یا کشمش از جمله خرما و انگوری باشد که زکوة با آن تعلق گرفته و اگر یکی از اینها یا چیز دیگری را به قصد قیمت زکوة بدهد اشکال ندارد.

### ۲۹۴ - زنده یا مرده ای که زکوة بدهکار است

جهل به مقدار  
بدهی زکاتی

(مسئله ۲۸۵۱) کسی که گاهی زکوة مالش را می‌داده و گاهی هم نمی‌داده، و یقین به مقدار بدهی ندارد باید به اندازه ای که یقین پیدا کند که در ذمه او چیزی نمانده بپردازد.

اداء به قصد  
مافی الذمه

(مسئله ۲۸۵۲) اگر انسان، پولی را به فقیر بدهد به نیت اینکه: اگر زکوة بر ذمه اش هست زکوة و اگر مظالم هست، محسوب شود اشکال ندارد.

بدهکار زکوة  
فقیر شدن فرد

(مسئله ۲۸۵۳) کسی که زکوة غلات، بدهکار بوده و فقیر شده است، چنانچه واقعاً تمکن بر ادای آن ندارد می‌تواند با اذن مجتهد جامع الشرايط با مستحقین، دستگردان نماید که هر وقت تمکن پیدا کرده بپردازد.

تبع ذمه مالک  
اشتغال ذمه اجیر به

(مسئله ۲۸۵۴) کسی که می‌داند گندم یا جو یا خرما یا کشمش زکاتش داده نشده اگر به عنوان عامل فروش یا حمل، اجرت فروش یا کرایه حمل بگیرد ذمه او نیز ضامن زکوة آن می‌شود که اگر صاحب مال، زکوة آن را اداء کند، ذمه عامل یا حامل نیز بری می‌شود، و الا بر ذمه او نیز باقی می‌ماند.

تقدیم بدهی  
زکوة بر سایر قروض میت

(مسئله ۲۸۵۵) کسی که بدهکار است و مالی هم دارد که زکوة آن واجب شده اگر بمیرد، باید اول، تمام زکوة را از مالی که زکوة آن واجب شده بدهند، بعد قرض او را اداء نمایند.

(مسئله ۲۸۵۶) کسی که بدهکار است و گندم یا جو یا خرما یا انگور هم دارد که اگر بمیرد، و پیش از آنکه زکوة اینها واجب شود، ورثه قرض او را از مال دیگر بدهند هر کدام که سهمشان به حد نصاب برسد، باید زکوة بدهد، و اگر پیش از آنکه زکوة اینها واجب شود، قرض او را ندهند، برای طلبکار هم ضمانت دین را نکرده باشند بارضایت او چنانچه مال میت فقط به اندازه بدهی او باشد واجب نیست زکوة اینها را بدهند، و اگر مال میت، بیشتر از بدهی او باشد، در صورتی که بدهی او به قدری است که اگر بخواهند اداء نمایند، باید مقداری از گندم و جو و خرما و انگور را هم به طلبکار بدهند، آنچه را به طلبکار می دهند زکوة ندارد، و بقیه، مال ورثه است، و هر کدام آنان که سهمش به اندازه نصاب شود، باید زکوة آن را بدهد.

### ۵ / ۲۹۵ - نصاب طلا

(مسئله ۲۸۵۷) طلا دو نصاب دارد :

**نصاب اول :** آن بیست مثقال شرعی است که هر مثقال آن (۱۸) نخود است، پس وقتی که طلا به بیست مثقال شرعی که معادل (۱۵) مثقال معمولی است برسد، اگر شرایط دیگر را که بعداً گفته می شود داشته باشد، انسان باید چهل یک (۲/۵٪) دو و نیم درصد آن را که نه نخود می شود از بابت زکوة بدهد، و اگر به این مقدار نرسد، زکوة آن واجب نیست .

**نصاب دوم :** آن چهار مثقال شرعی است که معادل (۳) مثقال معمولی می باشد یعنی اگر (۳) مثقال بر پانزده مثقال اضافه شود، باید زکوة تمام (۱۸) مثقال را از قرار چهل یک (۲/۵٪) بدهد و اگر کمتر از (۳) مثقال اضافه شود، فقط باید زکوة (۱۵) مثقال را بدهد و زیادی آن زکوة ندارد، و همچنین است هر چه بالا رود، یعنی اگر (۳) مثقال اضافه شود، باید زکوة تمام آنها را بدهد، و اگر کمتر اضافه شود، مقداری که اضافه شده زکوة ندارد.

(مسئله ۲۸۵۸) طلای سکه دار که مقدار آن بیش از حد نصاب باشد، اگر چند سال زکوة آن داده نشود، به علاوه معصیت در تأخیر، هر قدر که تأخیر شده باید زکوة



آن را بدهد تا از حد نصاب ساقط شود، مثلاً اگر کسی چهل دینار طلای مسکوک به سکه رایج را سی سال نگهداشته و زکوة آن را نداده باید بیست دینار و (۳) دهم ( $۲۰\frac{۳}{۱۰}$ ) زکوة بدهد تا کمتر از حد نصاب، باقی بماند.

(مسئله ۲۸۵۹) اگر کسی از مال دیگر، زکوة طلا را بدهد، و عین طلا را نگه دارد، هر سال باید همان زکوة سال قبل را بپردازد.

### ۶ / ۲۹۶- نصاب نقره

(مسئله ۲۸۶۰) نقره نیز دو نصاب دارد :

نصاب اول : آن (۱۰۵) مثقال معمولی است که اگر نقره به (۱۰۵) مثقال برسد و شرایط دیگر را هم که بعداً گفته می شود داشته باشد، انسان باید چهل یک ( $۲۰\frac{۱}{۵}$ ) و نیم درصد آن را که (۲) مثقال و (۱۵) نخود است از بابت زکوة بدهد، و اگر به این مقدار نرسد، زکوة آن واجب نیست.

نصاب دوم: آن (۲۱) مثقال است. یعنی اگر (۲۱) مثقال به (۱۰۵) مثقال اضافه شود، باید زکوة تمام (۱۲۶) مثقال را بطوری که گفته شد بدهد و اگر کمتر از (۲۱) مثقال اضافه شود، فقط باید زکوة (۱۰۵) مثقال آن را بدهد و زیادی آن زکوة ندارد، و همچنین است هر چه بالا رود یعنی اگر (۲۱) مثقال اضافه شود باید زکوة تمام آنها را بدهد و اگر کمتر اضافه شود، مقداری که اضافه شده و کمتر از (۲۱) مثقال اضافه است زکوة ندارد، بنابر این اگر انسان چهل یک هر چه طلا و نقره دارد بدهد، زکاتی را که بر او واجب بوده داده و گاهی هم بیشتر از مقدار واجب داده است، مثلاً کسی که (۱۱۰) مثقال نقره دارد، اگر چهل یک آن را بدهد، زکوة (۱۰۵) مثقال آن را که واجب بوده داده و مقداری هم برای (۵) مثقال آن داده که واجب نبوده است.

(مسئله ۲۸۶۱) کسی که طلا یا نقره او به حد نصاب برسد، اگرچه زکوة آن را بدهد، تا وقتی که از نصاب اول کم نشود، همه ساله باید زکوة آن را بدهد، به خلاف خمسی که اگر برای مال یکبار خمس داده شود دوباره خمس به آن تعلق نمی گیرد، و همچنین غلات اربعه که یکبار بیشتر زکوة ندارد.

زکوة آن از مال دیگر  
نگهداری طلا و دینار

نقره :  
۶- نصاب

نصاب نقره  
مرحله اول

مرحله دوم نصاب  
نقره

تکرار زکوة  
طلا و نقره

شرط مسکوک  
و رایج بودن

(مسئله ۲۸۶۲) زکوة طلا و نقره در صورتی واجب می‌شود که آن را سکه زده باشند، و معامله با آن رایج باشد، و اگر سکه آن از بین رفته باشد باید زکوة آن را بدهد.

طلای زینت

(مسئله ۲۸۶۳) طلا و نقره سکه داری که زن برای زینت به کار می‌برد در صورتی که معامله با آن رایج باشد، مستحب است زکوة آن را بدهند، چنانچه حکم خمس آن در مسئله (۲۵۶۶) گذشت، و اگر معامله با آن رایج نباشد، اگرچه پول طلا و نقره به آن بگویند زکوة ندارد.

سکه بهار و  
اسکناس

(مسئله ۲۸۶۴) سکه بهار آزادی و مانند آن که نقد رایج بشمار نمی‌روند زکوة بر آن واجب نیست، و همچنین به اسکناسهای رایج زکوة تعلق نمی‌گیرد.

سکه‌های عتیقه

(مسئله ۲۸۶۵) پولهای طلا و نقره سکه داری که در زمانهای سابق رایج بوده و مانند اسکناسهای فعلی بکار می‌رفته، ولی اکنون در ردیف اجناس عتیقه قرار گرفته، اگر چه قیمت زیاد هم داشته باشند، ولی چون رایج نیست و با آنها مثل سکه‌های طلا و نقره زمان حاضر معامله نمی‌شود، بلکه آنها را مانند متاع خرید و فروش می‌کنند، زکوة به آنها تعلق نمی‌گیرد.

به اجتماع طلا و نقره  
کمتر از نصاب

(مسئله ۲۸۶۶) کسی که طلا و نقره دارد، اگر هیچ کدام آنها به اندازه نصاب اول نباشد، مثلاً (۱۰۴) مثقال نقره و (۱۴) مثقال طلا داشته باشد، زکوة بر او واجب نیست.

قبل از یازده ماه  
کمتر از نصاب

(مسئله ۲۸۶۷) همان طور که قبلاً بیان شد: زکوة طلا و نقره در صورتی واجب می‌شود که انسان یازده ماه مالک مقدار نصاب باشد، و اگر در بین یازده ماه، طلا و نقره او از نصاب اول کمتر شود زکوة بر او واجب نیست.

تغیض و تبدل  
قبل از یازده ماه

(مسئله ۲۸۶۸) اگر در بین یازده ماه، طلا و نقره ای را که دارد با طلا و نقره یا چیز دیگری عوض نماید یا آنها را آب کند، زکوة بر او واجب نیست، ولی اگر برای فرار از دادن زکوة این کارها را بکند احتیاط مستحب آن است که زکوة را بدهد.

۲- بعد از  
یازده ماه

(مسئله ۲۸۶۹) اگر در ماه دوازدهم پول طلا و نقره را آب کند، باید زکوة آنها را بدهد، و چنانچه به واسطه آب کردن، وزن یا قیمت آنها کم شود باید زکاتی را که پیش از آب کردن بر او واجب بوده بدهد.

اختلاف عیار

طلا و نقره مغشوش  
و مخلوط

زکوة به قدر یقین

۷- نصاب  
شتر

نصاب دوازده گانه شتر

(مسئله ۲۸۷۰) اگر طلا و نقره ای که دارد خوب و بد یا عیار کم و زیاد داشته باشد، می تواند زکوة آن خوب و بد یا عیار کم و زیاد را از خود آن بدهد، ولی بهتر است زکوة همه آنها را از طلا و نقره خوب بدهد.

(مسئله ۲۸۷۱) طلا و نقره ای که بیشتر از اندازه معمولی، فلز دیگر دارد، اگر خالص آن به اندازه نصاب برسد، انسان باید زکوة آن را بدهد، و چنانچه شک دارد که خالص آن به اندازه نصاب هست یا نه، بنابر احتیاط واجب باید به وسیله آب کردن یا از راه دیگر مقدار خالص آن را معلوم کند.

(مسئله ۲۸۷۲) اگر طلا و نقره ای که دارد به مقدار معمول، فلز دیگر به آن مخلوط باشد، نمی تواند زکوة آن را از طلا و نقره ای بدهد که بیشتر از معمول، فلز دیگر دارد، ولی اگر به قدری بدهد که یقین کند طلا و نقره خالصی که در آن هست، به اندازه زکاتی می باشد که بر او واجب است اشکال ندارد.

### ۷ / ۲۹۷ - نصاب شتر

(مسئله ۲۸۷۳) شتر دوازده نصاب دارد :

اول : پنج شتر و زکوة آن یک گوسفند است و تا شماره شتر به این مقدار نرسد زکوة ندارد .

دوم : ده شتر و زکوة آن دو گوسفند است .

سوم : پانزده شتر و زکوة آن (۳) گوسفند است .

چهارم : بیست شتر و زکوة آن چهار گوسفند است .

پنجم : بیست و پنج شتر و زکوة آن پنج گوسفند است .

ششم : بیست و شش شتر و زکوة آن یک شتر است که داخل سال دوم شده باشد.

هفتم : سی و شش شتر و زکوة آن یک شتر است که داخل سال سوم شده باشد.

هشتم : چهل و شش شتر و زکوة آن یک شتر است که داخل سال چهارم شده باشد.

نهم : شصت و یک شتر و زکوة آن یک شتر است که داخل سال پنجم شده باشد.

دهم : هفتاد و شش شتر و زکوة آن دو شتر است که داخل سال سوم شده باشد.



یازدهم: نود و یک شتر و زکوة آن دو شتر است که داخل سال چهارم شده باشد.  
دوازدهم: صد و بیست و یک شتر و بالاتر از آن است که باید، چهل تا، چهل تا حساب کند، و برای هر چهل تا یک شتری بدهد که داخل سال سوم شده باشد، یا پنجاه تا، پنجاه تا حساب کند، و برای هر پنجاه تا یک شتری بدهد که داخل سال چهارم شده باشد و یا با چهل و پنجاه حساب کند ولی در هر صورت، باید طوری حساب کند که چیزی باقی نماند، یا اگر چیزی باقی می ماند از نه تا بیشتر نباشد، مثلاً اگر کسی (۱۴۰) شتر دارد باید برای صد تا دو شتر که هر یک داخل سال چهارم شده و برای چهل تا یک شتر که داخل سال سوم شده بدهد.

(مسئله ۲۸۷۴) گوسفندی که برای زکوة شتر داده می شود لازم نیست نر یا ماده باشد، ولی شتر زکوة باید ماده باشد، و چنانچه ندارد می تواند نر بدهد، و اگر هیچ یک را به سنهاى ذکر شده ندارد باید بخرد و در خریدن نر یا ماده اختیار کند.

(مسئله ۲۸۷۵) زکوة مابین دو نصاب واجب نیست، پس اگر شماره شترهایی که دارد از نصاب اول که پنج است بگذرد تا به نصاب دوم که ده تا است نرسیده، فقط باید زکوة پنج تای آن را بدهد، و همچنین است در نصابهای بعد.

### ۸ / ۲۹۸ - نصاب گاو

(مسئله ۲۸۷۶) گاو دو نصاب دارد :

نصاب اول: آن سی تا است، پس هر گاه شماره گاو به سی رسید چنانچه شرایطی را که بعداً بیان می شود، باید یک گوساله ای که داخل سال دوم شده از بابت زکوة بدهد.  
نصاب دوم: آن چهل تا است، و زکوة آن یک گوساله ماده ای است که داخل سال سوم شده باشد، و زکوة مابین سی و چهل واجب نیست، مثلاً کسی که سی و نه گاو دارد، فقط باید زکوة سی تای آنها را بدهد، و نیز اگر از چهل گاو زیادتر باشد تا به شصت نرسیده فقط باید زکوة چهل تای آن را بدهد، و بعد از آن که به شصت رسید، چون دو برابر نصاب اول را دارد، باید دو گوساله ای که داخل سال دوم شده بدهد، و همچنین

عنوان زکوة داده می شود  
شرائط گوسفندی که به  
مابین دو نصاب

۸ - نصاب  
دو گانه گاو

نصاب اول

نصاب دوم

هر چه بالا رود باید سی تا سی تا حساب کند یا چهل تا چهل تایا با سی و چهل حساب نماید، و زکوة آن را به دستوری که گفته شد بدهد، ولی باید طوری حساب کند که چیزی باقی نماند، یا اگر چیزی باقی می ماند از نه تا بیشتر نباشد، مثلاً اگر هفتاد گاو دارد باید به حساب سی و چهل حساب کند، و برای سی تای آن زکوة سی تا و برای چهل تای آن زکوة چهل تا را بدهد چون اگر به حساب سی تا حساب کند ده تا زکوة نداده می ماند، ولی در جایی که رعایت این جهت ممکن نیست مثل آنکه پنجاه و نه گاو داشته باشد باید زکوة چهل تا را بدهد اگرچه نوزده تا زیاد بیاید و اگر نود گاو داشته باشد باید (۳) گاو ماده ای که داخل سال دوم شده باشد بدهد.

### ۹ / ۲۹۹ - نصاب گوسفند

(مسئله ۲۸۷۷) گوسفند پنج نصاب دارد:

اول: چهل تا و زکوة آن یک گوسفند است، و کمتر از آن زکات ندارد.

دوم: صد و بیست و یک و زکوة آن دو گوسفند است.

سوم: دویست و یک و زکوة آن (۳) گوسفند است.

چهارم: سیصد و یک و زکوة آن چهار گوسفند است.

پنجم: چهارصد و بالاتر از آن است که باید آنها را صد تا صد تا حساب کند و برای هر صد تای آنها یک گوسفند بدهد، و لازم نیست زکوة را از خود گوسفندها بدهد بلکه اگر گوسفند دیگری بدهد یا مطابق قیمت گوسفند پول یا جنس دیگر بدهد کافی است.

(مسئله ۲۸۷۸) زکوة مابین دو نصاب واجب نیست، پس اگر شماره گوسفندهای

کسی از نصاب اول که چهل است بیشتر باشد تا به نصاب دوم که صد و بیست و یک است نرسیده فقط باید زکوة چهل تای آن را بدهد، و زیادی آن زکوة ندارد، و همچنین است در نصابهای بعد.

(مسئله ۲۸۷۹) زکوة شتر و گاو و گوسفندی که به مقدار نصاب برسد واجب

است چه همه آنها نر باشند یا ماده، یا بعضی نر باشند و بعضی ماده.

زکوة گاو و گاو میش  
یکی است

شرکت

تعداد محل  
تگهداری

اداء زکوة از  
سالم

تبدیل قبل از  
آخر یازده ماه

(مسئله ۲۸۸۰) در زکوة گاو و گاو میش یک جنس حساب می‌شود، و شتر عربی و غیر عربی یک جنس است، و همچنین بز و میش و شیشک در زکوة با هم فرق ندارند.

(مسئله ۲۸۸۱) اگر بخواهد گوسفند را برای زکوة بدهد بنا بر احتیاط واجب باید اقلاً داخل سال دوم شده باشد و اگر بز بدهد احتیاطاً باید داخل سال سوم شده باشد.

(مسئله ۲۸۸۲) گوسفندی را که از بابت زکوة می‌دهد اگر قیمتش از قیمت گوسفندهای متوسط در بین نصاب کمتر باشد اشکال دارد، و بهتر است گوسفندی را که قیمت آن از تمام گوسفندهایش بیشتر است بدهد، و همچنین است در گاو و شتر.

(مسئله ۲۸۸۳) اگر چند نفر با هم شریک باشند هر کدام آنان که سهمش به نصاب اول رسیده باید زکوة بدهد و بر کسی که سهم او کمتر از نصاب اول است زکوة واجب نیست.

(مسئله ۲۸۸۴) اگر یک نفر در چند جا گاو یا شتر یا گوسفند داشته باشد و روی هم به اندازه نصاب باشند، باید زکوة آنها را بدهد.

(مسئله ۲۸۸۵) اگر گاو و گوسفند و شتری که دارد همه مریض و معیوب هم باشند باید زکوة آنها را بدهد.

(مسئله ۲۸۸۶) اگر گاو و گوسفند و شتری که دارد همه مریض یا معیوب یا پیر باشند، می‌تواند زکوة را از خود آنها بدهد، ولی اگر همه سالم و بی‌عیب و جوان باشند نمی‌تواند زکوة آنها را مریض یا معیوب یا پیر بدهد، بلکه اگر بعضی از آنها سالم و بعضی مریض و دسته ای معیوب و دسته دیگر بی‌عیب و مقداری پیر و مقداری جوان باشد، احتیاط واجب آن است که برای زکوة آنها سالم و بی‌عیب و جوان را بدهد.

(مسئله ۲۸۸۷) اگر پیش از تمام شدن ماه یازدهم، گاو و گوسفند و شتری که دارد با چیز دیگر عوض کند، یا نصابی را که دارد با مقدار نصاب از همان جنس عوض نماید، مثلاً چهل گوسفند بدهد و چهل گوسفند دیگر بگیرد، زکوة بر او واجب نیست.



تکرار زکوة:

(مسئله ۲۸۸۸) کسی که باید زکوة گاو و گوسفند و شتر را بدهد، اگر زکوة همه آنها را از مال دیگرش بدهد، تا وقتی شماره آنها از نصاب کم نشده، همه ساله باید زکوة را بدهد، و اگر از خود آنها را بدهد و از نصاب اول کمتر شوند، زکوة بر او واجب نیست، مثلاً کسی که چهل گوسفند دارد، اگر از مال دیگرش زکوة را بدهد تا وقتی که گوسفندهای او از چهل کم نشده، همه ساله باید یک گوسفند بدهد، و اگر از خود آنها بدهد تا وقتی به چهل نرسیده، زکوة بر او واجب نیست.

مقدار ادایه یک فقیر:

(مسئله ۲۸۸۹) در زکوة گاو و گوسفند و شتر اگر بخواهد از عین بدهد واجب است یک حیوان تمام را به فقیر بدهد، ولی چنانچه بخواهد قیمت آن را بدهد می تواند قیمت یک گوسفند یا گاو و یا شتر را بین چند فقیر تقسیم نماید.

### ۳۰۰ - بعضی دیگر از شرایط وجوب زکوة شتر و گاو و گوسفند

شرط بیکار بودن گاو و شتر:

(مسئله ۲۸۹۰) در وجوب زکوة شتر و گاو، دو شرط و در گوسفند یک شرط، غیر از شرطهایی که در شرایط واجب شدن زکوة بیان شده وجود دارد: اول: آن که شتر و گاو در تمام سال بیکار باشد، و اگر در تمام سال یکی دو روز هم کار کرده باشد زکوة آنها واجب است، و این شرط در گوسفند نیست، چون گوسفند هیچگاه کار نمی کند.

حیوان در بیان شرط بچریدن:

دوم: آن که هر (۳) نوع از حیوانات در تمام سال از علف بیابان بچرند، پس اگر تمام سال یا مقداری از آن را از علف چیده شده یا از زراعتی که ملک مالک یا ملک کس دیگر است بچرد زکوة ندارد، ولی اگر در تمام سال یک یا دو روز از علف مالک بخورد زکوة آن واجب است.

اجاره آن یا خریدن آن یا:

(مسئله ۲۸۹۱) اگر انسان برای شتر و گاو و گوسفند خود چراگاهی را که کسی نکاشته بخرد، یا اجاره کند، یا برای چراندن در آن باج بدهد، باید زکوة را بدهد.

## ۳۰۱- مصرف زکوة

موارد مصرف زکوة:

(مسئله ۲۸۹۲) چنانچه در آیه کریمه (۶۰) از سوره توبه تصریح شده است، انسان باید زکوة را در هشت مورد مصرف کند :

اول : فقیر و آن کسی است که مخارج سال خود و عیالاتش را ندارد، و کسی که صنعت، یا کسب، یا شغل یا زراعت یا ملک و یا سرمایه ای دارد که می تواند مخارج سال خود را از منافع آن بگذراند فقیر نیست .

دوم : مسکین و آن کسی است که از فقیر سخت تر می گذراند، و بیشتر مورد ترحم و رقت مردم است .

سوم : کسی که از طرف امام معصوم علیه السلام یا نائب امام مأمور است که زکوة را جمع و نگهداری نماید، و به حساب آن رسیدگی کند، و آن را به امام علیه السلام یا نائب امام یا فقرا برساند که می تواند به اندازه زحمتی که می کشد از زکوة استفاده کند، اگر چه فقیر هم نباشد .

چهارم : کفاری که اگر زکوة به آنها داده شود به دین مبین اسلام گرایش پیدا می کنند، یا در جنگ به مسلمانان کمک می کنند، و همچنین مسلمانانی که ضعیف الایمان هستند، و یا ایمان به ولایت حضرت امیرمؤمنان علی بن ابیطالب علیه السلام ندارند یا متزلزل هستند، چنانچه دادن زکوة به آنان باعث تقویت ایمان، و یا ایمان آوردن می شود بنابراین جایز است به کافر و عامه (سنّی) از باب تألیف قلوب و تأثیرپذیری، زکوة داد .

پنجم : خریداری بنده ها برای آزاد کردن آنها .

ششم : بدهکاری که نمی تواند قرض خود را بدهد به شرط اینکه قرض در معصیت صرف نشده باشد .

هفتم : فی سبیل الله یعنی هر کار خیر و عمل نیکی که از شارع مقدس اسلام نسبت به آنها ترغیب و تشویق شده و منفعت به عموم مسلمین داشته باشد، مثل ساختن مدارس علوم دینی، کمک به طلاب و چاپ کتابهای دینی و نشر معارف اسلامی و اقامه شعائر مذهبی، و بنای مساجد و دارالایتام، و احداث پل و سد و قنات، و منزلگاه

برای مسافرین و زوّار، و کسانی که نمی‌توانند به حج یا زیارت مشاهد مشرفه بروند، و جهاد در راه خداوند متعال و اصلاح بین دو مسلمان و بین زن و شوهر و هر کاری که منفعت عموم مسلمین در آن است که موجب تقرب به خداوند متعال باشد.

هشتم: ابن السّییل یعنی مسافری که در سفر درمانده شده و احکام اینها در مسائل آینده بیان می‌شود.

(مسئله ۲۸۹۳) جایز است در یک دفعه مقداری زکوة به فقیر داده شود که غنی گردد، در صورتی که اجحاف و بی‌انصافی به سایر فقراء نشود، ولی اگر به مقدار مخارج یکسال گرفت، بعد نمی‌تواند، تا زمانی که به قدر مخارج سال دارد، بگیرد.

(مسئله ۲۸۹۴) کسی که مخارج سالش را داشته، اگر مقداری از آن را مصرف کند، و بعد شک کند که آنچه باقی مانده به اندازه مخارج سال او هست یا نه نمی‌تواند زکوة بگیرد.

(مسئله ۲۸۹۵) صنعتگر یا زارع، یا کاسب یا مالک یا تاجری که درآمد او از مخارج سالش کمتر است، می‌تواند برای کسری مخارجش زکوة بگیرد، و لازم نیست ابزار کار، یا ملک یا سرمایه خود را به مصرف مخارج برساند، مگر آنکه ابزار کار یا سرمایه او به قدری زیاد باشد که بتواند آن را به چیز دیگر تبدیل یا تعویض کند، و مقداری برای او بماند که برای زندگی او بدون مشقت کافی باشد که در این صورت لازم است این کار را انجام دهد.

(مسئله ۲۸۹۶) فقری که خرج سال خود و عیالاتش را ندارد، اگر خانه‌ای دارد که ملک اوست و در آن نشسته و یا به علاوه آن خانه‌ای دارد که اجاره می‌دهد و خرج سال می‌کند، و یا وسیله سواری دارد، چنانچه بدون اینها نتواند زندگی کند، اگر چه برای حفظ آبرویش باشد، می‌تواند زکوة بگیرد، و همچنین است اثاث خانه و ظرف و لباس تابستانی و زمستانی و چیزهایی که به آنها احتیاج دارد و فقری که اینها را ندارد، اگر به اینها احتیاج داشته باشد، می‌تواند از زکوة خریداری نماید.

(مسئله ۲۸۹۷) فقری که یاد گرفتن صنعت برای او مشکل نیست بنابر احتیاط واجب باید یاد بگیرد و با گرفتن زکوة زندگی نکند، ولی مادامی که مشغول یاد گرفتن، و از تحصیل مخارج عاجز است می‌تواند زکوة بگیرد.

مقدار قابل اداء به هر فقیر  
شک در  
حدوث فقر

کسری درآمد کاسب

احتیاج به زکوة برای  
حفظ آبرو

نیاز به زکوة در  
زمان یادگیری



اطمینان به  
گفته شخص  
مدعی فقر

اعتماد بر حال

طلب از زکوة  
احتسابپرداخت زکوة به فقیر  
آبرومند بدون بیان زکوة

اشتباه در اداء زکوة به فقیر

گرفتن زکوة برای  
اداء دین

(مسئله ۲۸۹۸) به کسی که قبلاً فقیر بوده و می‌گوید: « فقیرم » اگر چه انسان از گفته او اطمینان پیدا نکند، می‌شود زکوة داد .

(مسئله ۲۸۹۹) کسی که می‌گوید: « فقیرم » و قبلاً فقیر نبوده، یا معلوم نیست فقیر بوده یا نه، چنانچه از گفته او اطمینان پیدا نشود، احتیاط واجب آن است که به او زکوة ندهند، ولی اگر از ظاهر حالش معلوم باشد که فقیر است می‌شود به او زکوة داد.

(مسئله ۲۹۰۰) کسی که باید زکوة بدهد، اگر از فقری طلبکار باشد می‌تواند طلبی را که از او دارد، بابت زکوة حساب کند .

(مسئله ۲۹۰۱) اگر فقیر بمیرد و مال او به اندازه قرضش نباشد، انسان می‌تواند طلبی را که از او دارد، بابت زکوة حساب کند، بلکه اگر مال او به اندازه قرضش باشد و ورثه قرض او را ندهند، یا به جهت دیگر انسان نتواند طلب خود را بگیرد، نیز می‌تواند طلبی را که از او دارد، بابت زکوة حساب کند.

(مسئله ۲۹۰۲) چیزی را که انسان بابت زکوة به فقیر می‌دهد لازم نیست به او بگوید که زکوة است بلکه اگر فقیر خجالت بکشد، مستحب است به عنوان پیشکش بدهد، و یا مال را به قصد زکوة بدهد ولی زکوة بودنش را اظهار نکند.

(مسئله ۲۹۰۳) اگر به خیال اینکه کسی فقیر است به او زکوة بدهد، بعد بفهمد فقیر نبوده، یا از روی ندانستن مسئله به کسی که می‌داند فقیر نیست زکوة بدهد، چنانچه چیزی را که به او داده باقی باشد، باید از او پس بگیرد، و به مستحق بدهد، و اگر از بین رفته باشد، پس اگر کسی که آن چیز را گرفته می‌دانسته زکوة است، انسان باید عوض آن را از او بگیرد و به مستحق بدهد و اگر نمی‌دانسته زکوة است، نمی‌تواند چیزی از او بگیرد، و باید از مال خودش زکوة را به مستحق بدهد، ولی اگر به عنوان زکوة از مال خود جدا کرده و مسئله را هم می‌دانسته، ولی در تشخیص اشتباه کرده لازم نیست دوباره زکوة بدهد .

(مسئله ۲۹۰۴) کسی که بدهکار است و نمی‌تواند بدهی خود را بدهد، اگر چه مخارج سال خود را داشته باشد می‌تواند برای دادن قرض خود زکوة بگیرد، ولی باید مالی را که قرض کرده در معصیت خرج نکرده باشد، و اما اگر آن مال را در معصیت خرج کرده از آن معصیت توبه کرده باشد، می‌تواند زکوة بگیرد.

قرض مصروف در  
معصیت

(مسئله ۲۹۰۵) اگر به کسی که بدهکار است و نمی‌تواند بدهی خود را بدهد زکوة بدهد، بعد بفهمد قرض را در راه معصیت مصرف کرده، چنانچه آن بدهکار فقیر باشد می‌تواند آنچه را به او داده بابت زکوة حساب کند، ولی احتیاط واجب آن است که اگر از آن معصیت توبه نکرده، چیزی را که به او داده بابت زکوة حساب نکند.

احتساب طلب  
از زکوة

(مسئله ۲۹۰۶) کسی که بدهکار است و نمی‌تواند بدهی خود را بدهد، اگرچه فقیر نباشد، انسان می‌تواند طلبی را که از او دارد بابت زکوة حساب کند.

گرفتن زکوة در سفر

(مسئله ۲۹۰۷) مسافری که خرجی او تمام شده یا مرکبش از کار افتاده چنانچه سفر او سفر معصیت نباشد و خود او هم در معصیت نباشد و نتواند با قرض کردن یا فروختن چیزی خود را به مقصد برساند، اگر چه در وطن خود فقیر نباشد می‌تواند زکوة بگیرد ولی اگر بتواند در جای دیگر با قرض کردن یا فروختن چیزی مخارج سفر خود را فراهم کند، فقط به مقداری که به آنجا برسد، می‌تواند زکوة بگیرد.

زیادی زکوة از نیاز مسافر

(مسئله ۲۹۰۸) مسافری که در سفر درمانده شده و زکوة گرفته بعد از آن که به وطنش رسید، اگر چیزی از زکوة زیاد آمده باشد، چنانچه نتواند آنرا به دهنده زکوة برساند، بنابر احتیاط لازم آن را به مجتهد جامع الشرائط یا وکیل او بدهد و بگوید: «آن چیز زکوة است» و در صورتی که نتواند به مجتهد جامع الشرائط یا وکیل او برساند باید به مؤمنین عادل برساند تا آن را به مصرف زکوة برسانند.

### ۳۰۲- شرایط کسانی که مستحق زکاتند

شرایط دیگر مستحق زکوة: ۱- شیعه بودن،  
گرچه با حفظ اعتقاد، تارک نماز باشد

(مسئله ۲۹۰۹) کسی که زکوة می‌گیرد باید شیعه دوازده امامی باشد، و اگر انسان کسی را شیعه بداند و به او زکوة بدهد، بعد معلوم شود که شیعه نبوده باید دوباره زکوة بدهد، مگر آن که از سهم مؤلفه القلوب داده باشد.

(مسئله ۲۹۱۰) زکوة دادن به یک خانواده شیعه فقیر اگر چه بعضی از افراد آن، با اعتقاد به احکام دینی، نماز نخواند، اشکال ندارد.

- (مسئله ۲۹۱۱) اگر طفل یا دیوانه ای از شیعه فقیر باشد، انسان می تواند به ولیّ او زکوة بدهد به قصد اینکه آنچه را می دهد ملک طفل یا دیوانه باشد، و ولیّ آنها هم به همین قصد بگیرد.
- (مسئله ۲۹۱۲) اگر به ولیّ طفل یا دیوانه دسترسی ندارد، می تواند خودش یا به وسیله یک نفر امین زکوة را به مصرف طفل یا دیوانه برساند، و باید موقعی که زکوة به مصرف آنان می رسد نیت زکوة کند.
- (مسئله ۲۹۱۳) به فقری که گدایی می کند، و گدایی هم کاسبی او نباشد می شود زکوة داد، ولی به کسی که زکوة را در معصیت مصرف می کند نمی شود زکوة داد.
- (مسئله ۲۹۱۴) به کسی که معصیت کبیره را آشکار بجا می آورد جایز نیست زکوة بدهند، و همچنین دادن زکوة به تارک نماز، و روزه خوار و شارب خمر و قمار باز جایز نیست هر چند تظاهر نکنند.
- (مسئله ۲۹۱۵) دادن زکوة به کسی که معتاد به تریاک یا سیگار است، در صورتی که نتواند ترک کند در حدّ اضطرار اشکال ندارد.
- (مسئله ۲۹۱۶) کسی که در مکتب خانه و مانند آن به طور عمومی به اطفال مردم، قرآن کریم را تعلیم می دهد اولیاء اطفال می توانند از بابت اجرت، زکوة را به عنوان سهم سبیل الله به او بدهند، ولی اگر به طفل یا اطفال، به طور خصوصی، تعلیم دهد نمی تواند اجرت خود را از زکوة بگیرد.
- (مسئله ۲۹۱۷) در صرف زکوة لازم نیست به طور تساوی در موارد هشتگانه توزیع شود، بلکه کسی که زکوة بدهکار است می تواند همه آن را در یک مورد از موارد هم مصرف نماید، اگرچه لازم است با وجود فقراء مضطر که حفظ آنان موقوف به ادای زکوة به آنان باشد، صرف آنها شود.
- (مسئله ۲۹۱۸) به کسی که بدهکار است و نمی تواند بدهی خود را بدهد، اگر چه مخارج او بر انسان واجب باشد، می شود زکوة داد که بدهی خود را بپردازد، و همچنین اگر زن برای خرجی خودش قرض کرده باشد و شوهرش نتواند قرض او را بدهد، می تواند از سهم زکوة بدهی زنش را بدهد.

دادن زکوة به  
طفل یا دیوانه

معصیت  
۲ - عدم مصرف در  
۳ - عدم از طریق

عدم  
به فسق  
تجاهر

زکوة به معتاد  
در حدّ نیاز

معلم عمومی و  
خصوصی قرآن کریم

توزیع زکوة بین  
اصناف مستحقین

آداء زکوة برای آداء  
دین واجب التفقه



۵- واجب الفقه  
نبودن گیرنده

(مسئله ۲۹۱۹) انسان نمی‌تواند مخارج کسانی را که مثل اولاد خرجشان بر او واجب است مانند زن دائمی و اولاد و نوه‌ها و پدر و مادر و اجداد از زکوة بدهد، ولی اگر مخارج آنان را ندهند، دیگران می‌توانند به آنان زکوة دهند.

(مسئله ۲۹۲۰) اگر انسان زکوة را به پسرش بدهد که خرج زن و نوکر و کلفت خود نماید اشکال ندارد.

(مسئله ۲۹۲۱) اگر پسر به کتابهای علمی دینی، احتیاج داشته باشد، پدر می‌تواند برای خریدن آنها از سهم سبیل الله تعالی به او زکوة بدهد، و همچنین می‌تواند همه مخارج تحصیل او را از زکوة بدهد ولی کسی که خودش زکوة بدهکار است نباید از زکوة، کتاب دینی برای خود تهیه نماید، و صرف زکوة در منافع شخصی خود یا اغنیاء جایز نیست.

(مسئله ۲۹۲۲) پدر می‌تواند به پسرش زکوة بدهد که برای خود زن بگیرد پسر هم می‌تواند برای آن که پدرش زن بگیرد زکوة خود را به او بدهد.

(مسئله ۲۹۲۳) دادن زکوة به داماد فقیر، و همچنین به عروس فقیر در صورتی که شوهرش قدرت بر دادن نفقه او را ندارد، یا با تمکن نفقه نمی‌دهد جایز است، و همچنین جایز است زکوة را به ربیبۀ خود که خرج او را عهده دار است اگر فقیر باشد بدهد.

(مسئله ۲۹۲۴) به زنی که شوهرش مخارج او را می‌دهد، یا خرجی نمی‌دهد ولی ممکن است او را به دادن خرجی مجبور کنند نمی‌شود زکوة داد.

(مسئله ۲۹۲۵) زنی که صیغه شده اگر فقیر باشد، شوهرش و دیگران می‌توانند به او زکوة بدهند، ولی اگر شوهرش در ضمن عقد شرط کند که مخارج او را بدهد، یا به جهت دیگری دادن مخارجش بر او واجب باشد، در صورتی که بتواند مخارج آن زن را بدهد، نمی‌شود به آن زن زکوة داد مگر آنکه مخارجش را شوهر ندهد هرچند از روی معصیت باشد و نتواند شوهر را مجبور به دادن خرج نماید.

(مسئله ۲۹۲۶) زن می‌تواند به شوهر فقیر خود زکوة بدهد، اگر چه شوهر زکوة را صرف مخارج خود آن زن نماید.

مخارج تحصیلی از  
زکوة

مخارج ازدواج  
از زکوة

دادن زکوة به داماد  
و عروس و ربیبۀ

دهندۀ نفقه  
۶- نبودن

دادن زکوة به زن متعه

دادن زکوة زن  
به شوهرش

۷- عدم سیادت

(مسئله ۲۹۲۷) سید می تواند از سید زکوة بگیرد، ولی سید نمی تواند از غیر سید زکوة بگیرد، ولی اگر خمس و سایر وجوهات کفایت مخارج او را نکند، و ناچار به گرفتن زکوة باشد، می تواند از غیر سید فقط به مقداری که برای مخارج روزانه اش ناچار است زکوة بگیرد.

دادن زکوة زن به شوهرش

(مسئله ۲۹۲۸) اگر فقیر غیر سید زکوة بگیرد، می تواند خرج خود و عیالش که سیده است بنماید، و همچنین می تواند آن را به عنوان صدقه مستحبی یا هبه به سید دهد. (مسئله ۲۹۲۹) به کسی که معلوم نیست سید است یا نه، می شود زکوة داد.

### ۳۰۳- نیت زکوة

۱- قصد قربت در زکوة، ۲- تعیین

(مسئله ۲۹۳۰) انسان باید زکوة را به قصد قربت یعنی برای اطاعت از فرمان خداوند متعال بدهد، و در نیت معین کند که آنچه را می دهد زکوة مال است یا زکوة فطره، ولی اگر مثلاً زکوة گندم و جو بر او واجب باشد، لازم نیست معین کند چیزی را که می دهد زکوة گندم است یا زکوة جو.

موارد عدم تعیین

(مسئله ۲۹۳۱) کسی که زکوة چند مال بر او واجب شده، اگر مقداری زکوة بدهد و نیت هیچ کدام آنها را نکند، چنانچه چیزی را که داده همجنس یکی از آنها باشد، زکوة همان جنس حساب می شود، و اگر پول بدهد که همجنس هیچ کدام از آنها نباشد، به همه آنها قسمت می شود، پس کسی که زکوة چهل گوسفند و زکوة پانزده مثقال طلا بر او واجب است، اگر مثلاً یک گوسفند از بابت زکوة بدهد، و نیت هیچ کدام از آنها را نکند، زکوة گوسفند حساب می شود ولی اگر مقداری پول نقره یا اسکناس بدهد به زکاتی که برای گوسفند و طلا بدهکار است تقسیم می شود.

۱- قصد قربت در آداء نپای زکوة

(مسئله ۲۹۳۲) اگر کسی را در دادن زکوة وکیل کند باید وکیل قصد قربت کند و در وکیل کردن و هم چنین وقتی که زکوة را به وکیل می دهد قصد قربت لازم نیست، و اگر کسی را فقط در رساندن زکوة به فقیر، وکیل کند باید خودش در موقع دادن زکوة به وکیل قصد قربت نماید، و احتیاطاً تا وقتی به فقیر می رسد به قصدش باقی باشد.

پیش از آنکه

(مسئله ۲۹۳۳) اگر مالک یا وکیل او بدون قصد قربت زکوة را به فقیر بدهد، و پیش از آنکه آن مال از بین برود، خود مالک نیت زکوة کند، زکوة حساب می شود.

آخذ و أداء اجباری زکوة

(مسئله ۲۹۳۴) کسی که زکوة بدهکار است اگر به اختیار و میل خود نپردازد، مجتهد جامع شرایط به اجبار از او می گیرد، و زکوة محسوب می شود، و قصد قربت در اینجا از بدهکار لازم نیست، اگرچه احتیاط آن است که مجتهد جامع شرایط یا وکیل او در آخذ زکوة و صرف آن قصد قربت نماید.

### ۳۰۴ - مسائل متفرقه زکوة

وقت آداء یا جدا کردن زکوة

(مسئله ۲۹۳۵) موقعی که گندم و جو را از کاه جدا کنند، و موقع خشک شدن خرما و انگور، انسان باید زکوة را به فقیر بدهد، یا از مال خود جدا کند، و زکوة طلا و نقره و گاو و گوسفند و شتر را بعد از تمام شدن ماه یازدهم باید به فقیر بدهد، یا از مال خود جدا نماید، ولی اگر منتظر فقیر معینی باشد یا بخواهد به فقیری بدهد که از جهتی برتری دارد، لازم است زکوة را جدا تا بعداً به آن فقیر معین یا برتر برساند.

فوری آداء و جوب

(مسئله ۲۹۳۶) بعد از جدا کردن زکوة اگر انتظار مورد معینی یا فقیر برتری را نداشته باشد باید زکوة را به مستحق که دسترسی به آن دارد فوراً بدهد.

ضمن مقصر در آداء

(مسئله ۲۹۳۷) کسی که می تواند زکوة را به مستحق برساند، اگر ندهد و به واسطه کوتاهی او از بین برود، باید عوض آن را بدهد.

تأخیر در آداء بدون تقصیر

(مسئله ۲۹۳۸) کسی که می تواند زکوة را به مستحق برساند، اگر زکوة را ندهد و بدون آن که در نگهداری آن کوتاهی کند از بین برود، چنانچه دادن زکوة را به قدری تأخیر انداخته که نمی گویند: فوراً داده است، باید عوض آن را بدهد، و اگر به این مقدار تأخیر نینداخته مثلاً دو سه ساعت تأخیر انداخته، و در همان دو سه ساعت تلف شده در صورتی که مستحق حاضر نبوده، چیزی بر او واجب نیست، ولی اگر مستحق حاضر بوده باید عوض آن را بدهد.



نصف در زکوة  
بعد از کنار  
گذاشتن آن

(مسئله ۲۹۳۹) اگر زکوة را از عین مال کنار بگذارد، می تواند در بقیه آن تصرف کند، و اگر از مال دیگرش کنار بگذارد، می تواند در تمام مال، تصرف نماید .

تبدیل  
زکوة

(مسئله ۲۹۴۰) انسان نمی تواند زکاتی را که کنار گذاشته برای خود بردارد، و چیز دیگری به جای آن بگذارد.

نماء مال  
زکاتی

(مسئله ۲۹۴۱) اگر از زکاتی که کنار گذاشته منفعتی بدست آورد، مثلاً گوسفندی را که برای زکوة گذاشته بره بیاورد، مال فقیر است .

(مسئله ۲۹۴۲) اگر موقعی که زکوة را کنار می گذارد مستحق حاضر باشد احتیاط لازم آن است که زکوة را به او بدهد، مگر کسی را در نظر داشته باشد که دادن زکوة به او از جهتی بهتر باشد .

مال زکات  
تجارت با

(مسئله ۲۹۴۳) هر گاه بدون اجازه مجتهد جامع الشرايط با مالی که برای زکوة کنار گذاشته تجارت کند و ضرر نماید، نباید چیزی از زکوة کم کند، ولی اگر منفعت نماید باید آن را به مستحق بدهد .

وجوب زکوة  
اداء قبل از

(مسئله ۲۹۴۴) اگر پیش از آن که زکوة بر او واجب شود، چیزی بابت زکوة به فقیر بدهد، زکوة حساب نمی شود، و بعد از آن که زکوة بر او واجب شد اگر چیزی را که به فقیر داده از بین نرفته باشد و آن فقیر هم به فقر خود باقی باشد، می تواند چیزی را که به او داده بابت زکوة حساب کند .

(مسئله ۲۹۴۵) فقری که می داند زکوة بر انسان واجب نشده اگر چیزی بابت زکوة بگیرد و پیش او تلف شود ضامن است، پس موقعی که زکوة بر انسان واجب می شود اگر آن فقیر به فقر خود باقی باشد، می تواند عوض چیزی را که به او داده بابت زکوة حساب کند.

(مسئله ۲۹۴۶) فقری که نمی داند زکوة بر انسان واجب نشده اگر چیزی بابت زکوة بگیرد و پیش او تلف شود، ضامن نیست، و انسان نمی تواند عوض آن را بابت زکوة حساب کند .

بعضی در دادن زکوة  
موارد ترجیح بعضی را

(مسئله ۲۹۴۷) مستحب است زکوة گاو و گوسفند و شتر را به فقیرهای آبرومند بدهد، و در دادن زکوة، خویشاوند خود را بر دیگران، و اهل فضیلت و کمال، و اهل علم و تقوی را بر غیر آنان، و کسانی که اهل سؤال نیستند را بر اهل سؤال مقدم بدارد،

ولی اگر در دادن زکوة به فقیری از جهت دیگری بهتر باشد، مستحب است زکوة را به او بدهد .

(مسئله ۲۹۴۸) بهتر است زکوة را آشکارا، و صدقه مستحبی را مخفی بدهند .

(مسئله ۲۹۴۹) اگر در شهر کسی که می‌خواهد زکوة بدهد مستحق نباشد و نتواند زکوة را به مصرف دیگری هم که برای آن معین شده برساند، چنانچه امید نداشته باشد که بعداً مستحق پیدا کند باید زکوة را به شهر دیگر ببرد و به مصرف زکوة برساند، و می‌تواند مخارج بردن به آن شهر را از زکوة بردارد، و اگر زکوة تلف شود ضامن نیست.

(مسئله ۲۹۵۰) اگر در شهر خودش مستحق پیدا شود، می‌تواند زکوة را به شهر دیگر ببرد، ولی مخارج حمل و نقل به آن شهر را باید از خودش بدهد، و اگر زکوة تلف شود ضامن است، مگر آن که با اجازه مجتهد جامع الشرايط، برده باشد .

(مسئله ۲۹۵۱) اجرت وزن کردن و پیمانه نمودن گندم و جو و کشمش و خرمایی که برای زکوة می‌دهد با زکوة دهنده است .

(مسئله ۲۹۵۲) کسی که (۲) مثقال و (۱۵) نخود نقره یا بیشتر از بابت زکوة بدهکار است، مکروه است کمتر از (۲) مثقال و (۱۵) نخود نقره به یک فقیر بدهد، و نیز اگر غیر نقره چیز دیگری مثل گندم و جو بدهکار باشد، و قیمت آن به (۲) مثقال و (۱۵) نخود نقره برسد، مکروه است به یک فقیر کمتر از آن بدهد .

(مسئله ۲۹۵۳) مکروه است انسان از مستحق، درخواست کند : زکاتی را که از او گرفته به او بفروشد ولی چنانچه مستحق بخواهد، زکاتی را که گرفته بفروشد، بعد از آن که قیمت آن را بدست آورده، کسی که زکوة را به او داده در خریدن آن بر دیگران مقدم است .

(مسئله ۲۹۵۴) اگر کسی شک کند زکاتی را که بر او واجب بوده داده یا نه، در صورتی که عین مال زکوی موجود باشد، باید زکوة را بدهد، اگر چه شک او برای سالهای گذشته باشد، و چنانچه عین موجود نباشد، زکوة واجب نیست هر چند شک او برای سال فعلی باشد .

دادن زکوة  
علنی

نقل زکوة به شهر  
دیگر

مخارج نقل زکوة  
به شهر دیگر

وزنه توزیع  
و پیمانه

مقدار حداقل در  
آداء

خریدن مال زکوة  
از گیرنده

شک در آداء

مصالحة فقير با بدهكار زکوة

(مسئله ۲۹۵۵) فقير نمى تواند زکوة را به کمتر از مقدار آن با دهنده زکوة صلح کند، يا چيزى را گرانت از قيمت آن بابت زکوة قبول نمايد، يا زکوة را از دهنده زکوة بگيرد و به او ببخشد خواه مالک باشد يا واسطه در رساندن زکوة را به مستحق، اما اگر مالک واقعاً قصد قربت در اداى زکوة داشته باشد به طورى که در نظر نداشته که گيرنده زکوة، زکوة را به او برگرداند، و ببخشد در اين صورت اداى تکليف کرده، و مستحق، آنچه را که به عنوان زکوة گرفته مى تواند به مقدار شأن خود به دهنده زکوة ببخشد، و همچنين کسى که زکوة زيادى بدهکار است و فقير شده و نمى تواند زکوة را بدهد، و اميد پرداخت آن در آينده ندارد، چنانچه بخواهد توبه کند، فقير مى تواند زکوة را از او بگيرد و به او ببخشد، ولى بهتر آن است که زکوة را از او بگيرد، و به او قرض بدهد، و او را وکيل نمايد که هر مقدار که متمکن شد تدريجاً به فقراء بدهد، و چنانچه نتوانست ذمه او برى باشد.

وقف با پول زکوة

(مسئله ۲۹۵۶) انسان مى تواند از زکوة (از سهم سبيل الله تعالى) قرآن کریم يا کتابهاى دينى و معارف اسلامى يا کتاب دعا و زيارت نامه ها بخرد و وقف نمايد، اگرچه بر اولاد خود و بر كسانى وقف کند که خرج آنان بر او واجب است، و نيز مى تواند توليت وقف را براى خود يا اولاد خود قرار دهد.

زکوة گرفتن براى حج و زيارت

(مسئله ۲۹۵۷) انسان نمى تواند از زکوة ملک بخرد و بر اولاد خود يا بر كسانى که مخارج آنان بر او واجب است وقف نمايد که عائدى آن را به مصرف مخارج خود برسانند.

(مسئله ۲۹۵۸) فقير مى تواند براى رفتن به حج و زيارت مشاهد مشرفه و مانند اينها زکوة بگيرد ولى اگر به مقدار خرج سالش زکوة گرفته باشد، براى زيارت و مانند آن نمى تواند از سهم فقراء زکوة بگيرد ولى از سهم سبيل الله تعالى اشکال ندارد.

توكيل فقير براه

(مسئله ۲۹۵۹) اگر مالک، فقيرى را وکيل کند که زکوة مال او را بدهد، چنانچه آن فقير احتمال دهد که قصد مالک، اين بوده که خود آن فقير از زکوة بر ندارد نمى تواند چيزى از آن را براى خودش بردارد، و اگر يقين داشته باشد که قصد مالک اين نبوده، مى تواند براى خودش هم بردارد.

زکوة مال زکوى

(مسئله ۲۹۶۰) هر گاه فقير، شتر و گاو و گوسفند و طلا و نقره را از بابت زکوة بگيرد، چنانچه شرطهاى که براى واجب شدن زکوة بيان شد در آنها جمع شود، يعنى به مقدار نصاب برسد، و اتفاقاً سال بر آن بگذرد بايد زکوة آنها را بدهد.



(مسئله ۲۹۶۱) اگر دو نفر در مالی که زکوة آن واجب شده با هم شریک باشند یکی از آنها زکوة قسمت خود را بدهد، و بعد مال را تقسیم کنند، چنانچه بداند شریکش زکوة سهم خود را نداده و قصد دادن زکوة را هم ندارد، تصرف او در سهم خودش هم خالی از اشکال نیست، مگر اینکه زکوة شریک را تبرعاً با اذن او و در صورت امتناع با اذن مجتهد جامع الشرايط بدهد، و یا مجتهد جامع الشرايط اجازه تصرف در اموال دهنده زکوة بدهد.

(مسئله ۲۹۶۲) کسی که خمس یا زکوة بدهکار است و كفاره و نذر و مانند اینها هم بر او واجب است و قرض هم دارد، چنانچه نتواند همه آنها را بدهد، اگر مالی که خمس یا زکوة آن واجب شده از بین نرفته باشد، باید خمس و زکوة را بدهد و اگر از بین رفته باشد، اگر نذر دارد باید نذر را مقدم بدارد، و اگر نذر ندارد، می تواند خمس یا زکوة را بدهد، یا كفاره و قرض و مانند اینها را اداء کند و احوط آن است که بر این موارد توزیع نماید.

(مسئله ۲۹۶۳) کسی که خمس یا زکوة بدهکار است و نذر و مانند اینها هم بر او واجب است و قرض هم دارد، اگر بمیرد و مال او برای همه آنها کافی نباشد، چنانچه مالی که خمس و زکوة آن واجب شده از بین نرفته باشد، باید خمس یا زکوة را بدهند و بقیه مال او را به چیزهای دیگری که بر او واجب است قسمت کنند و اگر مالی که خمس و زکوة آن واجب شده از بین رفته باشد مال او را به خمس و زکوة و قرض و نذر و مانند اینها قسمت کنند مثلاً اگر هزار تومان خمس بر او واجب است و پانصد تومان به کسی بدهکار است، و همه مال او هفتصد و پنجاه تومان است، باید پانصد تومان بابت خمس و دویست و پنجاه تومان را بابت دین بپردازند.

(مسئله ۲۹۶۴) کسی که خمس یا زکوة بدهکار است و حجة الاسلام بر او واجب است و قرض هم دارد، اگر بمیرد و مال او برای همه اینها کافی نباشد، چنانچه مالی که خمس و زکوة آن واجب شده از بین نرفته باشد، باید خمس یا زکوة را بدهند و بقیه مال او را بر حج و قرض قسمت نمایند، ولی اگر آن مال تلف شده باشد باید مال او را صرف حج نمایند، و در صورتی که چیزی از آن باقی مانده باشد باید به خمس و زکوة و قرض قسمت کنند.

زکوة علم  
تحصيل علم

(مسئله ۲۹۶۵) کسی که مشغول تحصيل علم است، اگر تحصيل نکند می تواند برای معاش خود کسب کند، چنانچه تحصيل آن علم، واجب باشد می شود برای ادامه تحصيل به او زکوة داد، ولی اگر تحصيل علم، مستحب باشد می توان از سهم سبيل الله تعالى زکوة به او داد، ولی بهتر آن است که اهل علم زکوة نگیرند مگر آن که از تحصيل مخارج عاجز باشند، و چنانچه تحصيل علم نه واجب باشد نه مستحب، دادن زکوة به محصل آن بدون إذن مجتهد جامع الشرايط اشکال دارد.

### ۳۰۵- زکوة فطرة

زکوة فطرة  
شرائط وجوب

(مسئله ۲۹۶۶) کسی که هنگام رؤيت هلال ماه شوال (شب عيد فطر) بالغ و عاقل و هوشيار باشد، و فقير و بنده کس ديگر نباشد بايد برای خود و کسانی که نان خور او هستند، چه روزه گرفته باشند یا روزه نگرفته باشند هر نفری یک صاع که تقريباً سه كيلو است گندم یا جو یا خرما یا کشمش یا برنج یا ذرت و مانند اينها که قوت غالب او و عيالاتش است به مستحق بدهد، مثلاً کسی که قوت غالب او و عيالاتش نان و برنج است می تواند برای بعضی گندم و برای بعضی ديگر برنج بدهد، و اگر پول یکی از اينها را هم بدهد کافی است.

ضابطه قيمت  
بازار آزاد

(مسئله ۲۹۶۷) کسی که بخواهد قيمت جنس قوت غالب خود و عيالاتش را بدهد، چنانچه دارای دو نرخ دولتی و بازار آزاد داشته باشد، احتياط واجب آن است که قيمت نرخ بازار آزاد را بپردازد.

ضابطه فطر

(مسئله ۲۹۶۸) کسی که مخارج سال خود و عيالاتش را ندارد، و کسب و کاری هم ندارد که بتواند مخارج سال خود و عيالاتش را بگذراند، فقير است و دادن زکوة فطره بر او واجب نيست بلکه می تواند زکوة فطرة بگیرد، و ميزان غنی بودن، داشتن مخارج بالفعل و يا بالقوه تا سال آینده است.

باید زکوة فطرة  
اشخاصی که

(مسئله ۲۹۶۹) انسان بايد فطرة کسانی را که موقع مغرب شب عيد فطر، نان خور او حساب می شوند بدهد، کوچک باشند یا بزرگ، مسلمان باشند یا کافر، دادن خرج آنان بر او واجب باشد یا نه، در شهر خود او باشند یا در شهر ديگر زندگی کنند، روزه گرفته باشند یا نگرفته باشند چه بی عذر چه با عذر نگرفته باشند.

توکیل در اداء

فطره مهمان

وجوب فطره مهمان بر میزبان و عدم وجوب در موارد مختلف

(مسئله ۲۹۷۰) اگر کسی را که نا خور او است و در شهر دیگر است وکیل کند که از مال او فطره خود را بدهد چنانچه اطمینان داشته باشد که فطره را میدهد، لازم نیست خودش فطره او را بدهد.

(مسئله ۲۹۷۱) فطره مهمانی که پیش از رویت هلال ماه سؤال با رضایت صاحبخانه وارد شده در صورتی که نان خور او حساب شود بر او واجب است.

(مسئله ۲۹۷۲) کسی که مهمان شخصی باشد، ولی پیش از غروب شب عید فطر از منزل میزبانیش بیرون رود تا بعد از مغرب برگردد، بر میزبان واجب است زکوة فطره مهمانش را بدهد، و همچنین اگر مهمانی همراه خود چیزی مانند خرما یا نان داشته باشد که بخواهد در منزل میزبان از مال خود افطار کند، چنانچه نان خور او حساب شود و اما اگر غذای خود را در منزل میزبانیش بخورد بطوریکه نان خور او حساب نشود اگرچه به عنوان مهمانی رفته باشد، بر میزبان واجب نیست زکوة فطره او را بدهد.

(مسئله ۲۹۷۳) فرزندی که نان خور پدرش است اگر پیش از مغرب شب عید فطر مهمان کسی شود، و نان خور او محسوب شود میزبان باید زکوة فطره او را بدهد و از پدرش ساقط می شود و همچنین اگر چند نفر از افراد یک خانواده با پدر بمهمانی بروند، و نان خور میزبان محسوب شوند، زکوة فطره آنها بر میزبان واجب است و افرادی که با پدر نیامدند زکوة فطره آنان بر پدر واجب است.

(مسئله ۲۹۷۴) فطره مهمانی که پیش از مغرب شب عید فطر بدون رضایت صاحبخانه وارد می شود و مدتی نزد او می ماند مستحب است زکوة فطره او را بدهد، و همچنین است فطره کسی که انسان را مجبور کرده اند که خرجی او را بدهد.

(مسئله ۲۹۷۵) فطره مهمانی که بعد از مغرب شب عید فطر وارد می شود، بر صاحبخانه واجب نیست اگرچه پیش از غروب او را دعوت کرده باشد و در خانه او هم افطار کند.

(مسئله ۲۹۷۶) اگر کسی موقع غروب شب عید فطر دیوانه یا بیهوش باشد زکوة فطره بر او واجب نیست.

مهمان ناخوانده

مهمان از مغرب بعد

در موقع غروب اعتبار شرایط



(مسئله ۲۹۷۷) اگر پیش از روعیت هلال ماه شوال بچه بالغ یا دیوانه عاقل و یا فقیر غنی شود، در صورتی که شرایط واجب شدن فطره را دارا باشد، باید زکوة فطره را بدهد.

(مسئله ۲۹۷۸) کسی که موقع مغرب شب عید فطر، زکوة فطره بر او واجب نیست اگر تا پیش از ظهر روز عید شرطهای واجب شدن فطره در او پیدا شود، مستحب است زکوة فطره را بدهد.

بعد از مغرب  
اسلام یا تشیع

(مسئله ۲۹۷۹) کافری که بعد از مغرب شب عید فطر، مسلمان شده، فطره بر او واجب نیست، ولی مسلمانی که شیعه نبوده، اگر بعد از دیدن ماه، شیعه شود، باید زکوة فطره را بدهد اگر چه قبلاً آن را داده باشد.

مقدار لازم  
کم بودن گندم از

(مسئله ۲۹۸۰) کسی که فقط به اندازه یک صاع که تقریباً سه کیلو است گندم و مانند آن دارد، مستحب است زکوة فطره را بدهد، و چنانچه عائله ای داشته باشد و بخواهد فطره آنان را هم بدهد می تواند بقصد فطره آن یک صاع را به یکی از عیالاتش بدهد، و او هم بهمین قصد بدیگری بدهد و همچنین تا به نفر آخر برسد و بهتر است نفر آخر چیزی را که می گیرد به کسی بدهد که از خودشان نباشد و اگر یکی از آنها صغیر باشد، ولی او بجای او میگرد و احتیاط آنست چیزی را که برای صغیر گرفته به کسی ندهد بلکه باید به مصرف صغیر برساند.

بعد از مغرب  
نان خور حادث

(مسئله ۲۹۸۱) اگر بعد از مغرب شب عید فطر بچه دار شود، یا کسی نان خور او حساب گردد، واجب نیست فطره او را بدهد، اگر چه مستحب است فطره کسانی را که بعد از مغرب تا پیش از ظهر روز عید، نان خور او حساب می شوند بدهد.

حدوث وضعیت جدید  
در نشئه وقت مغرب

(مسئله ۲۹۸۲) اگر انسان نان خور کسی باشد ولی پیش از رویت هلال ماه شوال نان خور کس دیگر شود، فطره او بر کسی که نان خور او شده واجب است مثلاً اگر دختر پیش از مغرب بخانه شوهر رود، شوهرش باید فطره او را بدهد.

(مسئله ۲۹۸۳) کسی که دیگری باید فطره او را بدهد، واجب نیست فطره خود را بدهد.

وظیفه در صورت  
امتناع مکلف

(مسئله ۲۹۸۴) اگر فطره انسان بر کسی واجب باشد و او فطره را ندهد، بر خود انسان واجب نمی شود مگر آنکه شخص غنی نان خور فقیر باشد که در این صورت

احتیاط لازم آنستکه غنی فطره خود را بدهد.

(مسئله ۲۹۸۵) اگر کسی که فطره او بر دیگری واجب است خودش فطره را بدهد، از کسی که فطره بر او واجب شده ساقط نمی‌شود، مگر اینکه به نیابت و وکالت از طرف آن شخص دیگر بدهد.

(مسئله ۲۹۸۶) زنی که شوهرش مخارج او را نمی‌دهد چنانچه نان خور کس دیگر باشد، بر آنکس واجب است، و اگر نان خور کسی دیگر نیست، در صورتی که فقیر نباشد، باید فطره خود را بدهد.

(مسئله ۲۹۸۷) کسی که سید نیست، نمی‌تواند به سید فطره بدهد، حتی اگر سیدی نان خور او باشد، نمی‌تواند فطره او را به سید دیگر بدهد، ولی اگر غیر سید، مهمان سید و نان خور او حساب شود، سید می‌تواند، زکوة فطره غیر را به سید بدهد.

(مسئله ۲۹۸۸) فطره طفلی که از مادر یا دایه شیر می‌خورد بر کسی است که مخارج مادر یا دایه را می‌دهد، ولی اگر مادر یا دایه مخارج خود را از مال طفل برمی‌دارد فطره طفل بر کسی واجب نیست.

(مسئله ۲۹۸۹) انسان اگر چه مخارج عیالاتش را از مال حرام بدهد، باید فطره آنرا از مال حلال بدهد.

(مسئله ۲۹۹۰) اگر انسان کسی را اجیر نماید مثل بنا یا نجار یا راننده و یا خادم و یا چوپان و مانند اینها و شرط کند که مخارج او را بدهد بطوری که نان خور او حساب شود باید فطره او را هم بدهد، ولی چنانچه شرط کند که فقط مزدش را بدهد مانند کارکنان مهمانخانه‌ها که غذای خود را در همانجا می‌خورند، واجب نیست فطره او را بدهد.

(مسئله ۲۹۹۱) زکوة فطره کارکنان و کارمندان ادارات، مؤسسات و شرکتهای دولتی و خصوصی بر خودشان است در صورتی که شرطهای وجوب زکوة فطره باشد، و همچنین سربازان در سربازخانه‌ها یا میدان جنگ اگر چه مخارج آنها بعهده دولت باشد، ولی زکوة فطره در صورتی که شرطهای وجوب باشد بر خودشان واجب است.

زن شوهر  
خارج از نفقه

سید  
اداء فطره به

شیرخوار  
فطره طفل

وجوب اداء فطره  
از مال حلال

فطره اجیر

کارکنان و سربازان  
فطره کارمندان و

فوت بعد از مغرب

(مسئله ۲۹۹۲) اگر کسی بعد از مغرب شب عید فطر فوت کند، باید فطره او و عیالاتش را از مال او بدهند ولی چنانچه پیش از مغرب فوت نماید، واجب نیست فطره او و عیالاتش را از مال او بدهند.

### ۳۰۶- مصرف زکوة فطره

مصرف زکوة فطره  
اعتبار شیعه

(مسئله ۲۹۹۳) واجب است زکوة فطره بفقراء و مساکین شیعه اثنی عشری داده شود، اگرچه در شهر دیگر باشند، و چون نقل زکوة فطره از شهری بشهر دیگر خلاف احتیاط است اگر کسی که زکوة فطره بر او واجب است در شهر خودش فقیر شیعه نباشد باید مال خود را بشهر دیگر ببرد، و در آنجا به قصد زکوة فطره به شیعه بدهد.

(مسئله ۲۹۹۴) اگر طفل شیعه ای فقیر باشد، انسان می تواند فطره را با اذن ولی شرعی او به مصرف او برساند، یا به واسطه دادن ولی طفل، ملک طفل نماید.

کسانی که نباید به آنان زکوة فطره داد

(مسئله ۲۹۹۵) فقری که به او فطره می دهند، لازم نیست عادل باشد، ولی احتیاط واجب آنستکه به شرابخوار، بی نماز، قمارباز، روزه خوار، و کسی که آشکارا معصیت می کند فطره ندهند و کسی که ندادن زکوة فطره به او باعث ترک معصیت او می شود زکوة فطره ندهند.

عدم صرف در معصیت

(مسئله ۲۹۹۶) به کسی که فطره را در معصیت مصرف می کند نباید زکوة فطره بدهند.

مقدار قابل اداء  
به یک فقیر

(مسئله ۲۹۹۷) احتیاط واجب آنستکه به یک فقیر کمتر از یک صاع که تقریباً سه کیلو است فطره ندهند ولی اگر بیشتر بدهند به حدی که غنی شود در صورتی که فقیر دیگری در آن محل یا آن شهر نباشد اشکال ندارد.

(مسئله ۲۹۹۸) اگر از جنسی که قیمتش دو برابر قیمت معمولی آنست مثلاً از گندمی که قیمت آن دو برابر قیمت گندم معمولی است، نصف صاع که معنای آن در مسئله پیش گفته شد بدهد کافی نیست و اگر آن را بقصد قیمت فطره هم بدهد اشکال دارد.



تلفیق در جنس

(مسئله ۲۹۹۹) انسان نمی‌تواند نصف صاع را از یک جنس مثلاً گندم و نصف دیگر آنرا از جنس دیگر مثلاً جو بدهد و اگر آنرا بقصد قیمت فطره هم بدهد اشکال دارد و کافی نیست.

اولیای مستحقین

(مسئله ۳۰۰۰) مستحب است در دادن زکوة فطره، خویشان فقیر خود را بر دیگران مقدم دارد و بعد همسایگان فقیر را، و بعد اهل علم و دین فقیر را، ولی اگر دیگران از جهتی برتری داشته باشند، مستحب است آنها را مقدم بدارد.

اشتباه در مصداق فقر

(مسئله ۳۰۰۱) اگر انسان به گمان اینکه کسی فقیر است به او زکوة فطره بدهد، و بعد بفهمد فقیر نبوده و یا از روی ندانستن مسئله به کسی که فقیر نیست، فطره بدهد، چنانچه مالی را که به او داده از بین نرفته باشد، باید پس بگیرد و به مستحق بدهد، و اگر از بین رفته یا نتواند پس بگیرد، باید از مال خودش فطره را بدهد، و اگر از بین رفته باشد، در صورتی که گیرنده فطره می‌دانسته آنچه را گرفته فطره است، باید عوض آن را بدهد، و اگر نمیدانسته، دادن عوض بر او واجب نیست و انسان باید دوباره فطره را بدهد، ولی اگر به غیر عنوان فطره داده نمی‌تواند از او پس بگیرد و چنانچه در تشخیص مستحق کوتاهی نکرده باشد، مثلاً بی‌توجهی بر فقر او داده باشد لازم نیست دوباره از مال خود زکوة فطره را بدهد.

فقر گیرنده اطمینان به

(مسئله ۳۰۰۲) اگر کسی بگوید: «فقیرم» نمی‌شود به او فطره داد، مگر آنکه از گفته او اطمینان حاصل شود، یا از ظاهر حالش معلوم باشد که فقیر است، و یا انسان بداند که قبلاً فقیر بوده است.

دادن فطره به تارک نماز

(مسئله ۳۰۰۳) فقری که مریض و علیل است و قدرت بر کار هم ندارد، و گاهی هم نماز نمی‌خواند، چنانچه شیعه دوازده امامی می‌باشد دادن زکوة فطره را به او اشکال ندارد.

بخشش فقره آنرا

(مسئله ۳۰۰۴) اگر فقری زکوة فطره را بگیرد و با طیب نفس آن را بکس دیگری ببخشد اگر مقدار آن، مطابق شأن او باشد اشکال ندارد، ولی اگر زکوة فطره دهنده شرط کند که فقیر زکوة فطره را قبول کند و تمام یا مقداری از آن را به دیگری ببخشد جایز نیست، و براءت ذمه حاصل نمی‌شود.

### ۳۰۷- مسائل متفرقة زکوة فطره

اعتبار قصد  
قربت

(مسئله ۳۰۰۵) انسان باید زکوة فطره را بقصد قربت، یعنی برای اطاعت از فرمان خداوند متعال بدهد، و موقعی که آن را می‌دهد، باید نیت دادن فطره نماید، و لازم نیست به فقیر بگوید: «این زکوة فطره است» بلکه اگر اهانت و یا باعث خجالت او شود اشکال دارد، و اگر بصورت هدیه اما به نیت زکوة فطره داده شود کافی است.

پرداخت فطره قبل از  
ماه و در اثنا ماه

(مسئله ۳۰۰۶) اگر کسی پیش از ماه مبارک رمضان زکوة فطره را بدهد صحیح نیست، و اما اگر در ماه مبارک رمضان بدهد صحیح است و احتیاط لازم آنستکه قصد وجوب نکند، مگر آنکه فطره را بعد از رویت هلال ماه شوال (شب عید فطر) یا صبح روز عید پیش از نماز عید بدهد، ولی اگر پیش از ماه مبارک رمضان یا در ماه مبارک رمضان به فقیر قرض بدهد، و بعد از آنکه فطره بر او واجب شد، طلب خود را از بابت فطره حساب کند اشکال ندارد.

عدم اختلاط جنسی با  
جنس دیگر در فطره

(مسئله ۳۰۰۷) گندم یا چیز دیگری را که انسان برای فطره می‌دهد، باید با جنس دیگر مثلاً با جو، یا با خاک مخلوط نباشد، و چنانچه مخلوط باشد، اگر خالص آن به یک صاع که تقریباً (۳) کیلو است برسد، یا آنچه مخلوط شده بقدری کم باشد که قابل اعتنا نباشد اشکال ندارد.

جنس معیوب از  
اداء فطره

(مسئله ۳۰۰۸) اگر فطره را از جنس معیوب بدهد کافی نیست، ولی اگر جایی باشد که خوراک غالب مردم آنجا، همان جنس معیوب است مانعی ندارد.

بخشش گیرنده  
فطره آنرا

(مسئله ۳۰۰۹) کسی که فطره چند نفر را می‌دهد، لازم نیست همه را از یک جنس بدهد، و اگر مثلاً فطره بعضی را برنج و فطره بعضی را گندم، و فطره بعضی دیگر را جو بدهد کافی است.

وقت اداء

(مسئله ۳۰۱۰) کسی که نماز عید فطر می‌خواند، بنابر احتیاط واجب، باید فطره را پیش از نماز عید بدهد و یا جدا نماید، ولی اگر نماز عید نمی‌خواند، می‌تواند دادن فطره را تا ظهر تاخیر بیندازد.

نیت فطره به هنگام اداء

(مسئله ۳۰۱۱) اگر به نیت فطره مقداری از مال خود را کنار بگذرد و تا ظهر روز عید به مستحق ندهد، احتیاط واجب آنستکه هر وقت آن را می دهد نیت فطره نماید.

تبدیل فطره

(مسئله ۳۰۱۲) اگر موقعی که دادن زکوة فطره واجب است، فطره را ندهد، و کنار هم نگذارد، بعداً باید بدون اینکه نیت اداء و قضاء کند فطره را بقصد قربت بدهد.

تعیین به نیت

(مسئله ۳۰۱۳) اگر فطره را کنار بگذارد، نمی تواند آن را برای خودش بردارد، و مال دیگری را برای فطره بگذارد.

تلف مال فطره بر اثر کوتاهی در حفظش

(مسئله ۳۰۱۴) اگر انسان مالی داشته باشد که قیمتش از فطره بیشتر است، چنانچه فطره را ندهد و نیت کند که مقداری از آن مال برای فطره باشد اشکال دارد.

تلف فطره بر اثر انتقال

(مسئله ۳۰۱۵) اگر مالی را که برای فطره کنار گذاشته از بین برود، چنانچه دسترسی به فقیر داشته و دادن فطره را تاخیر انداخته، باید عوض آن را بدهد، و اگر دسترسی به فقیر نداشته ضامن نیست مگر آنکه در نگهداری آن کوتاهی کرده باشد.

(مسئله ۳۰۱۶) کسی که زکوة فطره را از مال خود جدا کرده باشد، اگر در محل خودش مستحق پیدا شود، احتیاط واجب آنستکه فطره را بجای دیگر نبرد، و چنانچه بجای دیگر ببرد و تلف شود، باید عوض آن را بدهد.

تاخیر نائب در اداء

(مسئله ۳۰۱۷) اگر کسی به امام جماعت مسجد یا اهل محلی زکوة فطره دهد تا به مستحق برساند، چنانچه شخص روحانی، مجتهد یا وکیل مجتهد جامع الشرائط باشد، و به عنوان ولایت برای فقیر بگیرد، تکلیف از دهنده زکوة فطره ساقط است، و مجتهد جامع الشرائط یا وکیل او هر وقت صلاح بداند می تواند آن را به اهلش برساند، ولی اگر آن روحانی، مجتهد یا وکیل مجتهدی نباشد باید پیش از نماز عید فطر، فطره را به فقیر دهد، و اگر ندهد، بعداً نیز به عنوان فطره رد کند بشرط آنکه وکالت مالک، مقید به پیش از نماز نباشد و الا ثانیاً وکالت لازم است.

خطأ اموال فطره

(مسئله ۳۰۱۸) اگر عده ای به اهل علم یا به کسی که مورد وثوق و اطمینان آنها است زکوة فطره دهند که بقراء برسانند، نباید اهل علم یا شخص موثق وجوه مأخوذه را مخلوط هم کند، بلکه باید هر یک از وجوه را بقصد صاحبش به فقیر بدهد، و چنانچه مخلوط کرده در موقع اداء، مقدار مأخوذه از هر شخصی را از مجموع جدا کند، و بقصد همان شخص بپردازد، ولی چنانچه بخواهد مجموع را از طرف همه صاحبان وجه به



لزوم اطمینان به رعایت اداء و شرایط آن و عدم جواز ریختن آن به صندوق صدقات و حساب

لزوم اداء از قوت و غالب

تاخیر در اداء یا نقل

اداء فطره به مبلغ به عنوان هدیه مقابل

فاقد مالی برای اداء فطره

یک فقیر بدهد، در این صورت جدا کردن برای هر نفری لازم نیست ولی قصد از طرف مجموع لازم است.

(مسئله ۳۰۱۹) دادن زکوة فطره به کسی که مورد وثوق و اطمینان نیست، و همچنین ریختن آن را بصندوق چون زکوة فطره باید بقصد صاحبش به فقیر داده شود، و در دادن آن تاخیر نیندازد، و به یک فقیر کمتر از یک صاع قوت غالب یا قیمت آن داده نشود، و مخلوط کردن زکوة فطره افراد مختلف، خالی از اشکال بلکه جایز نیست.

(مسئله ۳۰۲۰) احتیاط واجب آنستکه زکوة فطره را از عین قوت غالب، یا قیمت آن را به فقیر بدهد، و اگر آن را جدا نموده، نباید آن را تبدیل بچیز دیگر کند، و چنانچه از اول، چیز دیگری را از ظرف یا فرش یا لباس و مانند اینها به مقدار زکوة فطره جدا کند، نمی تواند بدون اجازه فقیر در آن تصرف یا آن را تبدیل بعین دیگر یا قیمت کند (مسئله ۳۰۲۱) با وجود مستحق، جایز نیست زکوة فطره را تاخیر بیندازد، احتیاط واجب آنستکه تا در محل یا شهری مستحق است زکوة فطره را به محل یا شهر دیگر منتقل نکنند، اگرچه در آن محل یا شهر دیگر، مستحق از خویشان وندان باشد، ولی دادن زکوة فطره به فقریری که از محل یا شهر دیگر آمده اشکال ندارد.

(مسئله ۳۰۲۲) دادن زکوة فطره را به اهل علم که برای تبلیغ در محلی دعوت شده یا خودش رفته، به عنوان پول منبر خالی از اشکال نیست، ولی دادن زکوة فطره به او در صورتی که مستحق باشد یا بمستحق برساند اشکال ندارد.

(مسئله ۳۰۲۳) کسی که فقیر نیست و زکوة فطره بر او واجب است، ولی شب یا روز عید فطر چیزی موجود ندارد که زکوة فطره بدهد اما چک یا طلب دارد یا حقوقش را نگرفته است، چنانچه بتواند باید قرض کند یا چیزی را بفروشد و زکوة فطره را بدهد، و اگر نتواند، می تواند تاخیر بیندازد که هر وقت طلب را وصول کرده یا حقوقش را گرفته بقصد قربت بدهد.